



۵

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۴ | شماره پی در پی ۳۷۵ |
بهمن ماه ۱۴۰۴ | ۴۸ صفحه

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir

آن زمستانی
که

با خود

نوبهار

آورده بود



امام خامنه‌ای!

خط و خطر در بیان

دشمن برای شکست «تاب‌آوری» مردم جبهه جدیدی را باز کرده که فراتر از جبهه نظامی است!

دشمن دل‌ها و اندیشه‌ها را نشانه رفته؛ به او تهاجم کنید!

امام خامنه‌ای مجدداً دستگاه محاسباتی غرب را که با اتکا بر فعالیت شبکه به هم پیوسته جریان واداده غربگرا در داخل و وطن فروش‌های خارج‌نشین، در انتظار دریافت پیام ضعف و تسلیم ایران بودند، سردرگم بیان کرد!



سخنرانی رهبر معظم انقلاب
(مد ظله العالی)
در جمع مداحان



مجله روشد

www.roshdmag.ir

ماهانامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
 دانشجویان معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره ۴۴
 شماره پی در پی ۳۷۵ | بهمن ماه ۱۴۰۴

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات
 در دسترس عموم جامعه آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه
 مخاطبان در میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.
 قیمت: ۳۰۹۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی
 سردبیر: دکتر عباسعلی مظفری
 شورای برنامه ریزی:
 دکتر حامد عباسی
 دکتر جعفر چراغیان
 دکتر مختار ذاکری
 دکتر منوچهر فضلی خانی
 دکتر لیلا میرزائی
 دکتر زهرا سادات الطافی
 مدیر داخلی: الهام الیکایی
 ویراستار: کبری محمودی
 مدیر هنری: کوروش پارسانزاد
 طراح گرافیک: مجتبی زند
 دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:
 تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
 صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
 تلفن: ۲۲۲-۸۸۴۹۰-۲۱
 نمابر: ۱۴۷۸-۸۸۳-۲۱
 پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
 وبگاه: www.roshdmag.ir
 رایانامه: moallem@roshdmag.ir
 نشانی امور مشترکین:
 تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
 امور مشترکین:
 ۲۱-۸۸۸۶۷۳-۰۸
 پیامنگار: ۲۳۳-۸۸۴۹۰-۲۱
 چاپ و توزیع: شرکت افست



- یادداشت سردبیر** انقلاب اسلامی پدیده قرن بیستم / دکتر عباسعلی مظفری * ۲
- نقد و نظر** میراث سه شهید: رسالت یک معلم / تنظیم کننده: شهلا فهیمی * ۴
- مهارت های معلمی** رکورد جهانی / زهرا عرب سلیمانی * ۸
- وقتی والدین کنار می ایستند** / خانه سرحسابی * ۳۰
- شور و شعر در کلاس** / دکتر مرتضی مجدفر * ۳۳
- معلمی برای انسان ها، نه نسل ها** / دکتر محمد نیرو * ۳۴
- سؤال های بافت دار** / عبدالرضا شیرکوند * ۳۶
- بد خلی های کوچک، زخم های بزرگ** / خدیجه فتح اله * ۴۴
- فناوری های نوین** پیوند هوش ها (قسمت دوم) / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۱۰
- غوغای نقشه ذهنی** / معصومه دانیالی * ۴۲
- رویکردهای تربیتی** تحلیل جهان از نگاه یک معلم / دکتر جعفر چراغیان * ۱۴
- گفت و گو، راز کلاس های موفق** / آتیه عبد مولایی * ۲۶
- درس زندگی** نامه ای که هنوز درس می دهد / دکتر عباسعلی مظفری * ۱۷
- بهداشت روانی** تدبیر اثربخش / مونس پازوکی * ۱۸
- هدایت و کمراهی: دو مسیر، یک انتخاب** / دکتر مختار ذاکری * ۲۱
- سبک زندگی** نوجوان و طعم زندگی سالم / شیمیا مظفری * ۲۶
- طراحی آموزشی** خلاقیت همراه با چشم انداز / فرزانه نوراللهی * ۳۸
- یادها و خاطره ها** تقویم بهمن / دکتر لیلا میرزایی * ۴۶
- کافه کتاب** آنچه یک جوان باید بداند: ویژه دختران و پسران * ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. اثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. برای مندرج در مقاله ها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



برای اشتراک مجلات
 رشد بپوش کنید



عکاس: اعظم لاریجانی

دهه فجر انقلاب اسلامی، گرامیداشت روزهای سرنوشت‌ساز ملت ایران، از تاریخ ۱۲ تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ است. این ایام پاسداشت وقایعی همچون بازگشت امام خمینی (ره) به ایران اسلامی پس از ۱۵ سال تبعید و پیروزی انقلاب اسلامی است.

امام خمینی (ره) و پیشگامان انقلاب از جمله شهید دکتر بهشتی و دیگر پیشروان با اشراف کامل و اطلاع از حکومت‌ها، از جمله آشنایی با تاریخ اسلام و حکومت‌های کشورهای اروپایی به دلیل زندگی در قلب اروپا، طراحی دقیقی از حکومت اسلامی داشتند. مردم ایران هر ساله روزهای دهه فجر و سالروز استقلال و آزادی خود از چنگال استکبار جهانی را، که مرهون خون‌های مطهر شهیدان و مجاهدت‌های ملت ایران و رهبری امام خمینی (ره) بود، جشن می‌گیرند و امیدوارند که این انقلاب به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، متصل شود و جشن برپایی حکومت عدل الهی را در عصر حضور حضرت قائم (عج) پاس بدارند.

دهه فجر یادآور یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های جهان در عصر جدید و از جمله رخدادهای مهم تاریخی ملت بزرگ ایران و روز ۲۲ بهمن یک روز فراموش‌ناشدنی برای مردم ایران است. این دهه شبیه به یک شگفتی بود که در تاریخ این سرزمین رخ داد؛ انقلابی که نه تنها ایران را از چنگال ظلم و استبداد رهایی بخشید، بلکه در دل مردمش شعله‌ای از آگاهی، مقاومت و آزادی را روشن کرد. صدای پیروزی نه تنها در میدان‌های بزرگ، بلکه در خانه‌های کوچک و در دل‌های ساده مردم طنین‌انداز شد. این دهه سرشار از امید است. دهه فجر به ما یادآوری می‌کند که اگر به آرمان‌های انقلاب اسلامی پایبند باشیم و در راه آزادی و عدالت گام برداریم، هیچ طوفانی نمی‌تواند ما را از مسیرمان منحرف کند.

یادمان باشد، در هر گوشه از این سرزمین، نام‌هایی از شهیدان بزرگ انقلاب گرامی داشته می‌شود. دهه فجر زمان یادآوری این جان‌فشانی‌هاست؛ روزهایی که با خون شهیدان عزیز نوشته و به نقطه عطفی در تاریخ ایران بدل شدند. دهه فجر همیشه نمادی از یک انقلاب اسلامی زنده و پویا خواهد بود. استکبار جهانی کوشش کرد با وسیع‌ترین، طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین جنگ‌ها،

دکتر عباسعلی مظفری

انقلاب

اسلامی

دیدگاه و چرخش

پسندیده



از جمله هشت سال دفاع مقدس و جنگ ترکیبی و تحمیلی دوازده روزه، که از خشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین جنگ‌های عصر حاضر بود، و همچنین با اعمال شدیدترین تحریم‌ها، ملت عزیز ایران، این کهن‌سرزمین با فرهنگ را به زانو درآورد، اما وجود رهبری فرزانه و دلسوز، خداباوری و شجاعت تک‌تک مردم، بینش روشن، و اعتقاد به اراده‌ خداوند رحمان، ایران عزیز را از گردنه‌ها و پیچ‌های تاریخی به سلامت عبور داده است.

در مواجهه با تاریخ انقلاب اسلامی اسلامی ضرورت دارد همکاران گرامی با تبیین ابعاد قیام مردم، تحلیل صحیح رخدادها و وقایع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، و نقش استکبار جهانی در بحران‌سازی، زمینه‌شناخت دقیق دانش‌آموزان از فلسفه انقلاب و حفظ دستاوردهای آن را فراهم کنند. ❁

مادرم به سجده افتاد و گفت: خدایا، من در کربلا نبودم تا امام حسین (ع) را یاری کنم، اما امروز سه فرزندم را در راه او تقدیم کردم، قبول فرما

میراث

سه شهید:

رسالت

گفت و گو با
زهرا مظفر، مشاور وزیر آموزش و پرورش

زهرا مظفر، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور شاهد و ایثارگران، از جمله مدیران متعهدی است که مسیر خدمت‌ش را از کلاس درس آغاز کرد و پله‌پله تا جایگاه‌های کلان مدیریتی پیش رفت. بیش از سه دهه حضور او در عرصه تعلیم و تربیت، از مربیگری پرورشی و مدیریت مدرسه‌های مناطق محروم تا مدیرکلی بازرسی و مشاور وزیر، همواره با روحیه‌ای جهادی و نگاه تربیتی همراه بوده است. او که خود از خانواده‌ای ایثارگر و شهیدپرور برخاسته، خدمت به جامعه شاهد و ایثارگران نه یک مسئولیت اداری، بلکه ادامه راه ایمان و عشق خانوادگی می‌داند. خانم مظفر که در خانواده‌ای با سه شهید، چند جانباز و مبارزان پیش از انقلاب بزرگ شده، اکنون روایتگر میراثی است از ایمان، ایثار و تربیت نسل مؤمن؛ میراثی که از خانه‌ای پر از عطر شهادت آغاز شد و در کلاس‌های درس و مدیریت آموزش و پرورش تداوم یافت.

شما از خانواده معظم شهدا
هستید و ما مدیون همه شهدایان،
به ویژه شهدای عزیز خاندان مظفر
هستیم. معلمان عزیز ما حتماً
علاقه مندند از زبان شما یادی از آن
بزرگواران بشنوند.

خیلی خوش حالم که امروز در جایگاه
خدمتگزاری خانواده شهدا هستم. افتخار
می کنم خودم هم عضوی از این جامعه ام.
شاید چون در چنین خانواده ای بزرگ شده ام،
درک عمیق تری از سختی ها و ایمان خانواده های
شهدا دارم. مثل بسیاری از مردم ایران، خانواده
ما نیز برای ماندگاری نظام و پشتیبانی از ولایت و
رهبری، از همه چیزشان گذشتند تا امنیت و استقلال
کشور حفظ شود.

قبل از پیروزی انقلاب، خانواده ما جزو مبارزان بود.
منزل ما محل نگهداری اعلامیه های حضرت امام (ره)
بود. من آن موقع پنج شش ساله بودم و هنوز یادم هست
شب ها با ترس از حمله ساواک، با حجاب کامل و
کفش در پیمان پشت در می خوابیدیم. در خانه ها
چوبی و بدون حفاظ بود. برای همین پشت در را با
بشکه های نفت و کپسول گاز می بستیم. گاهی هم
خانواده، برای امنیت بیشتر، پشت بام می خوابیدیم
تا اگر حمله شد راه فرار داشته باشیم. چند بار هم
به خانه ما حمله شد، اما خانواده ام مقاومت کرد.
آن زمان آقای مظفر، که بعدها وزیر آموزش و پرورش
شدند، تحت تعقیب ساواک بودند. پس از پیروزی
انقلاب، جنگ تحمیلی آغاز شد. پدر و مادرم تصمیم
گرفتند صحنه جنگ را خالی نگذارند. من شش برادر
داشتیم: حسین، حسن، علی، رضا، احمد و محمود.
هر کدام مسئولیتی داشتند؛ حاج حسین مدیرکل
آموزش و پرورش بود، شهید حاج حسن در دانشگاه
ابوریحان فعالیت می کرد، حاج علی استاد دانشگاه
و مسئول امور تربیتی ورامین بود و شهید حاج رضا
دادستان چند شهر از جمله تهران و کردستان. احمد
و محمود هم به دلیل سن کم، با تغییر شناسنامه،
به جبهه اعزام شدند؛ اولین تخلف زندگی ما برای
رفتن به جبهه بود!

پدرم تقریباً تمام هشت سال دفاع مقدس را در
بخش شناسایی و معراج شهدا و پشتیبانی جنگ
حضور داشتند. من در آن سال ها هر سه ماه
تنهاده روز پدر را می دیدم. مادرم هم آرام
نشست. حدود ۱۷ ماه در پادگان علم الهدی
داوطلبانه کار کرد؛ لباس رزمندگان را
می دوخت و آذوقه آماده می کرد.

در سال ۶۵ ازدواج کردم. همسرم پس
از برنامه شیرینی خوران بلافاصله به

تنظیم کننده: سهلا فهیمی

عکاس: مریم نضی سلطانی

یک معلم



شدند تا در برابر حمله منافقین بایستند. دشمن از محور خسروی و اسلام‌آباد غرب وارد خاک ایران شد و تا تنگه مرصاد پیشروی کرد. پنجم مرداد، در محور اسلام‌آباد، درگیری سنگینی میان نیروهای خودی و منافقین رخ داد. حاج حسن بر اثر اصابت مستقیم گلوله به سینه به شهادت رسید. پیکر او را هم‌زمانش بر دوش گرفتند تا به عقب منتقل شود، اما حاج علی و حاج رضا توقف نکردند و گفتند باید پیشروی دشمن را سد کنند. چند کیلومتر جلوتر، در تنگه مرصاد، هنگامی که آنان با ده رزمنده دیگر در سنگر مشغول آماده‌سازی مهمات بودند، سنگر با شلیک راکت دشمن هدف قرار گرفت و انفجار مهیبی رخ داد. همه یازده نفر در دم به شهادت رسیدند. پیکر حاج علی سوخت و پیکر حاج رضا نیز بر اثر شدت انفجار سوخته و سیاه شده بود. تنها پلاک‌ها و بقایای لباس‌هایشان به دست رزمندگان رسید. پیکرها پس از انتقال به معراج شهدا در کرمانشاه، برای تشییع به تهران آورده شدند.

جبهه اعزام شد و در جنگ حضور یافت و دوبار هم مجروح شد. همان اوایل جراحی سختی پیدا کرد، اما دوباره به خط مقدم بازگشت. در جزیره محنون، او و برادرانم حاج علی و حاج حسن و احمد آقادر بمباران شیمیایی مجروح شدند. وقتی پیکرها را آوردند، فقط توده‌ای سیاه از سوختگی مانده بود. همسر من نیز مجروح شیمیایی شد و مدتی در بیمارستان بستری بود. در همان سال‌ها، دکتر مظفر روی مین رفت و پایش از مچ آویزان و با ترمیم استخوان ران جراحی شد و متصل شد، اما همچنان گودی عمیقی دارد و عفونت می‌کند. با این همه، هیچ‌کدام تسلیم نشدند. از سال ۵۹ تا ۶۷، خانه ما همیشه بوی جنگ و دعا و دل‌تنگی می‌داد. حالا که سال‌ها گذشته است، می‌بینم آن سختی‌ها فقط درد نبود، مدرسه‌ای بود برای ایمان، صبر و عشق به میهن.

یعنی برادرانتان بعد از پایان جنگ به شهادت رسیدند؟

بله، درست پس از پایان جنگ. زمانی که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شد، خانواده ما دچار اندوه عمیقی شد. همه احساس می‌کردند سال‌ها در جبهه بوده‌اند، اما خداوند آن‌ها را برای شهادت برنگزیده است. شهید حاج علی مظفر همواره می‌گفت: «ما روی آن را نداریم که در چشم خانواده شهدا نگاه کنیم. آنان برگزیدگان الهی‌اند و ما از این فیض محروم مانده‌ایم.» هنوز روزهای پس از پذیرش قطعنامه سپری نشده بود که منافقین حمله کردند و عملیات مرصاد آغاز شد. شب اول مرداد ۱۳۶۷، همه اعضای خانواده در خانه پدرم گرد آمده بودند. پدرم تازه از جبهه بازگشته بود و همسر من هم در پی مجروحیت در خط مقدم، به مرخصی آمده بود. فرزند نخست من تنها بیست و پنج روز داشت. همان شب برادرانم گفتند با فرمان امام خمینی (ره) همه باید برای دفاع از کشور بازگردند. صحنه‌ای رقم خورد که به راستی یادآور وداع کربلا بود؛ پدر، شش برادر و داماد خانواده آماده اعزام شدند. مادرم ساک خود را بسته بود، اما دکتر مظفر به او گفت: «مادر، شما بمانید. خواهرمان تازه فرزندشان به دنیا آمده است و به شما نیاز دارد.» شهید حاج حسن رو به مادر گفت: «مادر، ما شش برادریم. سه تن از ما باز نخواهند گشت و شهید خواهند شد. اگر روزی قرار شد ما را دفن کنی، عدالت را رعایت کن و ما را از بزرگ به کوچک در کنار هم قرار بده.»

در آن روزهای سخت، اولین لحظه‌هایی که نشانه‌هایی از شهادت برادرانتان را احساس کردید، چگونه گذشت و واکنش مادرتان چه بود؟

روز پنجم مرداد، من در خانه مادرم بودم. صبح که بیدار شدم، در حیاط صدای رفت و آمدی شنیدم. وقتی بیرون رفتم، دیدم مادر تمام قابلمه‌ها و وسایل بزرگ پخت و پز داخل انباری را بیرون آورده و در حیاط چیده است. مقدار زیادی حبوبات شسته و گوجه خریده و در حال رب درست کردن بود. تعجب کردم و پرسیدم چرا این کارها را می‌کند. با آرامشی عجیب گفت: «من شک ندارم بچه‌هایم شهید شده‌اند؛ دیشب الهام شده. می‌خواهم وقتی خبر آوردند، مردم برای مراسم اذیت نشوند و همه چیز آماده باشد.» حرف‌هایم برایم سنگین بود. خیلی گریه کردم، اما او با یقین می‌گفت: «هشت نفر در جبهه‌اند، ولی الهام شده چند نفرشان شهید شده‌اند.»

این حال و هوای ششم مرداد ادامه داشت. آن روز من به خانه خودم رفته بودم و مادر تنها بود. روایت آن لحظه را بعدها از برادرم، آقای دکتر حسین مظفر، شنیدم. می‌گفت: «وقتی ماشین جلوی خانه ایستاد و من و پدر پیاده شدیم، مادر به جای خوش حالی، بچه‌ام را گرفت و گفت: حسین، مگر جنگ تمام شده که برگشتی؟» برای او، ادامه مبارزه فرزندانش مهم‌تر از دیدنش‌ان بود. برادرم گفت: «نه مادر، بچه‌ها زخمی شده‌اند، اجازه بده بیایم داخل.» می‌گفت، آن روز به شدت مضطرب بود. نمی‌دانست چگونه خبر شهادت سه نفر را بدهد و فقط از خدا کمک می‌خواست. مادر دوباره یقه‌اش را گرفت و گفت: «راستش را بگو. بچه‌ها چه شدند؟» برادرم ابتدا گفت مجروح‌اند، اما مادر نام همان سه برادری را که شهید شده بودند، به زبان آورد: «حسن چی شد؟» برادرم گفت مجروح است. مادر گفت: «نه، بگو شهید شده.» برادرم گفت «شهید شده». همین‌طور درباره علی و رضا هم پرسید و خودش از میان حرف‌ها عبارت «شهید شده» را بیرون کشید. بعد مادر آرام شد. برادرم می‌گفت: «انگار مادر



حضرت آقا با تواضع و صمیمیت، قدرو شأن خانواده‌های شهدا را یادآوری کردند. این ملاقات نماد توجه رهبری به فداکاری و ایثار خانواده‌های شهدا بود

معلمان با نگاه عاشقانه به شغل معلمی فعالیت کنند. ما با ارزشمندترین سرمایه جهان، یعنی انسان، سر و کار داریم؛ انسانی که فردای جامعه را می‌سازد. اثر کار معلم در روح و جان انسان‌ها نقش می‌بندد و تا زمانی که شاگردان ما فعال‌اند، اثر ما باقی است.

اولین و مهم‌ترین ابزار آموزش، خود معلم است. رفتار، گفتار، نوع پوشش، نگاه و حضور فیزیکی معلم همگی آموزش هستند. کتاب صرفاً سرفصل می‌دهد، اما آنچه در ذهن دانش‌آموز می‌ماند، شخصیت و منش معلم است. «آنچه معلم است، مهم‌تر از آن چیزی است که می‌گوید.» معلم می‌تواند تعلیم را به تربیت بازگرداند.

معلم بر خانواده دانش‌آموز نیز اثرگذار است. شهدای دانش‌آموز نمونه‌هایی از همین تربیت‌اند؛ آنان با سن کم، به بالاترین درجه انسانیت رسیدند، چون خود، معلم انتخاب و ایمان شدند. در جنگ ۱۲ روزه اخیر نیز مردم پای انقلاب ایستادند؛ ایستادگی و روحیه ایثار و ولایت‌پذیری دشمنان را ناکام گذاشت. این نشان می‌دهد امانت انقلاب زنده است و معلمان در حفظ آن نقش مهمی دارند.

در باره تجربه و احساسات خود و خانواده‌تان از دیدار مقام معظم رهبری پرایمان بگویید و اینکه این دیدار بر شما و خانواده‌تان چه تأثیری گذاشته است.

حدود بیست سال پیش، دکتر مظفر تماس گرفتند و گفتند همه در منزل مادر جمع شوند. وقتی هوا تاریک شد و آماده نماز مغرب شدیم، حضرت آقای خامنه‌ای به در خانه آمدند و با همه صمیمانه گفت‌وگو کردند. حضور ایشان آرامش و دلگرمی زیادی به خانواده داد و تا امروز یاد و محبتشان جاری است.

حضرت آقا با تواضع و صمیمیت، قدر و شأن خانواده‌های شهدا را یادآوری کردند. این ملاقات نماد توجه رهبری به فداکاری و ایثار خانواده‌های شهدا بود.

اگر از دوران معلمی یا مدیریت مدرسه تجربه یا خاطره‌ای به یادماندنی دارید، پرایمان تعریف کنید.

تربیتی که از کودکی در خانواده داشتیم، ما را آموخته بود که هر کاری باید مسئولیت‌پذیر باشیم و آن کار را با عشق انجام دهیم. من هم وقتی معلم و بعدها مدیر مدرسه شدم، سعی کردم تمام وجود و زمان خودم را برای دانش‌آموزان صرف کنم. کارم را نه برای حقوق، بلکه عاشقانه و مسئولانه انجام دادم. یکی از خاطراتم به مدیریتم در مدرسه‌ای مربوط بود که امکانات اولیه نداشت و در حاشیه شهر قرار داشت. حتی دسترسی به تاکسی دشوار بود. با پراید خودم معلمان و گاه دانش‌آموزان را منتقل می‌کردم و تمامی مسئولیت‌ها را به‌شخصه بر عهده می‌گرفتم.

در مدرسه‌ای با بیش از ۳۸۰ دانش‌آموز که ۳۰۰ نفر آن‌ها تجدیدی بودند، با مشارکت خیران، آزمایشگاه و امکانات آموزشی ایجاد کردیم و طی سه سال، مدرسه به نمونه‌ای موفق در منطقه تبدیل شد. این تجربه نشان داد، حضور مدیر مؤثر حتی در مدرسه‌های کم‌خوردار، می‌تواند تحول‌آفرین باشد. وقتی معلم یا مدیر با عشق و گذشت کار می‌کند، خانواده‌ها و جامعه نیز همکاری می‌کنند و اثر مستقیم بر کیفیت آموزش و پرورش و رشد نسل آینده می‌گذارند.

خودش راه را باز کرد تا من بتوانم حقیقت را بگویم.»

پس از آن وارد خانه شدند، اما مادر گریه نمی‌کرد. سکوتش همه را نگران کرده بود. برادرم می‌گفت فکر کردم شوکه شده یا ممکن است سگته کند. مدام می‌گفتم: «مادر گریه کن.» اما او فقط می‌گفت: «نه، صبر کن.»

سپس رو به‌قبله نشست و سجده کرد. سر که برداشت، خاطره اولین سفر کربلای خود را یادآوری کرد؛ همان سفری که بیست سال قبل، در زمان شاه، چهل روز همراه پدرم در کربلا مانده بودند. مادرم در آنجا به امام حسین (ع) گفته بود: «من در کربلا نبودم یاری‌ات کنم، حالا شش پسر دارم که در راهت قربانی کنم.» گفت: «این شهادت را تقدیم امام حسین (ع) می‌کنم و اعتراضی ندارم.» برادرم می‌گفت هنوز نگران بود که چرا مادر گریه نمی‌کند. برای اینکه دلش باز شود، گفت: «حاج ولی‌الله قمی هم شهید شده.» او رئیس بنیاد شهید پاکدشت بود و خانواده‌شان چهار شهید داده بودند. همین که مادر شنید «ولی‌الله قمی شهید شده»، زد زیر گریه و گفت: «برای او گریه می‌کنم، چون مادر ندارد.» و همان لحظه اشک‌هایش جاری شد.

از یادگارهای شهیدان بفرمایید. الان چه می‌کنند؟

فرزندان شهید حاج حسن، دو دخترند که هر دو در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند و پسری که اکنون در یکی دانشگاه ابوریحان مشغول خدمت است. شهید حاج علی دو دختر داشت؛ دختر بزرگ فوق‌تخصص دندان پزشکی اطفال است و دختر دوم فارغ‌التحصیل معماری از دانشگاه تهران. شهید حاج رضا یک پسر داشت که اکنون وکیل است و شغل آزاد دارد.

در آستانه دهه فجر برای فرهنگیان و معلمان پیامی دارید؛ کسانی که بی‌تردید مشتاق شنیدن سخنان شمایی هستند که عزیزترین هایتان را در راه اسلام و انقلاب تقدیم کرده‌اید.

من عشق، ایثار، تعهد و تلاش را از برادران شهیدم آموختم. از معلمان می‌خواهم احساس مسئولیت کنند، نه برای منافع شخصی، بلکه برای زنده نگاه داشتن اسلام و امنیت مردم. بیش از ۱۶ سال است که در ستاد آموزش و پرورش فعالیت می‌کنم و باور دارم نقش آموزش و پرورش در تداوم انقلاب و تربیت نسل مؤمن و آگاه حیاتی است. توصیه من این است که



اولین و مهم‌ترین ابزار آموزش، خود معلم است. رفتار، گفتار، نوع پوشش، نگاه و حضور فیزیکی معلم همگی آموزش هستند

بیا باید ماجرای قهرمانی فیلیپس را یک بار دیگر مرور کنیم. اراده قوی او از عادت‌های مثبتی سرچشمه می‌گیرد که جزئی از زندگی‌اش شده‌اند؛ عادت‌هایی که از او یک قهرمان ساخته‌اند. عادت به قهرمانی به یک سرنخ نیاز دارد. یک عامل محرک مثل شلیک شروع مسابقه! پس برای ایجاد عادت می‌توانیم به دنبال سرنخ برویم؛ سرنخ‌هایی که عادت‌های مثبت برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند.

عادت به مطالعه و تحقیق یا پیدا کردن پاسخ برای سؤال را در نظر بگیرید؛ عادت‌هایی که به نظر من اگر الگوی ذهنی آن در مغز فرزندان این سرزمین شکل بگیرد، فرمول تمام مشکلات جامعه پیدا خواهد شد. سرنخ ایجاد این عادت مثبت چه چیزی می‌تواند باشد؟ سؤال جالب و چالش‌برانگیز دربارهٔ موجودات فضایی، هوش مصنوعی یا تصویری از یک پدیدهٔ طبیعی یا حتی فیلم کوتاهی از

زهرا عرب سلیمانی
معاون آموزشگاه آیت‌الله خامنه‌ای

همه منتظر شروع مسابقه بودند. به محض صدای شلیک، مثل همیشه، با حرکتی که مختص خودش بود، در آب شیرجه زد. اما همه چیز مثل همیشه نبود. آب وارد عینک شده و بخار ایجاد شده مانع دیدش شده بود. خط‌های کف استخر، علامت‌تی و هیچ چیز دیگری قابل دیدن نبود. برای فیلیپس که به قهرمانی عادت داشت، همه چیز مثل همیشه پیش نرفت. ندیدن دنیای اطراف، میزان فاصله تا خط پایان و حتی موقعیتش نسبت به سایر شرکت‌کنندگان، ذره‌ای تمرکزش را به هم نریخت.

مایکل فیلیپس موفق‌ترین و پرمدالت‌ترین ورزشکار المپیک در تمام دوران با مجموع ۲۸ مدال است. فیلیپس به قهرمانی عادت داشت، پس باید خودش را برای هر اتفاق غیرمنتظره‌ای آماده می‌کرد. مربی فیلیپس شنا با چشمان بسته را با او تمرین کرده بود. پس تاریکی و بخار عینک نمی‌توانستند مانع عادت قهرمانی‌اش شوند. با همه وجود شنا می‌کرد. مدام در ذهنش سرعت و زمان بقیه شرکت‌کنندگان را تخمین می‌زد که دستش دیواره استخر را لمس کرد. با دلهره سرش را از آب بیرون آورد و به صفحه اعلام نتیجه‌ها خیره شد. کنار اسم فیلیپس WR نوشته شده بود. بله، فیلیپس با چشمان بسته، نه تنها قهرمان شده بود، بلکه رکورد جهانی خودش را نیز ارتقا داده بود.^۲

داستان رکوردزنی فیلیپس را که می‌خواندم، با خودم فکر کردم تکرار قهرمانی‌ها و عادت به پیروزی و موفقیت او چقدر به مربی‌اش وابسته است. بله. مربی! آموزش شنا در تاریکی و آمادگی فیلیپس برای هر رویداد غیرمنتظره‌ای، حاصل دوراندیشی‌های مربی‌اش بوده است. ناگهان به این فکر افتادم که من (ما آموزگاران) چقدر دانش‌آموزانم را برای هر رویداد غیرمنتظره‌ای آماده کرده‌ام (ایم)؟ آیا اگر بخار یا گرد و غبارهای مسیر زندگی مانع دیدشان شود، می‌توانند به مسیر خود ادامه دهند؟ خودم (خودمان) چقدر شنا در تاریکی را آموخته‌ام؟ چقدر عادت به قهرمانی را در آن‌ها پرورش داده‌ام؟ اصلاً در مدرسه‌ها کدام عادت‌ها را آموزش می‌دهیم؟

همه این علامت‌های سؤال ذهنم را به چالش می‌کشیدند. ایجاد عادت‌های مثبت چقدر در زندگی قهرمانان مهم و تأثیرگذار است. اگر هر دانش‌آموز را قهرمان زندگی خودش در نظر بگیریم، برابری عادت‌هایش می‌شود مهارت شنا در تاریکی‌های زندگی، عادت‌هایی مثل حفظ‌نکردن و درک‌کردن، رقابت‌نکردن با آدم‌هایی که شباهتی با آن‌ها نداریم، عادت به چالش کشیدن خودمان و پرسشگر بودن.

و حالا به عنوان مربی می‌توانم بگویم، آموزش ما یک جای کار را اشتباه رفته یا یک موضوع اساسی فراموش شده است! به نظر من، حلقه گم‌شده آموزش و صدا البته پرورش ما، ایجاد عادت‌های مثبت روی قهرمانان کوچکمان است. انگار تمرکزمان را روی ترک عادت‌های منفی گذاشته‌ایم و به این موضوع واقف نیستیم که عادت‌ها حذف‌شدنی نیستند. الگوهای ایجادشده در ذهن به هیچ وجه حذف نمی‌شوند و ما فقط می‌توانیم الگوهای مثبت ایجادشده را مدام تکرار کنیم تا تقویت شوند؛ مثل ماهیچه که به تمرین نیاز دارد تا عضلانی بماند. و این گونه است که عادت‌های مثبت روزانه به اراده قوی در همه زمینه‌ها تبدیل می‌شود. پس باید انرژی خودمان را روی ایجاد عادت‌های مثبت بگذاریم تا ماهیچه‌های اراده را تقویت کنیم و قهرمانانی بسازیم که به موفقیت عادت دارند و با هر بخاری پا پس نمی‌کشند.

رکورد جهانی



یک مراسم محلی در گوشه‌ای از دنیا! هرکدام همچون صدای شلیک می‌تواند سرنخی برای شیرجه‌زدن در کتاب‌ها یا مقاله‌ها باشد.

بعد از شیرجه‌زدن، رویه منظم (روتین) تکراری قهرمان قصه ما تمرین و تمرکز روی مهارتش، یعنی شناکردن، بود. پس هر سرنخ به کار منظم و روزمره نیاز دارد. اینجاست که می‌بینیم کتابخانه مدرسه (و حتی کتابخانه‌های کلاسی) و تجهیز آن‌ها چقدر در ایجاد رویه منظم عادت به مطالعه مهم است. دیدن کتاب، لمس آن، ورق‌زدن و حتی اختصاص فضایی به عنوان کتابخانه در منزل و مدرسه می‌تواند عادت به مطالعه را ایجاد کند.

عادت مطالعه را در نظر داشتیم. سرنخ‌هایی را پیدا کردیم و حال برای ایجاد رویه منظم (روتین) باید کتاب به دست گرفتن را آموزش دهیم. لطفاً به عبارت «کتاب به دست گرفتن» متمرکز شوید. به نظر من، عادت به مطالعه از دیدن کتاب در دست بزرگ‌ترها و چشیدن

طعم شیرین قصه‌گویی در کودکی آغاز می‌شود. اینجاست که بعد از شلیک سؤال‌های تأمل برانگیز، خواندن و خواندن، رویه منظم را شکل می‌دهد. البته از این نباید غافل شویم که عادت مطالعه کتاب برجسته برای ما مهم است؛ کتابی که ارزش مطالعه داشته باشد و استمرار مطالعه را به ارمان بیاورد. پس عادت و استمرار کتاب‌خوانی بیشتر تحت تأثیر محیط است؛ محیطی غنی از کتاب‌های بارز که هر بار مطالعه آن‌ها انسان را برای یادگیری و کشف دنیا تشنه‌تر کند.

برگردیم به شخصیت اصلی، مایکل فیلیپس، سرنخ و عادت را پیدا کردیم، اما از طعم قهرمانی و پاداش سخن نگفتیم. پاداش‌هایی که طعم قهرمانی را برای او کامل کرده و انگیزه‌ای بوده‌اند برای ادامه مسیر و تقویت عادت به قهرمانی. پس عادت مطالعه با شیرینی پاداش تقویت می‌شود و کمک می‌کند عضله کتاب‌خوانی ذهن ما قوی و قوی‌تر شود.

ممکن است آموزگاری در شهری دور، موقع خواندن این مطلب با خود بگوید مطالعه دیگر چه عادت است؟ از عادت‌هایی بگوئید که دردی دوا کند، که ابزارش دم‌دست‌تر باشد، که علاقه‌اش فراموش نشده باشد. باید گفت، عادت مدیریت احساسات از جمله عادت‌های دیگری است که نیاز است عضله قوی‌ای در اعضای جامعه ما داشته باشد؛ حتی در شهری دور! سرنخ این رویه می‌تواند تغییرهای اندام‌شناختی (فیزیولوژیکی) یا بدنی باشد. بالارفتن ضربان قلب، عرق کردن یا منقبض کردن عضلات، هر کدام سرنخ‌هایی هستند که درواکش به خطرها در بدن ما فعال می‌شوند. پس در مرحله اول می‌توانیم به دانش آموزانمان این‌گونه سرنخ بدهیم: «هر وقت احساس‌های قوی به سراغ ما می‌یای، بدن با این علائم به ما خبر می‌ده که داره‌یه اتفاق‌هایی می‌افته!»

در مرحله رویه منظم، نام‌گذاری احساس، تنفس صحیح، نقاشی، ترک موقعیت، شمارش معکوس، دویدن یا گوش دادن به موسیقی موردعلاقه، از جمله فن‌هایی هستند که باید تمرین شوند تا در مواقع بروز احساس، رویه منظم مناسبی داشته باشند. در مرحله رویه منظم باید به آن‌ها یادآوری کنیم هر کسی باید رویه منظم آرامش مخصوص خودش را داشته باشد؛ رویه‌ای که ممکن است برای بقیه مسکن و درمان‌پذیر نباشد. برای ضلع سوم و کامل‌کننده هم می‌توانیم پاداش‌های متنوعی در نظر بگیریم؛ هدیه‌هایی هرچند کوچک می‌توانند عادت مدیریت احساس را در کودکانمان نهادینه کنند تا در بزرگسالی بیاموزند بهترین پاداش این مدیریت، بر روزندان و آکنش هیجانی یا نگرفتن تصمیم عجولانه در اوج احساس است.

پس نتیجه می‌گیریم، هر عادت مثبت یا حتی هر عادت منفی، به این سه مرحله نیاز دارد: سرنخ، رویه منظم، پاداش. سه ضلع یک مثلث که لازمه ایجاد عادت در ذهن انسان‌هاست. با در نظر گرفتن این سه ضلع، هرکدام از ما درست مثل مربی فیلیپس می‌توانیم قهرمانانی تربیت کنیم که در مسیر غیرقابل پیش‌بینی زندگی، با تکیه بر عادت‌های مثبت و کارآمد می‌توانند چشم‌پسته مسیر را طی کنند. به آن‌ها یادآوری کنیم تنها باید با خودشان رقابت کنند و هر بار تلاش کنند از خود دیروزشان پیشی بگیرند و رکوردهای خودشان را جابه‌جا کنند؛ حتی اگر مسیر تاریک شد و چیزی قابل دیدن نبود. ❁

پی‌نوشت‌ها

۱. این علامت به شماگرها کمک می‌کند بدانند به دیوارهای استخر نزدیک شده‌اند.
۲. چارلز دووینگ، قدرت عادت. ترجمه الهام شریف (انتشارات نسل ۱۳۹۷)



مقدمه

در قسمت اول انواع هوش مصنوعی، مفهوم تکینگی، تکینگی در فناوری، تکینگی در هوش مصنوعی و در نهایت نقطه امگا مورد بحث قرار گرفت. همچنین مطرح شد، در هوش مصنوعی، تکینگی به نقطه‌ای فرضی اشاره دارد که رشد هوش مصنوعی از اختیار انسان خارج و به تغییرات بنیادین در جامعه و زندگی منجر می‌شود. این مرحله به‌عنوان اوج هوش مصنوعی شناخته می‌شود که در آن ماشین‌ها در شرایط خاص به تهدیدی برای انسان‌ها تبدیل می‌شوند. در ادامه به تشریح سایر مباحث مربوط به تکینگی می‌پردازیم.

دکتر حامد عباسی
پژوهشگر، نویسنده و مدرس تکنولوژی آموزشی

حمیده عباسی
دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

تکینگی و بارگذاری
ذهن: چشم‌اندازی نو
برای زندگی دیجیتال
انسان

پیوند

هوش‌ها

قسمت دوم

* بارگذاری ذهن یا جاودانگی دیجیتال

بارگذاری (آپلود) ذهن^۱ یکی دیگر از مفاهیم بسیار آینده‌نگر و خیالی در حوزه هوش مصنوعی و فناوری است که می‌تواند نحوه زندگی مردم جهان را نیز متحول کند. پیشنهاد دهندگان ایده بارگذاری (آپلود) ذهن معتقدند که این فرایند می‌تواند تا اواسط قرن بیست و یکم، زمانی که تکنیکی به وجود می‌آید، محقق شود. طبق مفهوم بارگذاری (آپلود) ذهن، کل وضعیت ذهن انسان پویش (اسکن) شده و به صورت دیجیتالی به رایانه منتقل می‌شود تا فایل ذهن آپلود شده بتواند در هر بدن دیگری نصب یا بازیابی شود. با این کار کل مغز (تمام احساس، خلایقیت‌ها، مهارت‌ها، نوآوری‌ها، افکار، تجربه و همه چیز) به داده‌های دیجیتالی یا فایل اجرایی تبدیل و در دستگاه رایانه بارگذاری می‌شود و می‌تواند برای بازیابی، انتقال و نصب در بدن‌های دیگر استفاده شود. سپس رایانه، شبیه‌سازی پردازش اطلاعات مغز را به گونه‌ای اجرا می‌کند که مانند ذهن انسان به تمام احساس، عاطفه و سایر مفاهیم انتزاعی پاسخ دهد. اگر در یک روبات انسان‌نما این پیاده‌سازی صورت گیرد، روبات همانند آن فرد رفتار خواهد کرد. این مفهوم بارگذاری ذهن (یا بارگذاری مغز) می‌تواند با توسعه طیف وسیعی از ابزارها و برنامه‌ها محقق شود. بارگذاری ذهن می‌تواند به دوروش اصلی انجام شود:

رونویسی از مغز و بارگذاری در رایانه دیجیتال که به عنوان بارگذاری ذهن سازنده یا بارگذاری ذهن ساده شناخته می‌شود. در این نوع بارگذاری، مغز برای اطلاعات و ویژگی‌ها پویش می‌شود. سپس اطلاعات مغز زیستی (بیولوژیکی) نقشه‌برداری می‌شود و در نهایت، برای بارگذاری در رایانه یا هر دستگاه محاسباتی خاصی که برای این کار خاص استفاده می‌شود، ذخیره یا رونویسی می‌شود. اگر مغز قادر به ادامه حیات نباشد، کل مغز رونویسی و بارگذاری شده، در واقعیت مجازی و دنیای شبیه‌سازی شده زنده خواهد ماند.

در روش دیگر، از طریق جایگزینی تدریجی پی‌یاخته‌ها (نورون‌ها)، مغز را رونویسی و حذف می‌کنند. این فرایند همچنین به عنوان بارگذاری تدریجی مخرب ذهن شناخته می‌شود. کل مغز انسان حذف و با برنامه‌ای رایانه‌ای که کل مغز را شبیه‌سازی می‌کند، جایگزین می‌شود. پس از این فرایند، کل بدن انسان تحت کنترل برنامه‌ای نرم‌افزاری که شبیه‌سازی شده و از طریق رابط‌های متعدد به بدن انسان منتقل شده است، باقی خواهد ماند. مغز رونویسی شده را می‌توان از طریق رابط‌های مغز و رایانه به یک روبات انسان‌نما، یا بدن زیستی که از طریق برنامه‌های رایانه‌ای کنترل می‌شود، نصب یا متصل کرد. این فناوری همچنین به عنوان جاودانگی دیجیتال در نظر گرفته می‌شود، زیرا مغز نمی‌میرد، اما می‌تواند بدن را از یک انسان به انسان دیگر یا به یک بدن روباتیک تغییر دهد. برخی از طرفداران ایده بارگذاری ذهن معتقدند که این امر می‌تواند تا سال ۲۰۴۵ محقق شود، در حالی که برخی دیگر معتقدند ممکن است در دهه‌های پایانی این قرن محقق شود. ساخت حزلون گوش اولین گام موفقیت‌آمیز در ساخت رابط مغز و ماشین است. به منظور تحقق این فرایند، به رایانه‌های قدرتمندی نیز نیاز است. اگر محاسبه‌های کوتاه‌مدتی طبق

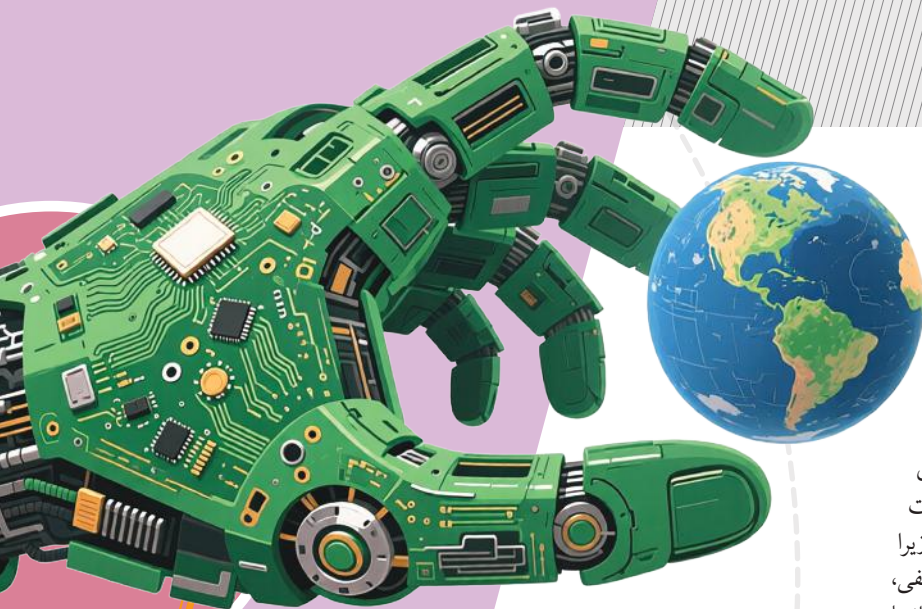
پیش‌بینی‌ها محقق شوند، بارگذاری ذهن می‌تواند خیلی زودتر از آنچه انتظار می‌رود به واقعیت تبدیل شود (تاکور و همکاران، ۲۰۲۳). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ذهن‌های نابغه جاودانه خواهند شد؟ آیا نابغه‌سازی با بارگذاری ذهن اتفاق خواهد افتاد؟ آیا ذهن‌های یادگیرنده ضعیف جایگزین خواهند شد؟ به این سؤاها و ده‌ها سؤال دیگر در رابطه با یادگیری و یادگیرنده که برای آن‌ها نیز در حال حاضر پاسخی نداریم، زمان پاسخ خواهد داد.

* تکنیکی هوش مصنوعی در آموزش

بحث تکنیکی هوش مصنوعی در آموزش^۱ یعنی نقطه‌ای که هوش مصنوعی چنان پیشرفته و فراگیر شود که نظام آموزشی سنتی، نقش معلمان و شیوه یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان را به طور بنیادین دگرگون کند. اگر تکنیکی رخ دهد، آموزش دیگر فقط توسط انسان‌ها طراحی و هدایت نمی‌شود، بلکه هوش مصنوعی، معلم، مربی و همراه دائمی یادگیرنده خواهد شد. برنامه‌های درسی پویا و شخصی‌سازی خواهند شد و برنامه درسی دیگر عمومی و ثابت نخواهد بود. بین یادگیری رسمی در دانشگاه و مدرسه، و یادگیری غیررسمی در زندگی روزمره، مرزی وجود نخواهد داشت. معلمان به جای انتقال‌دهندگی دانش، به تسهیلگر و مربی انسانی تبدیل خواهند شد که وظیفه پرورش مهارت‌های انسانی (خلایقیت، اخلاق، همدلی و تفکر انتقادی) و مدیریت تعامل اجتماعی و ارزش‌ها را برعهده خواهند داشت، چرا که هوش مصنوعی آموزش اطلاعات پایه را سریع‌تر و دقیق‌تر از معلم انسانی انجام خواهد داد. آموزش و تدریس در بسیاری از کلاس‌ها را روبات معلم برعهده خواهد داشت.

در این دوران، محیط‌های آموزشی جدیدی شکل خواهند گرفت، به طوری که هوش مصنوعی هر دانش‌آموز را در کلاس درس جداگانه پایش می‌کند، سطح انگیزه، درک مطلب و حتی حالت عاطفی او را می‌سنجد و تدریس را مطابق با سطح یادگیری و توانایی‌های او تنظیم می‌کند. هر دانش‌آموز یک معلم شخصی هوش مصنوعی دارد که به صورت روبات فیزیکی و روبات نرم‌افزاری همیشه در دسترس است. آموزش در دنیای مجازی با استفاده از واقعیت افزوده، واقعیت مجازی و متاورس که با هوش مصنوعی مدیریت می‌شوند، صورت خواهد گرفت. ارزشیابی‌های مستمر و لحظه‌ای با هوش مصنوعی جایگزین کلیه آزمون‌های سنتی خواهند شد. نابرابری‌های ناشی از دسترسی محدود به معلمان مجرب و محتوای باکیفیت حذف خواهند شد. سرعت یادگیری افزایش می‌یابد و یادگیرندگان می‌توانند چندین برابر سریع‌تر پیشرفت کنند. امکان آموزش در مقیاس جهانی وجود خواهد داشت؛ یعنی هر دانش‌آموز در هر نقطه از جهان، معلمی در کنار خود خواهد داشت.

اما یکی از چالش‌های پیش‌رو، کاهش نیاز به معلمان سنتی و بیکاری یا تغییر گسترده شغل در حوزه آموزش است. چالش دیگر، خطر وابستگی کامل به هوش مصنوعی، کاهش خلاقیت و استقلال فکر و قدرت تفکر دانش‌آموزان خواهد بود. مدیریت و کنترل محتوای آموزشی از بابت مسائل انسانی و اخلاقی، با توجه به سوگیری در هوش مصنوعی، بزرگ‌ترین دغدغه فکری طراحان آموزشی و چه‌بسا خود هوش مصنوعی باشد! آخرین مورد نابرابری دیجیتال در کشورها، میزان دسترسی دانش‌آموزان به فناوری است که خود عامل بی‌عدالتی آموزشی خواهد شد.



اما چالش بزرگ این است که آیا هوش مصنوعی تربیت فرزندان ما را برعهده خواهد گرفت؟ آیا تربیت ماشینی می‌تواند انسان تربیت کند؟ جواب این سؤال را به طور قطعی نه می‌توان «آری» گفت و نه می‌توان «نه» گفت. اگر بگوییم «آری»، باید برای تمام چالش‌ها، محدودیت‌ها و ایرادهای مطرح‌شده در مورد هوش مصنوعی پاسخ و راه‌حلی داشته باشیم. اما اگر «نه» بگوییم، شواهد و نتایج رشد و توسعه همه‌جانبه هوش مصنوعی و تولد هوش مصنوعی فوق‌هوشمند در آینده‌ای نزدیک، و وجود روبات‌های معلم، حکایت از آن دارد که این امر ممکن است در آینده نزدیک اتفاق بیفتد. زیرا اگر بنا باشد هوش مصنوعی در همه زمینه‌های شناختی، عاطفی، احساسی، دانشی، مهارتی و سایر حوزه‌های انسانی فراتر از انسان پیش برود، پس می‌تواند انسان هم تربیت کند. اما واقعیت این است که برای این سؤال هم جوابی قطعی نداریم.

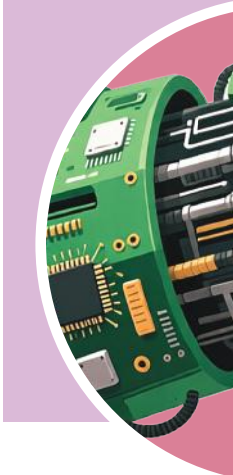
❁ فرآیند اسناریوی فردای تکنیکی در آموزش

هر چند این فرآیند و مباحث مربوط به تکنیکی فرضی و تخیلی هستند، اما توجه داشته باشید، همان‌طور که در آغاز بحث گفته شد، فناوری امروز حاصل همان تخیل دیروز است. پس فردا روزی تکنیکی در آموزش را هم باید به نظاره بنشینیم. روزی که تکنیکی در آموزش روی دهد، شاهد این خواهیم بود که هر کودک، دانش‌آموز و دانشجوی یک یا چند هوش مصنوعی مربی^۱ یا همان روبات مربی دارد که از بدو تولد همراه اوست. نقاط قوت و ضعف او را می‌شناسد و تا پایان عمر او را هدایت می‌کند. دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها کوچک‌تر و بیشتر نمادین می‌شوند و برای تعامل انسانی، فرهنگی و ارزش‌ها استفاده می‌شوند. یادگیری به فرایند هم‌زیستی با هوش مصنوعی بدل می‌شود؛ جایی که انسان و ماشین با هم در ساخت دانش جدید شریک می‌شوند و روبات، انسان را برای کشف و درک ناشناخته‌هایش هدایت و راهنمایی می‌کند. دیگر درس خواندن به شکل امروزی مفهوم ندارد و به یادگیری پیوسته و طبیعی در طول زندگی تبدیل می‌شود. در مجموع چه یاد گرفته شود؟ چگونه یاد گرفته شود؟ چرا یاد گرفته شود؟ با چه روشی آموزش داده شود؟ با چه ابزاری آموزش داده شود؟ چگونه ارزشیابی شود؟ همه و همه سؤال‌های مربوط به چه، چگونه و چرا باید توسط هوش مصنوعی پاسخ داده شوند و کل فرایند آموزش و یادگیری، از طراحی، اجرا تا ارزشیابی، به وسیله روبات و هوش مصنوعی عملیاتی خواهد شد.

دانش‌آموزی به نام «قاصدک» را در سال ۲۰۵۰ در نظر بگیرید. اگر تکنیکی هوش مصنوعی در آموزش رخ دهد، معلمی از حرفه انتقال‌دهندگی دانش به حرفه مربیگری، تربیت‌کنندگی اخلاقی و مدیریت اجتماعی تغییر خواهد کرد. ساختار فیزیکی هم از انسان معلم به روبات معلم تغییر خواهد یافت. اگر معلم شکل انسانی هم داشته باشد، تحت مدیریت کامل هوش مصنوعی به وظایف خود عمل خواهد کرد. آموزش به جای یکسان‌سازی برای همه، به شخصی‌سازی کامل برای هر فرد تبدیل می‌شود و قاصدک مطابق با شرایط خود آموزش خواهد دید و به هماهنگی با سایر دانش‌آموزان

در سرعت و محتوای یادگیری مجبور نیست. یک روز قاصدک را در نظر بگیرید. قاصدک صبح زود از خواب بیدار می‌شود. عینک واقعیت‌افزوده‌اش^۲ را می‌زند. معلم شخصی هوش مصنوعی او به نام امین، همان لحظه به او سلام و صبح بخیر می‌گوید. با فناوری‌های زیست‌سنجی (علم سنجش و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های عملکردی (فیزیولوژیکی) و رفتاری خاص هر فرد) وضعیت جسمانی و روانی قاصدک پویش می‌شود. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد قاصدک کمی خسته است. روبات معلم به او می‌گوید برنامه درسی امروز را سبک‌تر و ریاضی را به عصر منتقل می‌کنم که شاداب‌تر هستید. از طریق فناوری زیست‌سنجی و هوش مصنوعی، کیفیت خواب، ضربان قلب، فشار خون و حتی قند خون، سطح انرژی قاصدک و داده‌های موجود مربوط به عملکرد و یادگیری وی سنجیده و برنامه درسی روزانه و روش‌های آموزشی به‌طور کامل شخصی‌سازی می‌شود. وقتی قاصدک صبحانه می‌خورد، روبات امین یک برنامه را از طریق واقعیت‌افزوده اجرا می‌کند تا قاصدک نحوه هضم و جذب غذا در بدن را به‌صورت مجازی مشاهده کند. با استفاده از واقعیت مجازی نیز با ذرات غذا هم‌سفر و هم‌صحبت می‌شود و با نحوه عبور مواد غذایی از روده و وارد شدن آن‌ها به رگ‌های خونی آشنا می‌شود. در این برنامه، قاصدک می‌تواند با سلول‌های بدن و ذرات غذایی به‌صورت تعاملی بحث و گفت‌وگو کند. ساعت ۹ صبح، قاصدک وارد کلاس مجازی می‌شود. کلاس دیگر شبیه کلاس مدرسه نیست، بلکه یک محیط متاورسی است. او و ۲۰ هم‌کلاسی دیگر از کشورهای گوناگون، در آزمایشگاه مجازی فیزیک، آزمایشی را انجام می‌دهند. آن‌ها امروز قرار است با انواع تصویر در آینه‌ها و عدسی‌ها آشنا شوند و مفاهیمی همچون فاصله کانونی، تصویر حقیقی و تصویر مجازی را یاد بگیرند. یک معلم انسانی، فقط در نقش تسهیلگر، حضور دارد، گفت‌وگو را هدایت

در دوره جاودانگی دیجیتال، محیط‌های آموزشی جدیدی شکل خواهند گرفت. به‌طوری‌که هوش مصنوعی هر دانش‌آموز را در کلاس درس جداگانه پایش می‌کند، سطح انگیزه، درک مطلب و حتی حالت عاطفی او را می‌سنجد و تدریس را مطابق با سطح یادگیری و توانایی‌های او تنظیم می‌کند



می‌کند، درباره اخلاق و مسائل اخلاقی در زمان آزمایش‌ها صحبت و دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی تشویق می‌کند، اما آموزش محتوای علمی را هوش مصنوعی و چهره (آواتار)های روبات بر عهده دارند. ظهر بر اساس پیشنهادهای هوش مصنوعی و برنامه‌های غذایی که به مادرش داده بود، ناهارش را می‌خورد و کمی استراحت می‌کند. طبق نتایج حاصل از تحلیل‌های زیست‌سنجی، قاصدک باید بعد از ظهر ریاضی بخواند. اما به جای کتاب و تمرین‌های خشک، امین (معلم) یک بازی هوش مصنوعی برایش طراحی می‌کند تا بتواند حل معادلات را به صورت عبور از موانع در یک بازی ماجراجویی یاد بگیرد. اگر اشتباه کند، شخصیت بازی او را راهنمایی می‌کند. به این طریق، قاصدک حل معادله را با بازی یاد می‌گیرد. در برنامه درسی عصر، هنر گنجانده شده. قاصدک به نقاشی و برنامه واقعیت افزوده طراحی با مداد آماده می‌کند و از قاصدک می‌خواهد یک چهره را به صورت تک‌چهره (پرتره) طراحی کند. همین طراحی، هوش مصنوعی موسیقی آرام دلخواه قاصدک را اجرا می‌کند. در برخی جلسه‌ها معلم انسانی هم حضور خواهد داشت که نقش مربی هنری را دارد و از یادگیرندگان می‌خواهد احساس و عاطفه را بیشتر در هنر به کار بگیرند و فقط به مسائل فنی هنر نپردازند. در پایان روز، قاصدک پیشنهاد بارگذاری ذهن معلم انسانی‌اش را به هوش مصنوعی می‌دهد و می‌خواهد اطلاعات مغز او را رونویسی کند. روبات معلم وی را از این کار منصرف می‌کند و می‌گوید عجله نکند، زیرا در آینده نزدیک که به سن بالاتر می‌رسد، میزان آگاهی هر سه نفر (معلم انسانی، معلم روبات و قاصدک) به بالاترین سطح خواهد رسید که همان نقطه امگاست. شب، قبل از خواب، امین به قاصدک گزارش روزانه و در مورد پیشرفت درسی وی بازخورد می‌دهد. این گزارش میزان پیشرفت یا نیاز به تلاش و تمرین بیشتر را مشخص می‌کند. گزارش شامل جداول و نمودارهایی است که وضعیت قبلی، فعلی و مطلوب مورد نظر را در هر درس مشخص می‌کنند. محتوای گزارش، علاوه بر قاصدک، به والدین و مربی انسانی او نیز فرستاده می‌شود و کل داده‌ها در پرونده الکترونیکی او نیز ثبت می‌شوند. در این فرآیند پساتکنیکی، معلم انسانی به مربی، راهنما، پرورش‌دهنده ارزش‌ها و خلاقیت‌ها تبدیل شده است. در واقع تکلیف اصلی معلم، تلاش برای پروراندن ابعاد اخلاقی و انسانی دانش‌آموزان است. البته این هم منوط به این خواهد بود که هوش مصنوعی جنبه‌های تربیتی و اخلاقی فراگیرندگان را به انسان معلم واگذار کند و روبات معلم در این زمینه دخالتی نداشته باشد. تعامل انسان معلم با دانش‌آموز تحت

نظارت هوش مصنوعی است. در این تعامل درباره شکوفایی اخلاق و ابعاد انسانی یادگیرنده تلاش خواهد شد. هوش مصنوعی در نقش معلم شخصی، همراه روزمره، طراح محتوای آموزشی و ارزیاب دائمی ظاهر می‌شود. یادگیری پیوسته، شخصی‌سازی شده، بدون مرز زمان و مکان صورت می‌گیرد، اما نکته قابل توجه این است که انسان در اختیار و اراده هوش مصنوعی است. آنچه تصور شد جنبه مثبت و امیدوارکننده تکنیکی بود، ولی با این حال هوش مصنوعی بر کل زندگی فرد احاطه و تسلط داشت و مسیر زندگی‌اش را مشخص می‌کرد. این همان خودآگاهی و هوشمندی فراتر از توانایی‌های انسانی است که از اختیار بشر خارج می‌شود.

* نتیجه‌گیری

ترکیب هوش انسانی و هوش مصنوعی و ایجاد هوش ترکیبی می‌تواند به خلاقیتی جدید منجر شود. درهم‌تنیدگی‌های هوش ترکیبی همچنان از هوش‌های انسانی به‌تنهایی یا فقط هوش مصنوعی بهتر عمل خواهند کرد. مشارکت انسان و ماشین می‌تواند به بشریت کمک کند با مشکلاتی مانند بحران زیست‌محیطی کنار بیاید. در چشم‌انداز فناوری-اجتماعی مدام در حال تحول، ما به رویکردی پژوهشی نیاز داریم که جهان و مردم را نه به‌عنوان واحدهای مستقل و جداگانه، بلکه به‌عنوان یک زیست‌بوم به هم پیوسته ببیند (بریلان، ۲۰۲۴). بنابراین، هوش مصنوعی به‌عنوان بخشی از جهان و مردم جهان، هر دو بهتر است یک جهان واحد دیده شوند و با ادغام هوش طبیعی و مصنوعی برای بهره‌مندی بیشتر از زندگی، هوش ترکیبی را به وجود آورند. اما آینده تکنیکی افسانه‌است یا واقعیت؟ تکنیکی هنوز یک مفهوم نظری است و هیچ شواهد علمی قطعی برای وقوع آن وجود ندارد، ولی با پیشرفت سریع هوش مصنوعی، این موضوع یکی از مهم‌ترین مباحث در آینده فناوری محسوب می‌شود. تکنیکی یک نقطه فرضی در آینده است که می‌تواند تحولی بنیادی ایجاد کند، در حالی که برخی آن را به‌عنوان آغاز عصری طلایی می‌بینند. گروهی دیگر آن را یک تهدید وجودی می‌دانند. در پایان، سؤال کلیدی این است که آیا بشر می‌تواند توسعه هوش مصنوعی را به‌گونه‌ای هدایت کند که از خطرات بکاهد و مزیت‌ها را به حداکثر برساند؟ به‌طور قطع زمان به همه سؤال‌ها پاسخ خواهد داد. *

پی‌نوشت‌ها

1. Mind Uploading
2. AI Singularity in Education
3. AI Mentor
4. AR Glasses

منابع

1. Brailas, A. (2024). Postdigital Duoethnography An Inquiry into Human-Artificial Intelligence Synergies. *Postdigital Science and Education*, 6 (2), 486-515. <https://doi.org/10.1007/s42438-024-00455-7>
2. Noriega, P., & Casanovas, P. (2024). From the Pascal Wager to Value Engineering: A Glance at AI Risks and How to Address Them. In *International Workshop on Value Engineering in AI* (pp. 257-275). Cham: Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85463-7_16
3. Prabhu, M., & Premraj, J. A. (2025). Artificial consciousness in AI: a posthuman fallacy. *AI & SOCIETY*, 40(4), 2995-3008. <https://doi.org/10.1007/s00146-024-02061-4>
4. Sheikh, H., Prins, C., & Schrijvers, E. (2023). *Mission AI The, New System Technology*. Switzerland: Springer Nature. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-21448-6>
5. Thakur, K., Pathan, A. S. K., & Ismat, S. (2023). *Emerging ICT Technologies and Cybersecurity*. Cham, Switzerland: Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-27765-8>

مقدمه *

آیا تاکنون به این موضوع دقت کرده‌اید که هر کسی متأثر از نوع شغل و حرفه‌اش به جهان پیرامون می‌نگرد؟ برای مثال، پزشک پیگیر موضوعات مربوط به طبابت و بهداشت است. ورزشکار حرفه‌ای به مسائلی همانند تغذیه و شیوه‌های نوین تمرین علاقه دارد. توجه صادرکننده فرش به قیمت ارز، قوانین گمرکی و بازاریابی معطوف است و البته معلم به مسائلی همچون روش‌های نوین تدریس و مدیریت کلاس می‌پردازد.

آنچه بدان اشاره شد، امری طبیعی و عقلانی است و زمینه کاری هر فرد، علاقه‌ها، مسیر و اهداف زندگی او را تعیین می‌کند. لیکن این موضوع لایه پنهان و پیچیده‌تری نیز دارد: اینکه حوزه کاری و شغلی ما، نوع تحلیل و برداشتمان را در مورد موضوعات، رویدادها و وقایع پیرامونی تحت تأثیر قرار می‌دهد. با ذکر یک مثال این موضوع را بیشتر توضیح می‌دهم: فرض کنیم حادثه تصادفی به وقوع پیوسته است. یک خبرنگار در پی گزارش دقیق این اتفاق و تحلیل علت افزایش نرخ تصادفات جاده‌ای است؛ مأمور راهنمایی و رانندگی به دنبال شناسایی مقصر این تصادف است. هدف مکانیک خودرو بر آورد میزان خسارت به جامانده از این حادثه است. در نهایت معلم به این می‌اندیشد که کدام مسائلی آموزشی و تربیتی در وقوع تصادف نقش داشته است و با کدام شیوه‌های تربیتی می‌توان از وقوع تصادف‌های بعدی جلوگیری کرد.

این تفاوت دیدگاه و تحلیل‌ها، به دیگر مسائل و موضوع‌هایی مانند کلام خدا، احکام دینی و مفاهیم مذهبی نیز قابل تعمیم است. برای نمونه، نگاه برداشت و تحلیل جامعه‌شناسان، فقیهان، مورخان و در نهایت معلمان و مربیان حوزه تعلیم و تربیت در مورد آیات قرآن کریم با پیش فرض‌ها و رویکردهای متفاوتی صورت می‌گیرد و هر یک به سهم خود و متأثر از حوزه کاری‌شان، به آن می‌نگرند.

در این راستا و در این نوشته نویسنده کوشیده است به قدر فهم و توان خود، به استنباط آموزه‌های تربیتی دو آیه از آیات سوره طه می‌پردازد و به‌طور کاربردی و از دیدگاه معلم به تحلیل این موضوع بپردازد. به بیان دیگر، از نگاه یک معلم به جهان خارج (در اینجا قرآن کریم) نگرسته می‌شود.

گلستان قرآن *

قرآن، به‌عنوان کلام خداوند، مجموعه‌ای متنوع است که با هدف سعادت دنیوی و اخروی آدمی و با خطاب قراردادن انسان، در مورد مسائل گوناگون سخن گفته و رهنمود داده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد کلام الهی تربیت انسان است که گاه به‌صراحت و مستقیم مطرح می‌شود و در بسیاری مواقع با ظرافت و غیر مستقیم بیان می‌شود که برای بهره‌بردن از آن نیازمند تفسیر و تأویل هستیم.

معلمان می‌توانند از این گنجینه در اختیار به‌قدر فهم و توان خود بهره ببرند و در فرایند تعلیم و تربیت و انسان‌سازی از آن استفاده کنند. برای حصول این مهم، با توجه به تجربه‌های حاصل از شغل معلمی و نوع نگاه خاص معلم به جهان پیرامون و تعمق در آیات قرآن از بعد تربیتی و اخلاقی، می‌توان از این گلستان نصیب برد و به‌کار بست.

نمونه پیش‌رو ارائه آموزه‌های تربیتی دو آیه از آیات قرآن است که متأثر از نگاه یک معلم، درک و استنباط و ارائه می‌شود. نویسنده کوشیده است موارد تربیتی استخراج‌شده را با موقعیت‌های واقعی کلاسی پیوند دهد و به‌صورت کاربردی بیاورد.

تحلیل ج



کلی از قرآن *

أَذْهَبَا إِلَيَّ فِعْزُونَ إِنَّهُ طَغَى (۴۳) فَقَوْلَا لَهُ
قَوْلًا لَيْسًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (۴۴)

به‌سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته
(۴۳) و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند
پذیرد یا بترسد (۴۴).

آموزه‌های تربیتی *

آموزه اول /

در این آیه، خداوند به حضرت موسی (ع) و برادرش امر می‌کند به‌سوی فرعون بروند و او را به ایمان دعوت کنند. اولین درس مهم تربیتی در این آیه، موضوع و اهمیت حرکت و عمل کردن برای ایجاد تغییرات و حصول نتیجه مطلوب است. به بیان دیگر، برای کسب نتیجه موردنظر، دانستن، فهم و درک به‌تنهایی چاره‌ساز نیست و پس از کسب معرفت و آگاهی نیازمند اقدامات لازم هستیم.

کار بست در کلاس درس /

در محیط‌های آموزشی، همواره با انواع چالش‌ها و مشکلات رفتاری، اخلاقی و تحصیلی مواجه هستیم. برای مثال برای حل یا تعدیل افت تحصیلی دانش‌آموزان، بی‌انگیزگی در کلاس درس، پرخاشگری

معرفی چراغیان
 دکترای فلسفه تعلیم و تربیت
 مدرس دانشگاه‌های استان خوزستان

از نگاه

یک معلم

توسل به خشونت و بهره‌جستن از کلام نادرست و توهین آمیز، یعنی رسیدن به بن‌بست و نگرفتن نتیجه مطلوب. تجربه شخصی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. برای مثال، اگر فردی، کلامی را به حق ولی با لحنی توهین آمیز به ما بگوید، چه بسا دچار هیجان و احساسات مهارناپذیر شویم و خلاف خواسته او عمل کنیم.

کاربست در کلاس درس

یکی از ویژگی‌های خدادادی انسان، کرامت ذاتی اوست. خداوند در قرآن به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰). از این رو، در هر شرایطی و از جمله در فرایندهای آموزشی، باید حرمت مخاطبان را حفظ کرد. یکی از شیوه‌های حفظ کرامت دانش‌آموزان، متوسل نشدن به خشونت، چه در کلام و چه رفتار، در هنگام مواجهه با آنان است. رعایت این موضوع گاه بسیار مشکل است و ممکن است معلم در برخی مواقع از این قاعده خارج شود، اما به نر می و محترمانه سخن گفتن، توجه و محبت دانش‌آموزان را جلب و معلم را بر قلب مخاطبان خود مسلط می‌کند. سخن گفتن نرم، در هنگام نام بردن مخاطب، بیان مطالبه خود هنگام تدریس و حتی در زمان انتقاد از دانش‌آموزان، باید رعایت شود. همچنین، باید نرم‌سخن گفتن و رعایت ادب کلامی را در میان خود دانش‌آموزان و تعامل آن‌ها با یکدیگر تقویت کرد. این موضوع در نهایت جامعه را اعتلا خواهد داد.

آموزده چهارم

یکی از نکات مهم در این آیه، که شاید در ظاهر متناقض هم باشد، این است که خداوند به پیامبر امر می‌کند به سوی فرعون برود، ولی در جای دیگر سخن از احتمال کسب نتیجه را مطرح می‌کند. واژه «احتمال» یعنی کار راحتی پیش رو ندارد، اما با وجود این باید امیدوار بماند. درس تربیتی قابل استنباط از این موضوع، اهمیت انجام وظیفه است. به بیان دیگر، معلم باید در کار خود مصمم، ثابت‌قدم و قاطع باشد و اقدامات تربیتی خود را به اجابت دیگران منوط نکند. مسلم است در انجام هر کار و کسب نتیجه مطلوب تربیتی، موانع و مشکلات متعددی پیش روی ماست، لیکن همواره باید امید و انتظار کسب نتیجه مدنظر قرار گیرد و اقدام تربیتی به آینده مؤکول نشود.

و بیش‌فعالی، در گام نخست به معرفت، بینش و مسئله‌یابی نیاز داریم و در نهایت به اقدام عملی برای رسیدن به نتیجه مطلوب. در واقع، نوعی پیوند و تلفیق «نظر و عمل» در فرایند تعلیم و تربیت مورد نیاز است. کافی است کمی به محیط‌هایی آموزشی که با آن‌ها سروکار داریم دقت کنیم تا انبوهی از موضوع‌ها و مسائلی را که در مورد آن‌ها اقدامی صورت نگرفته‌اند کشف کنیم.

آموزده دوم

خداوند به حضرت موسی (ع) و برادرش امر می‌کند که به سوی فرعون بروند و با او گفت‌وگو کنند. این تأکید خداوند بر گفت‌وگو، نشان از اهمیت والای آن در تعامل اجتماعی دارد. گفت‌وگو یعنی تأکید بر منطق، استدلال و عقلانیت و اجتناب از توسل به خشونت. هر جا که از این شیوه (گفت‌وگو) بهره گرفته شود، می‌توان به کسب نتیجه و موفقیت امید داشت؛ البته گفت‌وگو آدابی دارد و تعاملی دوسویه است.

آموزده سوم

خداوند در هنگام فرمان دادن به موسی (ع) تأکید می‌کند که با فرعون به نر می سخن بگویید و علت آن را در زنده‌نگه داشتن امید به تغییر در فرعون می‌داند.



کاربست در کلاس درس

فرض کنید دبیر ریاضی یک کلاس درس دوره متوسطه هستید. از آخرین شیوه‌های تدریس بهره می‌برید و با طرح و برنامه مشخص و انگیزه فراوان به کلاس می‌روید و به تدریس مفاهیم درسی می‌پردازید. با وجود این تلاش، چه‌بسا بخشی از دانش‌آموزان باز خورد مناسب نشان ندهند و یادگیری به‌طور کامل محقق نشود. این موضوع طبیعی است و هیچ ضمانتی برای کسب نتیجه کامل وجود ندارد. این اتفاق را می‌توان به مسائل اخلاقی و رفتاری نیز تعمیم داد؛ چه‌بسا در نهایت و پس از تلاش فراوان ما، باز هم بخشی از دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار خود ادامه دهند. نکته حائز اهمیت این است که ضمن پذیرش ناکامی‌های احتمالی، نباید مأیوس شد. اخلاق معلمی به معنای تداوم در انجام وظیفه است.

آموزه پنجم

خداوند متعال در انجام مأموریت الهی، برادر موسی (ع) را نیز با او همراه می‌کند تا در انجام این وظیفه سنگین یار، همراه و کمک او باشد. نکته تربیتی قابل استنباط از این آیه آن است که در فرایندهای تربیتی، ممکن است خود معلم به‌تهایی قادر به کسب نتیجه مورد نظر نباشد و به راهنمایی، مشاوره، ابزارها و امکانات کمکی نیاز باشد.

کاربست در کلاس درس

کسب نتیجه مطلوب تربیتی نیازمند بهره‌گیری از شیوه‌ها و اقدامات گوناگون است. چه‌بسا معلم همواره از یک شیوه یا ابزار و یک رویکرد ثابت استفاده می‌کند و همین باعث بازده پایین کاری و افت تحصیلی دانش‌آموزان شود. با توجه به پیچیدگی انسان و وجود تفاوت‌های فردی در میان دانش‌آموزان، همواره باید به روش‌های جدید تربیتی، راه‌حل‌های بدیع آموزشی و یافته‌های نوین حوزه تعلیم و تربیت رجوع کرد. همچنین، از مشورت و راهنمایی معلمان و مربیان پیش‌کسوت و صاحب‌نظر بهره‌برد و خود و کلاس درس را از فایده‌های فکر و خرد جمعی محروم نکرد.

سخن پایانی

احتمالاً با خواندن این متن، بیش از پیش متوجه اهمیت و ارزش کار معلم شده‌اید. هدف نهایی معلم، انسان‌سازی و اصلاح جامعه است. او متأثر از این رویکرد، دنیا را از منظری متفاوت می‌نگرد و تحلیل می‌کند. معلم به این می‌اندیشد: چرا چنین است؟ چگونه باید باشد؟ و از چه طریق می‌توان به مقصد (انسان‌سازی) رسید؟ در این مسیر، معلم منتظر صدور بخشنامه و دستورالعمل اداری نیست و با توجه به بینش و تحلیلش اقدام می‌کند. در این فرایند می‌توان از منابع، کتاب‌ها، تجربه‌ها و اتفاقات گوناگون روزمره بهره‌جست. موارد زیر نمونه‌هایی برای تمرین بیشتر هستند. از نگاه معلم به آن‌ها بنگریم:

- / تأمل در سوره لقمان و استنباط آموزه‌های تربیتی آن؛
- / آموزه‌های تربیتی داستان طوطی و بازرگان از مثنوی معنوی؛
- / مشاهده جوانی که در حال استعمال دخانیات است؛
- / فرهنگ رانندگی ایرانیان؛
- / میزان استقبال از غذاهای فوری و میل کمتر به خرید و مطالعه کتاب. ❁

همواره

مجا د دهد

درس

مروری بر آموزه‌های تربیتی
 نامه امام علی (ع) به
 فرزندش امام حسن (ع)



فرازدهای از نامه ۳۱ امام علی (ع)
از زبان آقای معصایان
مبارک‌های هدیه‌شده

داغهای

داغ

دکتر عباسعلی مظفری

و چون یقین کردی دلت روشن و فروتن شد و اندیشه‌ات گرد آمد و کامل شد، و اراده‌ات به یک چیز متمرکز گشت، پس اندیشه کن در آنچه برای تو تفسیر می‌کنم. اگر در این راه آنچه را دوست می‌داری فراهم نشد و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، بدان که راهی را که ایمن نیست، می‌پیمایی و در تاریکی ره می‌سپاری؛ زیرا طالب دین نه اشتباه می‌کند و نه در تردید و سرگردانی است؛ که در چنین حالتی خودداری بهتر است. امام (ع) در ادامه و در راستای ضرورت توجه به معنویات می‌فرمایند: «پسرم، در وصیت من درست بیندیش. بدان که در اختیار دارنده مرگ همان است که زندگی در دست او و پدیدآورنده موجودات است. همو می‌میراند و نابودکننده همان است که دوباره زنده می‌کند. و آنکه بیمار می‌کند شفا نیز می‌دهد. بدان که دنیا جاودانه نیست و آن‌گونه که خدا خواسته برقرار است؛ از عطا کردن نعمت‌ها و انواع آزمایش‌ها و پاداش دادن در معاد، یا آنچه را او خواسته است و تو نمی‌دانی.

اگر درباره جهان و تحولات روزگار مشکلی برای تو پدید آمد، آن را به ناآگاهی ارتباط ده، زیرا تو ابتدا با ناآگاهی متولد شده‌ای و سپس علوم را فرا گرفتی. و چه بسیار است آنچه را نمی‌دانی و خدا می‌داند، که اندیشه‌ات سرگردان، و بینش تو در آن راه ندارد. سپس آن‌ها را می‌شناسی.

پس به قدرتی پناه بر که تو را آفریده، روزی داده، و اعتدال در اندام تو آورده است. بندگی تو فقط برای او باشد. تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس. بدان پسرم، هیچ‌کس چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خدا آگاهی نداده است. رهبری او را پذیرا باش و برای رستگاری، راهنمایی او را بپذیر. همانا من از هیچ اندرزی برای تو کوتاهی نکردم و تو هر قدر کوشش کنی و به اصلاح خویش بیندیشی، نمی‌توانی همانند پدرت باشی.»

هر کدام از واژه‌های نامه ارزشمند امام (ع) بسیار عمیق و دقیق بیان شده و لازم است در فرصت‌هایی که در کلاس درس و مدرسه فراهم می‌شود، با دانش‌آموزان به بحث گذاشته شود.

البته روش نوشتن نامه برای بیان خواسته‌ها از والدین به فرزندان، از معلمان به دانش‌آموزان و حتی از دانش‌آموزان به والدین، معلمان و هم‌کلاسی‌ها، روشی پسندیده، مفید و پرکاربرد است که افراد صاحب‌نظر تعلیم و تربیت نیز بدان توصیه کرده‌اند. ❁

منبع

۱. الشریف الرضی. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۶). نشر الهادی. قم

که مردم را دچار اختلاف کرد و کار را بر آنان شبهه‌ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد؛ گر چه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتیم، اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم، تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی. و امیدوارم خداوند تو را در رستگاری پیروز گرداند و به راه راست هدایت فرماید. بنابراین، وصیت خود را این‌گونه تنظیم کرده‌ام.

پسرم، بدان آنچه بیشتر از به‌کارگیری وصیتم دوست دارم، ترس از خدا و انجام واجبات و پیمودن راهی است که پدران و صالحان خاندانت پیموده‌اند. زیرا آنان آن‌گونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی، در امور خویش نظر داشتند. و همان‌گونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشیدند و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند انتخاب کنند و بر آنچه تکلیف ندارند روی گردانند و اگر نفس تو از پذیرفتن سر باز زند و خواهد چنانکه آنان دانستند بدانند، پس تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آنکه به شبهات روی آوری و از دشمنی‌ها کمک گیری.

و قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی و در راه او با اشتیاق عمل کن تا پیروز شوی و از هر کاری که تو را به شک و تردید اندازد، یا تسلیم گمراهی کند، پرهیز.

امام علی (ع) در سال ۳۸ هجری، وقتی از جنگ صفین بازمی‌گشت و به روستای حاضرین (منطقه‌ای بین شام و عراق) رسیدند، این نامه را برای فرزند خود یعنی امام حسن (ع) نوشت، که به نامه ۳۱ نهج البلاغه معروف است. در فرازی از نامه، در خصوص اسلوب و روش تربیت فرزند نکات بسیار مهمی را بیان فرموده‌اند که برای والدین و معلمان کاربردی و بسیار مفید است:

«پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.

اما از آن ترسیدم که مبادا رأی و هوایی

مهم‌ترین نقش معلم فراهم کردن شرایط یادگیری است و یادگیری زمانی شکل می‌گیرد که تدریس اثربخش باشد. تدریس اثربخش هم فقط انتقال اطلاعات علمی نیست، بلکه باید به نتایج حاصل از آن نیز توجه کرد. برای رسیدن به این هدف، معلمان با عشق و علاقه و برخورداری از شخصیت معنوی و برجسته و آشنا با اصول و روش‌های علمی، در دل و جان فراگیرندگان خود نفوذ می‌کنند و استعداد‌های بالقوه آنان را پرورش می‌دهند و شکوفا می‌کنند. تدریس اثربخش به‌عنوان توانایی معلم برای آسان کردن دستیابی دانش‌آموزان به سطح‌های بالای تفکر یا تفکر مستقل تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، تدریس اثربخش در برگیرنده فعالیت‌هایی فراتر از ارائه صرف مطالب است و به تعامل معنادار بین معلم و دانش‌آموزان نیاز دارد.

تعلیم و تربیت زمانی به اهداف آموزشی می‌رسد که منابع انسانی دانا، متخصص و با انگیزش کافی، با در اختیار داشتن منابع لازم، هدایت و رهبری کلاس را به عهده بگیرند. معلمان در کلاس باید از فن رهبری در به‌کارگیری روش‌های صحیح در تحقق اهداف آموزشی آگاه باشند تا با استفاده از روش‌ها و فنون صحیح و مناسب، نتایج مطلوبی به دست آورند. اساساً تدریس کارآمد و اثربخش یکی از شاخص‌های آموزش و پرورش پویاست. سخنرانی‌های طولانی و خسته‌کننده یا تعیین تکلیف‌های پیچیده همراه با تهدید و اضطراب و تحقیر و سرزنش دانش‌آموزان، اسباب تنفر و مدرسه‌گریزی را ایجاد می‌کند. دیگر نمی‌توان با انتقال صرف معلومات به ذهن، فراگیرندگان را به یادگیری حفظی و طوطی‌وار عادت داد، بلکه باید با آموزش، چگونگی آموختن و چگونگی اندیشیدن، کیفیت تفکر را در آنان قوت بخشید. اگر هدف از تدریس افزایش کیفیت تفکر در دانش‌آموزان باشد، باید آن‌ها را در عمل در دست‌ورزی و فکرکردن در کلاس درس درگیر کرد.

در فرایند تدریس، اولین عاملی که به معلم کمک خواهد کرد تدریس موفق داشته باشد، میزان شناخت او از توانایی‌های خود و آگاهی از روند علمی نهفته در فرایند تدریس است. طبق نظر براون، درس دادن، هر چه باشد، تلاشی است چندجانبه شامل اطلاع‌رسانی، پرسش و پاسخ، توضیح، گوش دادن، تشویق و ترغیب و مجموعه‌ای از فعالیت‌های دیگر (راستگو و صدیقی، ۱۳۹۹). گیج (۱۳۷۶) معتقد است که تدریس عبارت است از هر فعالیت فرد که به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگر انجام می‌شود.

* شرایط تدریس اثربخش

آنچه از یادگیری روش‌های تدریس مهم‌تر است، آگاهی از نحوه یادگیری دانش‌آموزان و کارکرد مغز آدمی است (کلهر ۱۳۸۶). روش‌های سنتی و متداول تدریس قادر به هدایت افراد به تحلیلی عمیق نخواهند بود.

تدریس کارآمد و مؤثر یکی از شاخص‌های آموزش و پرورش پویاست. معلمان در کلاس‌های درس برای تدریس و آموزش مطالب و محتوای کتاب‌های درسی از روش‌ها و شیوه‌های خاصی استفاده می‌کنند. این روش‌ها در کل به دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند: سنتی نظیر سخنرانی؛ فعال نظیر بحث گروهی، حل مسئله، اکتشافی و یادگیری در حد تسلط؛ که هر کدام به شیوه خاص خود و با توجه به موضوع‌های درسی به کار برده می‌شوند (محمودی، ۱۳۷۷) و معلمانی موفق هستند که مطالب شناختی و اجتماعی را به‌خوبی به شاگردان خود ارائه می‌کنند و نحوه به‌کارگیری مؤثر آن‌ها را می‌آموزند (بهرنگی، ۱۳۹۴).

* راهکارهای کاربردی تدریس اثربخش

معلمانی تدریس اثربخش دارند که به‌گونه‌ای مناسب، اهدافی را که مستقیم یا غیرمستقیم با یادگیری دانش‌آموزان مرتبط است، دنبال می‌کنند و برای دستیابی به اهداف آموزشی، دانش و مهارت‌های موردنیاز را به‌دست می‌آورند تا بتوانند آن‌ها را در زمان مناسب به شیوه مطلوب مورد انتظار به‌کار گیرند. در سند تحول بنیادین نیز بر تمهید مقدمات برای یادگیری و ارزشیابی مؤثر تأکید شده است. با بررسی منابع متعدد می‌توان

تدریس

اثربخش

مونس بازوکی
دانشجوی دکتری مدیریت
آموزشی

شش

فهرستی از شرایط تدریس اثربخش تهیه کرد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

/ آمادگی کامل: معلم برای تدریس خوب باید از نظر جسمی، روحی و روانی و علمی آمادگی داشته باشد. از طرف دیگر مقدمات لازم برای استفاده از زمان تدریس را با آماده کردن شاگردان و فضای کلاس فراهم کند تا از این طریق کلاس درس به نحو مطلوبی اداره شود.

/ طراحی آموزشی و داشتن طرح درس: طراحی آموزشی یا طرح درس شامل تصمیم‌گیری در مورد عناصر برنامه درسی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. طرح درس چارچوب کاری معلم را معین می‌کند و هدف از آن، استفاده بهینه از زمان، تصمیم‌گیری در مورد مضمون و مراحل تدریس و ایجاد شرایط لازم برای شکل بخشیدن به یادگیری اثربخش است.

/ استفاده از شیوه‌های مناسب تدریس: اثربخش‌ترین معلمان کسانی هستند که می‌توانند روش‌های تدریس خود را تغییر دهند. یعنی روش‌های تدریستان آن‌قدر انعطاف‌پذیر است که می‌تواند به سهولت با موقعیت‌های گوناگون تطبیق پیدا کند. در یک جلسه تدریس، الزاماً نباید از یک روش تدریس استفاده شود. بنابراین، معلم باید بر روش‌ها و شیوه‌های گوناگون تدریس مسلط باشد و با توجه به وضعیت و مقتضیات کلاس درس از روش‌های خاصی استفاده کند (مرتضوی زاده، ۱۳۸۶).

/ مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری: معلم باید همه دانش آموزان را در تمام مراحل تدریس، اعم از شروع تدریس، ارائه و خلاصه کردن فعالانه شرکت دهد تا اداره کلاس به شکل مطلوبی صورت گیرد. بدین طریق، دانش آموزان مطالب موردنظر را به خوبی یاد می‌گیرند. چون این دانش آموزان هستند که یادگیری را محقق می‌کنند. برای تحقق این امر لازم است معلم برای دانش آموزان فرصت فعالیت‌های علمی نظیر تجربه، آزمایش و مشاهده را مهیا کند، آنان را برای مشارکت در بحث‌های کلاس و سایر فعالیت‌های جمعی ترغیب کند و اجازه دهد در یادگیری خود سهیم شوند. بدین معنا که باید به دانش آموزان اجازه داد درباره آنچه یاد می‌گیرند و نیز درباره شیوه‌های یادگیری خود سهیم باشند و مشارکت کنند.

/ نظارت مداوم بر کلاس: نظارت معلم در کل فرایندهای کلاس بر کیفیت یادگیری دانش آموزان

می‌افزاید. حتی نظارت از طریق تماس چشمی با دانش آموزان نیز باید مورد توجه معلم باشد. معلم موفق نگاه خود را عادلانه بین دانش آموزان تقسیم می‌کند، چون آن‌ها بخشی از مطالب درسی را از طریق ارتباط چشمی با معلم خود یاد می‌گیرند.

/ تسلط بر مطالب تدریس: اگر معلم بر موضوعات درسی احاطه کامل داشته باشد و برای شاگردان از نظر علمی شخص مهمی جلوه کند، شاگردان به صحبت‌های او توجه خاصی خواهند کرد. لذا تسلط معلم بر مطالب در پاسخ‌گویی او به سؤال‌های شاگردان نقش مؤثری خواهد داشت.

/ مدیریت زمان: مدیریت زمان در کلاس درس یکی از مهارت‌های حیاتی معلمان است که می‌تواند بر کیفیت تدریس و یادگیری دانش آموزان تأثیر مستقیمی داشته باشد. زمان یکی از مهم‌ترین منابع آموزشی است و استفاده بهینه از آن می‌تواند به افزایش بهره‌وری و بهبود فرایند یاددهی یادگیری کمک کند. معلم باید به گونه‌ای وقت کلاس را تنظیم کند که وقت او بیهوده تلف نشود.

/ استفاده از رسانه‌های کمک آموزشی: شایسته است معلمان برای یادگیری بهتر در محیط آموزشی رسانه‌های مناسب تدریس خود را انتخاب کنند و برای تهیه آن‌ها یا ساختن آن، با همکاری مسئولان، اقدامات لازم را به عمل آورند (کریمیان جعفریان، ۱۳۸۵).

تنوع مواد و وسایل و منابع آموزشی، روش‌ها و فن‌ها و فضای آموزشی را از حالت یکنواخت و خسته‌کننده خارج می‌کند و به آن جذابیت و گیرایی می‌بخشد. از سوی دیگر، برای نوعی تکرار مفید در ارائه محتوا، مفاهیم، اصول و روش‌های علمی موردنظر، شرایط بهتری را فراهم می‌آورد.

/ به کارگرفتن حواس و مهارت‌ها و توانایی‌های متنوع یادگیرندگان: تحقیقات روان‌شناسی یادگیری و علوم تربیتی به نقش حواس در یادگیری اشاره دارند. یعنی گرچه بخشی از یادگیری از طریق حس شنوایی انجام می‌شود، ولی بخش عمده دیگر از طریق بینایی ممکن است. حواس دیگری چون لامسه، بویایی و چشایی نیز به سهم خود در یادگیری انسان مؤثرند. برای افراد طبیعی، حس بینایی نقش اساسی تری در یادگیری دارد. پس از آن شنوایی است و حواس دیگر در مرتبه بعدی قرار دارند (میرزاییگی، ۱۳۹۹).

/ تناسب با شرایط و امکانات محیط و حداکثر استفاده از آن‌ها: استفاده از فضای سبز مدرسه در صورت وجود، یا استفاده از پارک‌های نزدیک مدرسه، استفاده از برنامه‌های علمی تلویزیونی از طریق ضبط قبلی برنامه یا شناسایی و استفاده از شرایط و امکاناتی که در اختیار والدین قرار دارند و می‌توانند در اختیار کلاس فرزندانشان قرار گیرند، از جمله اولیای شاغل و دارای مسئولیت در مراکز صنعتی، تولیدی، مخابرات، انتشارات، مراکز هنری، آزمایشگاه‌ها و فضاهای طبیعی.

/ طراحی روش‌های تدریس متناسب با رشد شخصیت و بهداشت روانی دانش آموزان: روش مناسب و آموزش اثربخش آن است که علاوه بر آموزش علمی، بر رشد شخصیت و بهداشت روانی یادگیرندگان نیز تأثیر مثبت داشته باشد. همچنین، بهداشت روانی و درمان نیز به مفهوم گسترده و عمیق خود، با آموزش و پرورش و تربیت ارتباط اساسی دارد. زیرا از اهداف تربیت انسان



دو

حسی،

یک انتخاب

می‌توان به مواردی چون ایجاد تغییرات مطلوب در افکار، نگرش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها، و ایجاد تعادل در شخصیت اشاره کرد. لازم است آموزش به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شود که در وهله اول بارشده شخصیت و بهداشت روانی یادگیرنده مغایر نباشد. در وهله بعد، آموزش مطلوب آن است که تا حد امکان در تقویت چنین جنبه‌هایی تأثیر مثبت داشته باشد.

/ تسلط بر کاربردهای ارزشیابی تحصیلی، یادگیری و ارزیابی آن:

اهداف ارزشیابی از یادگیری دانش‌آموزان عبارت‌اند از:

/ دادن بازخورد به یادگیرنده درباره نقاط قوت و ضعف خود؛

/ ایجاد انگیزه و جهت‌دهی به تلاش یادگیرنده در فرایند یادگیری؛

/ کمک به معلم برای برنامه‌ریزی مرحله بعدی تدریس؛

/ شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های برنامه درسی و روش تدریس؛

/ ارزیابی میزان اثرگذاری تدریس معلم.

معلمان کارآمد برای ارزیابی دانش‌آموزان از مهارت‌های لازم برخوردارند و قادرند میزان یادگیری‌شان را تعیین کنند.

/ توانایی جذب دانش‌آموز: یکی از ویژگی‌های معلمان کارآمد، جذب شاگردان به جلسه‌های درس و ادامه شرکت آنان در فعالیت‌های یادگیری است. معلمان باکفایت می‌دانند که برای هر دانش‌آموز، درس را باید از کجا شروع کرد. آنان هر جا که لازم آید، به آموزش انفرادی روی می‌آورند و سرعت تدریس را متناسب با پیشرفت دانش‌آموزان تنظیم می‌کنند.

/ پرورش مهارت‌های فکری: معلمان موفق می‌توانند فعالیت‌های آموزشی را معنادار کنند. بدین منظور یادگیری جدید دانش‌آموزان را طوری هدایت می‌کنند که با دانش قبلی آن‌ها همسانی داشته باشد تا دانش جدید به‌نحوی منطقی در حافظه سامان یابد.

* نتیجه‌گیری

تدریس خوب و مؤثر یکی از شاخص‌های آموزش و پرورش پویاست. معلمان برای تدریس اثربخش از راه و روش‌های خاصی استفاده می‌کنند و با توجه به موضوع‌های درسی از آن‌ها بهره می‌جویند. معلمانی موفق هستند که مطالب شناختی و اجتماعی را به‌خوبی به شاگردان خود عرضه می‌کنند و نحوه کارگیری مؤثر آن‌ها را می‌آموزند. با آمادگی جسمی، روحی روانی، و علمی وارد کلاس می‌شوند. برای تدریس از طرح درس استفاده می‌کنند. در فرایند یادگیری از دانش‌آموزان کمک می‌گیرند. بر کلاس نظارت مداوم و بر مطالب تدریس تسلط دارند. مدیریت شایسته‌ای در کلاس دارند. منظم هستند و با خوش‌رویی با شاگردان برخورد می‌کنند. دانش‌آموزان را به‌طور انفرادی می‌شناسد و به شخصیت آنان احترام می‌گذارند.

با رعایت تمام این موارد می‌توان از تدریسی خوب و مؤثر بهره جست.

در نهایت باید گفت، بهبود تعلیم و تربیت در هر کشوری بر کیفیت تدریس معلم و استوارکردن نقش معلم به‌عنوان مدیر آموزش در کلاس درس مبتنی است. پس لازم است برنامه‌های آموزشی و کلاس‌های ضمن خدمت برای آموزش تدریس فعال و برتر برای معلمان پیش‌بینی شوند تا معلمانی توانمند و حرفه‌ای در تدریس داشته

باشیم. *

منابع

۱. براون، جرج. تدریس خود (تمرین مهارت‌های تدریس در مقیاس‌های کوچک). ترجمه علی رؤف (۱۳۸۷). وزارت آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. بهرنگی، محمدرضا (۱۳۹۴). مدیریت آموزشی و آموزشگاهی. چاپ اشکان. ناشر مؤلف.
۳. راستگو، بلقیس؛ احمدی، صفیا (۱۳۹۹). مروری بر تدریس اثربخش. عوامل مؤثر در تدریس معلمان و معرفی روش‌هایی برای پویاتر کردن تدریس. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. سال چهارم. شماره ۴۴. پاییز. جلد پنجم.
۴. کلهر، منوچهر (۱۳۸۶). «فرایند تدریس و یادگیری اثربخش». مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین. حدیث امروز. قزوین.
۵. گیج، وال. ان. مبانی علمی هنر تدریس. ترجمه محمود مهرمحمدی (۱۳۷۶). وزارت آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه. تهران.
۶. محمودی، عبدالرحمان (۱۳۷۷). «تأثیر پیش‌سازمان‌دهنده بر یادگیری در تدریس روان‌شناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.
۷. مرتضوی زاده، حشمت‌الله (۱۳۸۶). «مدیریت کلاس درس اثربخش، موانع روش‌ها و راهکارها. مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین. حدیث امروز. قزوین.
۸. میرزاییگی، علی (۱۳۹۹). «برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی». یسطرون. تهران.

گمراهی و گمراهان



نگاهی تربیتی به دوگانه هدایت و ضلالت از منظر قرآن کریم

* مقدمه

قرآن کریم جامع‌ترین کتاب آسمانی است که کامل‌ترین نسخه را برای جذب و هدایت مردم به دین الهی ارائه داده است. مفهوم هدایت یکی از مهم‌ترین واژگان کانونی در قرآن مجید است. این واژه نقش برجسته‌ای را در نظام اخلاقی و عبادی قرآن ایفا می‌کند. از سوی دیگر، یکی از مباحث مهمی که هدف بعثت انبیا را مشخص می‌کند و آثار عقیدتی و تربیتی متعددی دارد، بحث هدایت است که در همه کتاب‌های آسمانی و آیات گوناگون قرآن به صورت‌های متفاوت بیان شده است. یکی از ویژگی‌های کتاب‌های آسمانی آن است که دین را هدایت الهی می‌داند یا در چارچوب مفهوم هدایت الهی تصور می‌کند. این امر نتیجه روشن این حقیقت است که وحی در قرآن اساساً هدایتی دانسته شده است که حاصل رحمت الهی برای کسانی است که به ایمان آوردن گرایش دارند. در اهمیت مفهوم هویت از منظر قرآن کریم، همین بس که واژه هدایت همراه با مشتقات آن ۳۱۶ بار در قرآن آمده است.

موضوع هدایت و نجات انسان‌ها از وادی گمراهی، در فرهنگ اسلامی موقعیتی عالی و ارجمند دارد. می‌توان گفت همه مساعی رسول اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) در جهت تحقق اهداف آن اوج گرفته است. هر انسان پویا و جویای حقیقت، آنگاه که خویشتن را در برابر عرضه گسترده، عمیق و دقیق فرهنگ اسلامی می‌یابد، می‌بیند با معارفی روبه‌روست که فقط دید نافذ الهی می‌تواند گویای آن باشد؛ دیدی که در پهنه آن، تمام زاویه‌های مخفی و پیچیده درون و بیرون انسان مدنظر است. دین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، در پی نشان دادن راهی است که به سعادت انسان‌ها منتهی می‌شود و آن‌ها را از شقاوت و بدبختی، چه در دنیا و چه در آخرت، برهاند. از این رو، مفهوم هدایت و گمراهی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد (سیمیاری و همکاران، ۱۳۹۷).

واژه ضلال یا گمراهی و مشتقات آن در قرآن در موقعیت‌های متفاوتی به کار رفته است و کافران، مشرکان، متمرّدان، متجاوزان و فاسقان با آن توصیف شده‌اند. اما این واژه در قرآن همواره به یک معنا به کار نرفته و در ساختارهای گوناگون، مصداق‌های متفاوتی پیدا کرده و معنی‌های گوناگونی مانند گمراهی، هلاک‌شدن، خسران و لغزیدن از حق و... افاده کرده و در موقعیت‌های مختلف صفات گوناگونی گرفته است (مسبوق و غلامی، ۱۳۹۶).

در نظام آفرینش، انسان مانند سایر موجودات، نهاده‌هایی ذاتی دارد که او را برای رسیدن به هدف خلقت کمک می‌کنند. بر اساس مشیت الهی، خلقت انسان و هدفی که از آفرینش آن در نظر گرفته است، با سایر موجودات متفاوت است و دنیا و هر آنچه در آن است، برای رشد و تکامل وی آفریده شده است تا انسان بتواند زندگی طیب و پاکی داشته باشد. با اینکه خداوند همه ابزارهای شناختی مانند گوش و چشم و عقل را برای وی فراهم کرده و پیامبران را نیز به مدد او فرستاده است، ولی با این حال تعداد کمی از انسان‌ها توانسته‌اند به مقصد و کمال آرمانی دست یابند (بابایی، ۱۳۹۷) که خود این مسئله گویای خلایبی اساسی در زندگی بخش کثیری از جامعه بشری و نیاز انسان به هدایت ویژه الهی است.

دکتر مختار ذاکری
دانشیار و عضو هیئت علمی
دانشگاه



* بحث اصلی

در ارتباط با سؤال پژوهش مبنی بر تبیین استنتاج‌های تربیتی دوقطبی هدایت و گمراهی در نظام آموزش تربیت دینی کشور، پژوهشگر با مبنا قرار دادن متن مصحف شریف قرآن کریم و مؤلفه‌های هدایت و گمراهی،

به تبیین استنتاج‌های تربیتی اقدام کرد که به این شرح است:
در خصوص راه‌های پیمودن مسیر هویت‌یابی، شایسته است نظام تربیت دینی از همان دوره ابتدایی، با تکیه بر اصل آموزش عینی و مبتنی بر پدیده‌ها و آیه‌های قابل مشاهده پیرامونی و در دسترس فراگیرندگان به تقویت ایمان قلبی و عمیق به خدا اقدام کند، چراکه پذیرش دعوت الهی و ایمان به خدا راه ورود به مسیر حیات طیبه و پیش‌نیاز سبک زندگی اسلامی است. انجام کارهای جهادی و تشکیل گروه‌های جهادی در شاخه‌های علمی، فرهنگی و... به‌طور مداوم با فراگیرندگان تمرین شود تا به عادت رفتاری ایشان تبدیل شود.

این موضوع به فراگیرندگان تفهیم شود که در همه لحظه‌های زندگی همواره به خداوند و کتاب آسمانی متمسک و متوسل شوند و تمام تلاششان را بر نگهداشت خود در مدار الهی در همه شرایط به کار گیرند. فهرستی از پند و اندرزهای الهی برآمده از قرآن و روایت‌های تهیه‌شده و ضمن نصب آن در محیط مدرسه و دیوارنویسی، در شروع هر ساعت کلاسی مرور و در جریان فعالیت کلاسی و خارج از مدرسه توسط فراگیر به کار گرفته شود. همچنین، تبدیل به واحد کار شده و به‌صورت عملی در قالب مهارت‌های زندگی در مدرسه و خانه به تمرین در آید. داستان‌های عبرت‌آموز مربوط به انبیا و سرگذشت پیشینیان تهیه و در کتاب‌های درسی تزیین شود و در مراسم گوناگون، از مراسم صبحگاه گرفته تا مناسبت‌ها و جشن‌ها و عیدها بازگو شود.

بر عمل‌گرایی در آموزش‌های مدرسه‌ای تأکید شود، بدین معنی که آموزه‌های دینی و قرآنی تنها در حد حرف باقی نماند و از فراگیرندگان خواسته شود در رفتار و کردار خودشان نیز نشان دهند؛ به‌طوری که آنچه از فرد بر روز داده می‌شود، مصداق عمل صالح باشد. از فراگیرندگان خواسته شود یاد خدا را سرلوحه تمام اعمال خود قرار دهند و در زمان‌های مختلف شبانه‌روز، زمانی را به تسبیح و عبادت الهی اختصاص و در این کار مداومت به خرج دهند. همچنین، حالت‌های ناپسند روحی از جمله تکبر، حسد، ریا، حيله، استهزا و حرص را از خود دور و مقابل آن‌ها ایستادگی کنند. معلمان ترک این عادت‌های ناپسند را در حین آموزششان با فراگیرندگان تمرین کنند تا بخشی از عادت رفتاری آن‌ها شود.

این موضوع به فراگیرندگان تبیین شود که عامل اوج‌گیری و ارتقای فرد در مسیر انسانیت، پیروی و عمل به فرمان الهی است و برعکس، عامل سقوط و افول فرد در مسیر انسانیت، پرهیز نکردن از نافرمانی الهی است؛ چنانکه داستان آدم و حوا گویای همین موضوع است که نافرمانی ایشان سبب سقوط، و عمل مجدد به فرمان‌های الهی سبب بازگشت به نقطه ابتدایی انسانیت با همان فطرت پاک برای ایشان شد. معلمان تلاش کنند با پرورش تفکر انتقادی و رشد استدلال‌های منطقی و به‌تبع آن تفکر منطقی در فراگیرندگان، ایشان را عادت دهند در شرایط گوناگون حرف درست و حق را از روی عقلانیت ادا کنند و تسلیم احساس و هوای نفس خویش نشوند.

در خصوص وسیله هدایت‌یابی، آیات الهی برآمده از کتاب‌های آسمانی در شروع هر ساعت کلاس به فراگیرندگان یادآوری و پیرامون معنی این آیات با ایشان بحث و گفت‌وگو شود. در مصحف شریف قرآن، استدلال‌های منطقی متعددی در مقابل کافران و بددینان آورده شده که لازم است در کلاس درس طرح و بحث گروهی شوند.

در ارتباط با روش هدایت‌بخشی، ضمن دعوت فراگیرندگان به انجام واجبات الهی، به‌طور مکرر مثال‌هایی که خداوند متعال در قرآن برای هدایت آدمی آورده است، برای ایشان بازگو شود و رهنمون‌ها و آیات الهی در این خصوص، به‌منظور بصیرت‌آفرینی برایشان تبیین شود. فهرستی از فعالیت‌ها و اعمالی که انسان باید از انجام آن‌ها پرهیز کند تهیه و ضمن نصب در مدرسه، مدام با فراگیرندگان تمرین و تکرار شود. در خصوص لوازم و پیش‌نیازهای هدایت‌پذیری، پیام‌های الهی به شیوه تحلیلی و عمیق با فراگیرندگان کار شوند، به‌طوری که درک معنی این پیام‌ها برای ایشان حاصل شود. این موضوع به فراگیرندگان تبیین شود که معیار رفتاری ایشان در هر شرایطی باید کسب رضای الهی و ترس از نافرمانی خدا باشد و مقابل همه نعمت‌های الهی همواره شکرگزار باشد و ضمن اینکه خدا را همواره ناظر و شاهد اعمالشان می‌بیند، در مواردی که به هر دلیلی مرتکب نافرمانی می‌شوند، بلافاصله توبه کنند و با انجام عمل صالح، دوباره به درگاه الهی روی آورند.

بسیار مهم است که در فضای تربیت اسلامی، این نکته به فراگیرندگان تشریح شود که پذیرش مسیر الهی و حرکت در این جهت، زمانی ارزشمند و اثرگذار خواهد بود که فرد با آگاهی و از روی اختیار خویش به شیوه داوطلبانه اقدام کند. لازم است دانش‌آموزان آگاه شوند که هر امری، از جمله هدایت‌پذیری انسان، به خواست و اراده الهی است. لذا عمل در مسیری که خداوند از انسان خشنود شود، کلید هر نیکی و رشد برای انسان است. به عبارت دیگر، تا خداوند از انسان راضی نباشد، هیچ رحمت و خیر حقیقی و ماندگار به سمت وی نخواهد آمد.

در ارتباط با جهت‌فرایند هدایت‌یابی، شایسته است نما و تصویری از صراط مستقیم برای فراگیرندگان تشریح و در اختیار ایشان قرار گیرد، بدین‌گونه که فهرستی از فرمان‌های الهی که دستور به عمل در راه مستقیم دارد، در اختیار فراگیرندگان قرار داده شود. همچنین، فهرستی از کارهایی که نافرمانی خداوند محسوب می‌شود، به‌عنوان پرتگاه‌هایی که فرد را از مسیر مستقیم منحرف کرده و سقوط می‌دهد، نیز تهیه و به ایشان ارائه شود. چه خوب است در این خصوص طرح‌هایی تصویری و گرافیکی تهیه و به شیوه‌ای جذاب



**دین اسلام
به‌عنوان آخرین و
کامل‌ترین دین،
در پی نشان دادن
راهی است که به
سعادت انسان‌ها
منتهی شود و
آن‌ها را از شقاوت
و بدبختی، چه در
دنیا و چه در آخرت،
برهاند**



یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت‌یابی، از جمله هویت دینی، مؤلفه نشانمندی است؛ به این معنی که فرد نشانه‌هایی مبتنی بر قرارگیری در مسیر دینی و الهی از خود بروز دهد

و فراگیر عرضه شوند. بر این نکته تأکید شود که تنها یک صراط مستقیم وجود دارد که همان مسیر حق، امن و استوار الهی است و به وسیله وحی بر انسان نازل شده و پیش روی وی قرار گرفته تا انسان را از تاریکی‌ها به سمت نور الهی که همان عالم معرفت و برتر است، سوق دهد. هر نوع کبر و خودبزرگ‌بینی، از جمله خودبزرگ‌بینی عقلانی، به ویژه به واسطه تفکر انسان‌گرایی (اومانستی)، ریشه خروج از مسیر هدایت الهی را برای وی رقم می‌زند. یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت‌یابی، از جمله هویت دینی، مؤلفه نشانمندی است؛ به این معنی که فرد نشانه‌هایی مبتنی بر قرارگیری در مسیر دینی و الهی از خود بروز دهد.

در خصوص مقوله هدایت‌پذیری لازم است فراگیرندگان در عمل نشان دهند که اسلام را با تمام وجود پذیرفته‌اند و به قرب الهی معتقد و امیدوارند و همواره می‌کوشند مسیر درست را در زندگی پیدا کنند و تمام و کمال خود را در برابر خداوند متعال تسلیم و سرسپرده قرار دهند. در ارتباط با موانع هدایت‌یابی، آموزش‌های دینی در مدرسه باید بصیرت‌آفرین و زمینه‌ساز خروج فراگیر از عالم گمراهی و جهل، و ورود به عالم روشنایی و معرفت باشند. به فراگیرندگان تأکید شود که هر زمان فرد از هوای نفس خویش تبعیت کند و غیر از فرمان‌های الهی عمل کند، در واقع عمل خود را به غیر خدا و انهاد، خروجی آن خودباختگی و از دست دادن نعمت هدایت الهی است. بسیاری از افراد از سر کبر و خودبزرگ‌بینی، خود را به جای خدا معیار رفتاری‌شان قرار می‌دهند و زمینه‌ساز سقوطشان را در ورطه شیطانی فراهم می‌کنند و به تعبیر قرآن در حق خود ستم می‌کنند.

در خصوص مشمولان و محرومان هدایت‌پذیری، شایسته است نظام تربیت دینی کشور در جهت نهادینه‌سازی صفت‌های صبوری، پرهیزگاری، نیکوکاری، جهادگری و خردورزی در فراگیرندگان و بدون صفت‌های منفی نفاق‌افکنی، ستمگری، نافرمانی الهی، کوردلی، دروغ‌گویی و ناسپاسی اقدام جدی کنند. در واقع پایه محتوای کتاب‌های دینی در دوره‌های گوناگون تحصیلی، بر نهادینه‌سازی این موضوع‌ها استوار شود که به نوعی جنبه مهارتی دارد و باید با فراگیرندگان کار شود. در نهایت به فراگیرندگان تشریح شود که هرگونه سعادت، سلامت، سود دنیوی و اخروی، آرامش و عاقبت‌بخیری و مهم‌تر از همه دریافت روح پرهیزگاری که مقدمه تمام نیکی‌ها برای انسان است، در سایه هدایت الهی رقم می‌خورد.

در ارتباط با روش‌های نجات انسان از گمراهی، در کتاب‌های درسی، احکام الهی باید به گونه‌ای که برای فراگیرندگان قابل درک و انجام باشد، طراحی و گنجانده شود.

دادن تکلیف‌های مهارت‌محور به دانش‌آموزان می‌تواند به صورت غیرمستقیم و جذاب به ایجاد تفکر و به تبع آن هویت دینی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی کمک کند. این روش با تأکید بر تجربه عملی و پیوند دادن آموزه‌های دینی با زندگی واقعی، دانش‌آموزان را درگیر می‌کند. در اینجا چند ایده و روش برای اجرای این نوع تکلیف‌ها ارائه می‌شود.

از دانش‌آموزان بخواهید به عنوان تکلیف، به افراد نیازمند کمک کنند؛ مثل تهیه بسته‌های غذایی برای مستمندان یا کمک به همسایگان سالمند. از دانش‌آموزان بخواهید تجربه‌های

خود را از این کارهای خیرخواهانه در قالب گزارشی بنویسند و احساس خود را بیان کنند. دانش‌آموزان می‌توانند پوسترهایی درباره ارزش‌های اخلاقی مثل راست‌گویی، امانت‌داری یا احترام به والدین طراحی کنند. تهیه تکه فیلم کوتاهی درباره یک داستان قرآنی یا حدیث اخلاقی و ارائه آن در کلاس می‌تواند مفید باشد. از دانش‌آموزان بخواهید یک جلسه خانوادگی ترتیب دهند که در آن با والدین یا خواهر و برادر خود درباره یک موضوع اخلاقی مثل «احترام به دیگران» یا «صبر» صحبت کنند و نتایج را به کلاس گزارش دهند. از دانش‌آموزان بخواهید بازی‌هایی طراحی کنند که مفاهیم دینی را آموزش دهند؛ مثل کارت بازی با احادیث یا سؤال‌های قرآنی. از دانش‌آموزان بخواهید درباره زندگی شخصیت‌های برجسته دینی (مثل امامان معصوم یا عالمان بزرگ) تحقیق کنند و ارائه‌ای خلاقانه آماده کنند. دانش‌آموزان می‌توانند بخشی از قرآن یا حدیثی را بخوانند و خلاصه آن را به همراه یک برداشت شخصی بنویسند. برای مدتی مشخص، از دانش‌آموزان بخواهید هر هفته یا هر ماه یک ارزش دینی (مثل راست‌گویی، احترام به بزرگ‌ترها یا قدردانی) را در زندگی خود تمرین کنند و تجربه‌های خود را ثبت کنند. از دانش‌آموزان بخواهید بر اساس آموزه‌های دینی (مانند حدیث النظافة من الایمان) در پاک‌سازی محیط یا کاشت درخت مشارکت کنند. با استفاده از این روش‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند درگیر فرایند یادگیری دینی شوند و ارزش‌های اخلاقی را به صورت عملی و لذت‌بخش تجربه کنند. مهم این است که تکلیف متناسب با سن، توانایی و علاقه آن‌ها طراحی شود تا اثربخشی بیشتری داشته باشد. نکته پایانی اینکه نعمت هدایت یک نعمت لازم و ضروری است که نقش کلیدی در دستگاری انسان بازی می‌کند. لذا اگر فرد برای کسب و دریافت آن اقدام عملی نکند، قطعاً از گروه گمراهان است و بازنده و زیان‌کرده خواهد بود. ❁

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۹۶). ترجمه محسن قرآنی. اوقاف. تهران.

۲. مسبوق، مهدی و غلامی علی حسین (۱۳۹۶). تحلیل معنی شناختی واژه «ضلال و اوصاف آن» در قرآن. فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، (۲)۶.

۳. سیمپاری، شهین و همکاران (۱۳۹۷). بررسی رابطه تقوی و هدایت و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی از منظر قرآن. فصلنامه قرآن و طب، (۳)۳.

۴. بابایی، محمدباقر (۱۳۹۷). هدایت و رهبری از منظر قرآن و راهبردهای آن. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۱)۲۶.

*** چکیده**

معلم به‌عنوان رکنی اساسی در آموزش و پرورش، باید صلاحیت، آمادگی و ویژگی‌های لازم رشد و پرورش دانش‌آموزان را فراهم کند تا بتواند با آن‌ها ارتباط مؤثری برقرار کند. پدیده تعامل در فعالیت‌های تربیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که فضای تربیتی محل ارتباط فکری بین دو قطب اصلی معلم و دانش‌آموزان است و این مهم مستلزم برقراری رابطه انسانی مبتنی بر تفاهم و هماهنگی بین فعالیت‌های تربیتی مربی، معلم یا مدیر و فعالیت‌های پرورشی دانش‌آموزان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها:

مهارت تعامل، هدف‌گذاری، سازمان‌دهی، ارتباط متقابل

*** مقدمه**

معلم از طریق ایجاد مهارت‌هایی در دانش‌آموزان، همچون مهارت تعامل، به پرورش اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند. ایجاد مهارت ارتباطی مناسب، پایه‌ای برای هماهنگی با محیط، روابط اجتماعی سالم و تنظیم واکنش‌های احساسی خواهد بود (داگال، ۲۰۱۷). از نظر دیویی، همواره باید بین دو رکن یاددهنده و یادگیرنده یا همان معلم و دانش‌آموز ارتباط متقابلی وجود داشته باشد تا معلم بتواند مشکلات دانش‌آموزان را حل کند. آن‌ها باید به تبادل تجربه بپردازند، هر دو در حال یادگیری باشند و هر دو یکدیگر را راهنمایی و هدایت کنند، نه اینکه یکی مجبور به اطاعت و دیگری دستوردهنده باشد. در این ارتباط متقابل، تعادل ایجاد می‌شود، مسئله به وجود می‌آید و تفکر منطقی شکل می‌گیرد (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲). تحقیقات نشان می‌دهد تعامل گسترده‌ای که دانش‌آموزان با معلمان دارند، آن‌ها را به‌طور ایدئالی برای عمل به نقش‌های اجتماعی و ارائه مدل‌های رفتاری موفق آماده می‌سازند (نمیتا، ۲۰۱۲). به نقل از شفیعی و همکاران، (۱۴۰۰).

آیبه عبدمولایی
پژوهشگر



گفت‌وگو،

کلاس‌ها و

راز

افزایش توان خودابرازی معلم، چه به صورت گفتاری و چه نوشتاری، و ایجاد قابلیت درک پیام‌های شفاهی، در اوج اهداف مدرسه‌ای معلمی قرار دارد که می‌خواهد «آفریننده ارتباط» باشد. طبیعت تعامل بین معلم و دانش آموز و کیفیت فعالیت‌ها و تجربه‌های آنان عامل‌هایی کلیدی هستند که بر موفقیت دانش آموزان در فضای تربیتی تأثیر می‌گذارند (کوپر، وین و پاتل، ۲۰۱۲). در فضای تربیتی باید بین معلم و دانش آموز ارتباط مؤثر و مناسبی برقرار باشد و برای برقراری ارتباط، مهارت‌هایی برای معلم نیازند تا بتواند ارتباط بین خود و دانش آموز را بسازد و استحکام بخشد؛ مهارت‌هایی نظیر مهارت ارتباطی، ابراز علاقه و توجه به دانش آموز، اهمیت دادن به نظر آن‌ها.

وقتی دانش آموزان بتوانند با معلمانشان ارتباط برقرار کنند، خواهند توانست مشکلات عاطفی و رفتاری خود را به حداقل برسانند و محیط کلاس و فضای تربیتی، محیطی دلپذیر برای امر آموزش و تربیت خواهد بود (لویس، ۲۰۰۱). از طریق ارتباط و تعامل می‌توان دانش، آگاهی، انگیزش، تحقق اهداف فردی و گروهی، بهداشت روانی افراد و بهتر شدن اوضاع آینده دانش آموزان را تضمین کرد و کشش، میل به حرکت، الگوپذیری و تغییر، که کار اصلی معلم است، بر اثر همین ارتباط امکان‌پذیر می‌شود. دانش آموزان نه تنها برای شناخت و تشخیص مصالح بلندمدت خود تجربه‌های کافی ندارند، بلکه به خاطر ساده‌اندیشی و صاف و زلال بودن قلب و اندیشه خود، تحت تأثیر رفتار و روابط معلم، اعم از رفتار باطنی و خالصانه و رفتار ظاهری قرار می‌گیرند. این تأثیر آن قدر زیاد است که با قاطعیت می‌توان گفت معلمان بدون تأثیر مثبتی که از طریق رفتار و روابط خود بر شاگردان می‌گذارند، نمی‌توانند در تغییر رفتار یا به عبارت دیگر تعلیم و تربیت آن‌ها موفق شوند (میرکمالی، ۱۳۹۶).

نقش معلم در پرورش مهارت ارتباطی دانش آموز در محیط تربیتی، تقسیم وظیفه بین گروه‌ها، روش آموزش مشارکتی، مطالبه‌گری صحیح در مورد حقوق و نیازها و درک مزیت‌های کار تیمی است و با استفاده از فرصت‌هایی که برای تقسیم وظیفه پیش می‌آید، زمینه توسعه و رشد روح همکاری و احساس لزوم اشتغال به فعالیت‌های مثبت در زمینه کارهای اجتماعی در دانش آموز فراهم می‌شود. مشارکت دانش آموزان در فعالیت‌های تربیتی به آن‌ها کمک می‌کند به «خودشناسی» لازم برسند و رفتارهای جرتمند را در موقعیت‌های تعاملی با دیگران به طور واقعی و طبیعی تمرین کنند و به کارگیرند.

بنابراین، در شرایط امروزی، نظام‌های تربیتی باید فضایی را ایجاد کنند که نظام آموزشی معلم محور، بارویکردی تربیتی و مبتنی بر همکاری و تعامل بین معلم و دانش آموزان، دگرگون شود. اگر پرورش درست به کار گرفته شود، آموزش صحیح اجرا خواهد شد و یادگیری به درستی اتفاق خواهد افتاد. برای تغییر و اصلاح تعلیم و تربیت باید معلم را آماده و او را تربیت کرد و بر آموزش مداوم معلم تأکید داشت و او را به عنوان رکنی مهم در تربیت مؤثر و مفید تشخیص داد و در تربیت او کوشید.

پیشنهادها

در اینجا انتظار است مسئولیت معلم از انتقال بی کم‌وکاست اطلاعات به ذهن (انتقال دانش)، به تعامل، راهنمایی و همیاری با دانش آموز در یادگیری بدل شود. معلم همچون خود دانش آموزان باید در فعالیت‌های

تربیتی مشارکت کند و دوشادوش آن‌ها به فراگیری بپردازد. معلم باید تغییراتی در تعامل با دانش آموزان انجام دهد که «پرورش» زیربنای اصلی آن باشد، زیرا عمل تربیتی فرایندی دوسویه و متقابل است و این فرایند تعاملی بین معلم و دانش آموز در خلأ صورت نمی‌پذیرد. پس باید معلمان را به ایجاد ارتباط و تعامل با دانش آموز ترغیب و تجهیز کنیم. اینکه معلم پشت ابهت رشته‌ای که می‌آموزد سنگر بگیرد، آسیبی عمده است.

معلم باید با هدف گذاری، طراحی، سازمان‌دهی و تدارک فرصت‌های جدید، مهارت‌های مورد نیاز را همچون ایجاد روابط مثبت و دوستانه با دانش آموزان، ابراز علاقه و توجه به دانش آموزان، گوش دادن فعال به دانش آموزان، ارتباط چهره به چهره، بازخوردهای کلامی و غیرکلامی، بازخوردهای اصلاحی و تشویقی، به درستی فراگیرد. به این ترتیب توانایی به کارگیری نوآوری‌های تربیتی و مقاومت نکردن بر روش خود در کلاس درس و منعطف بودن را می‌آموزد و دانش آموزی پرورش می‌دهد که بتواند بر رفتار و یادگیری خود نظارت و کنترل داشته باشد. دانش آموز هم حس می‌کند که تعامل با معلم کنش او را در آینده افزایش می‌دهد و او را برای زندگی در آینده آماده می‌کند. هر چند که معلمان نیز در کار تربیت باید در شرایط خاص مورد حمایت، تشویق و راهنمایی و اطمینان خاطر قرار گیرند تا بتوانند نسبت به دانش آموزان خود مراقبانی پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیر باشند. یادآوری این نکته ضروری است که معلمان باید بتوانند نظامی «برنامه محور» ایجاد کنند و آن را برای ایجاد ارتباط و تعامل با دانش آموزان در مدرسه به کار گیرند.

منابع

۱. دیویی، جان (۱۳۳۹). دموکراسی و آموزش و پرورش. ترجمه آریان پور. دانشسرای پسران تبریز.
۲. شفیع، صابر؛ اکبری پوررنگ، محمد؛ پورشافعی، هادی؛ رستمی نژاد، محمدعلی (۱۴۰۰). تعاملات معلم و دانش آموزان در شبکه اجتماعی دانش آموزان (شاد). رویکرد کیفی.
۳. میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۹۶). روابط انسانی در آموزشگاه. انتشارات پسترون. تهران.
4. Dagal A. B. (2017) Investigation of the Relationship between Communication Skills, Social Competence and Emotion Regulation Skills of Preschool Children in Turkey. Educational Research and Reviews. 12 (4):164-171.
5. Lewis, R. (2001). Classroom discipline and student responsibility. The student's view. Teaching and Teacher Education

نوجوان

و

حیات

زندگی

سالم

دوران نوجوانی یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است؛ مرحله‌ای که در آن هم رشد جسمی به اوج می‌رسد و هم تحولات روانی و شناختی سرعت می‌گیرند. در همین سال‌هاست که استخوان‌ها به بیشترین تراکم خود می‌رسند، قد و وزن افزایش قابل توجهی پیدا می‌کنند و مغز همچنان در حال تکامل و بازسازی ارتباط‌های عصبی است. بنابراین، نیازهای تغذیه‌ای نوجوانان نه تنها بیشتر از کودکان است، بلکه در این برهه از رشد، کیفیت مواد غذایی دریافتی هم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در محیط مدرسه، تغذیه به شکل‌های گوناگون اثر خود را نشان می‌دهد: از اهمیت صبحانه پیش از شروع کلاس‌ها گرفته تا انتخاب میان‌وعده‌های سالم در زنگ تفریح و همچنین نوع ناهاری که دانش‌آموز در مدرسه یا خانه دریافت می‌کند. هر یک از این وعده‌ها می‌تواند انرژی پایدار و مواد مغذی لازم را برای کارایی ذهنی فراهم کند، یا برعکس، باعث خواب‌آلودگی و افت تمرکز شود. از آنجا که معلمان نقش الگویی رفتاری دانش‌آموزان را دارند، آشنایی آن‌ها با اصول علمی تغذیه در دوران نوجوانی می‌تواند تغییرات مثبتی در الگوهای غذایی دانش‌آموزان ایجاد کند. این مقاله با رویکردی علمی اما ساده و کاربردی نوشته شده است تا نشان دهد چگونه می‌توان با راهبردهای تغذیه‌ای مؤثر، به رشد هم‌زمان بدن و ذهن نوجوانان کمک کرد.



شیمیا مظفری
کارشناس ارشد علوم تغذیه
ورژیم‌درمانی

* نیازهای تغذیه‌ای ویژه دوران نوجوانی

دوران نوجوانی از پرمصرف‌ترین مراحل زندگی از نظر انرژی و مواد مغذی است. سرعت رشد قدی، افزایش توده عضلانی و تکامل دستگاه‌های بدن (از جمله مغز و دستگاه تولیدمثل) همگی به دریافت بیشتر و متعادل‌تر مواد غذایی نیاز دارند. در این بخش، مهم‌ترین گروه‌های تغذیه‌ای و ریزمغذی‌های کلیدی را مرور می‌کنیم:

انرژی و کالری

در نوجوانان، نیاز انرژی روزانه، بسته به سن، جنس و سطح فعالیت بدنی، بین ۱۸۰۰ تا ۳۲۰۰ کیلوکالری متغیر است.

کمبود انرژی ممکن است رشد قدی را متوقف و خستگی و ضعف عمومی ایجاد کند، در حالی که مصرف بیش از حد انرژی (به‌ویژه از غذاهای پرچرب و شیرین) بر خطر چاقی می‌افزاید و از کارایی شناختی می‌کاهد.

بهترین منابع تأمین انرژی عبارت‌اند از: غلات کامل، حبوبات، میوه‌ها و سبزی‌ها، لبنیات کم‌چرب و مغزها.

پروتئین؛ آجرهای سازنده بدن و مغز پروتئین برای ساخت آنزیم‌ها، هورمون‌ها، پادتن‌ها و رشد عضلانی حیاتی است.

نیاز روزانه نوجوانان حدود ۰/۸ تا ۱/۲ گرم به‌ازای هر کیلوگرم وزن بدن است.

منابع پروتئین باکیفیت عبارت‌اند از: گوشت سفید و قرمز کم‌چرب، ماهی، تخم‌مرغ، لبنیات، حبوبات (عدس، نخود و لوبیا) و ترکیب غلات و حبوبات (مثل عدس پلو).

کلسیم و ویتامین D؛ پایه‌های استخوان‌های قوی / بیش از ۴۰ درصد از تراکم نهایی استخوانی در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد.

کلسیم (۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ میلی‌گرم در روز) و ویتامین D برای جلوگیری از پوکی استخوان و شکستگی در بزرگسالی ضروری‌اند.

منابع غذایی آن عبارت‌اند از: شیر و لبنیات، ماهی‌های خوراکی با استخوان نرم (مثل کیلکا، کولی و ساردین)، سبزی‌های برگ سبز.

توصیه: حداقل دو لیوان شیر یا معادل آن در روز همراه با نور کافی خورشید.

آهن؛ اکسیژن مغز و عضلات

نوجوانان، به‌ویژه دختران در دوران قاعدگی، در معرض کم‌خونی فقر آهن هستند. این کم‌خونی با کاهش تمرکز، خستگی و افت عملکرد تحصیلی همراه است.

نیاز روزانه: ۱۲-۱۵ میلی‌گرم در دختران و ۱۰-۱۲ میلی‌گرم در پسران. / منابع آن عبارت‌اند از: گوشت قرمز، مرغ، حبوبات، سبزی‌های برگ سبز. / مصرف ویتامین C همراه با غذا (مثل لیموترش کنار عدس پلو) جذب آهن گیاهی را افزایش می‌دهد.

روی (زینک) و ید

روی برای رشد باخته‌ای، ترمیم بافت‌ها و تقویت دستگاه ایمنی حیاتی است.

ید برای عملکرد طبیعی غده تیروئید و سوخت‌وساز (متابولیسم) بدن ضروری است.

کمبود این دو ریزمغذی می‌تواند رشد ذهنی و جسمی را محدود کند. / منابع روی عبارت‌اند از: گوشت، آجیل و حبوبات. / منابع ید عبارت‌اند از: نمک یددار و غذاهای دریایی.

ویتامین‌های گروه B

B۱۲، B۶ و فولات در سوخت‌وساز انرژی، عملکرد شناختی و ساخت انتقال‌دهنده‌های عصبی (مثل سروتونین و دوپامین) نقش دارند.

کمبود آن‌ها می‌تواند به کاهش حافظه کوتاه‌مدت، ضعف توجه و خستگی منجر شود.

اسیدهای چرب امگا ۳

این چربی‌های ضروری در ساخت غشاهای باخته‌ای و عملکرد پی‌یافته‌ها اهمیت زیادی دارند.

مطالعات نشان داده‌اند که مصرف منظم منابع امگا ۳ (مانند ماهی‌های چرب، گردو و بذرتان) با بهبود حافظه، توجه و کاهش اضطراب در نوجوانان همراه است.

* تغذیه، عملکرد تحصیلی و غذاهای کلیدی

ذهن و بدن

تحقیقات نشان داده‌اند، تغذیه مناسب نه تنها بر رشد جسمی نوجوانان اثر دارد، بلکه به‌طور مستقیم بر عملکرد شناختی، تمرکز، حافظه و حتی رفتارهای اجتماعی آن‌ها نیز تأثیرگذار است. معلمان غالباً مشاهده می‌کنند که برخی دانش‌آموزان پس از صرف صبحانه یا میان‌وعده‌های سالم، در یادگیری و مشارکت کلاسی توانایی بهتری دارند.

* صبحانه؛ موتور روشن‌کننده مغز

صبحانه غنی از کربوهیدرات پیچیده (مثل نان سبوس‌دار یا جوی دوسر) و پروتئین (مثل تخم‌مرغ یا لبنیات) می‌تواند عملکرد حافظه کوتاه‌مدت و توجه دانش‌آموزان را تقویت کند.

مصرف صبحانه به‌طور معناداری با کسب نمره‌های بهتر در دانش‌آموزان همراه است؛ به‌ویژه در درس‌هایی مانند ریاضی.

حذف صبحانه، به‌ویژه در نوجوانان دختر، با افت تمرکز و خستگی در کلاس همراه است.



معلمان نقش الگوی رفتاری دانش‌آموزان را دارند، آشنایی آن‌ها با اصول علمی تغذیه در دوران نوجوانی می‌تواند تغییرات مثبتی در الگوهای غذایی دانش‌آموزان ایجاد کند



* قند خون پایدار، تمرکز پایدار

مغز برای عملکرد مطلوب به گلوکز نیاز دارد، اما نوسانات سریع قند خون (مثلاً بعد از مصرف نوشابه‌ها و شیرینی‌ها) باعث خواب‌آلودگی، بی‌قراری و کاهش قدرت یادگیری می‌شود.
غذاهایی با شاخص گلیسمی پایین (مثل نان سبوس دار، میوه کامل و حبوبات) باعث آزادسازی تدریجی انرژی و حفظ تمرکز در طول ساعت‌های درسی می‌شوند.

* پروتئین و اسیدهای آمینه: سازندگان انتقال دهنده‌های عصبی

انتقال دهنده‌های عصبی مانند دوپامین و سروتونین که خلق و خو، انگیزه و یادگیری را کنترل می‌کنند، از اسیدهای آمینه ساخته می‌شوند.
دریافت کافی پروتئین (از گوشت، تخم مرغ، لبنیات و حبوبات) تضمین می‌کند که مغز مواد اولیه لازم برای این پیام‌رسان‌های شیمیایی را در اختیار داشته باشد.

* وضعیت کم‌آبی بدن (هیدراتاسیون)

حتی ۱ تا ۲ درصد کاهش آب بدن ممکن است به افت توجه، کاهش سرعت پردازش اطلاعات و احساس خستگی منجر شود.
نوشیدن آب کافی در طول روز (حدود ۶ تا ۸ لیوان برای نوجوانان) برای حفظ کارایی ذهنی ضروری است.

* غذاهای کلیدی برای تقویت عملکرد ذهنی و ایمنی

ماهی‌های چرب (مثل سالمون و ساردین): سرشار از امگا ۳ هستند و با تقویت ارتباط‌های عصبی، بهبود حافظه و کاهش اضطراب همراه هستند.
آجیل و دانه‌ها (گردو، بادام و تخم‌کتان): منبع پروتئین، چربی‌های سالم و منیزیم هستند و در کاهش فشار عصبی و افزایش تمرکز نقش دارند.

میوه‌ها و سبزی‌های رنگی: سرشار از پاداکسنده (آنتی‌اکسیدان)‌ها و ویتامین C هستند و از باخته‌های مغزی در برابر آسیب اکسایشی (اکسیداتیو) محافظت می‌کنند.

لبنیات کم‌چرب: علاوه بر داشتن کلسیم و ویتامین D برای رشد استخوان‌ها، پروتئین‌هایی دارند که در یادگیری و حافظه نقش دارند.

حبوبات (عدس، نخود و لوبیا): ترکیبی از پروتئین و کربوهیدرات پیچیده برای آزادسازی پایدار انرژی هستند.
زیست‌یارها (پروبیوتیک‌ها) و مواد غذایی تخمیری (ماست زیست‌یارها، کفیر و ترشی‌های طبیعی):

- امروزه ارتباط بین محور روده‌مغز یکی از موضوعات پر سر و صدای علوم تغذیه است.

- زیست‌یارها با متعادل کردن ریززیواگان (میکروبیوتای) روده، می‌توانند از التهاب دستگامی بکاهند و در بهبود خلق و خو، اضطراب و حتی تمرکز نقش داشته باشند.

- افزودن یک وعده ماست زیست‌یارها به رژیم روزانه نوجوانان می‌تواند رویکرد ساده اما مؤثری باشد.

* راهنمای عملی معلمان و والدین

تغذیه سالم فقط یک موضوع خانوادگی نیست، بلکه بخشی جدانشدنی از محیط یادگیری و مدرسه است. معلمان و والدین می‌توانند با همکاری، در هدایت نوجوانان به سمت انتخاب‌های غذایی درست نقش مهمی ایفا کنند. در ادامه، چند راهکار عملی و خلاق آورده شده است:

* نقش معلمان و مدرسه

ترویج سواد تغذیه‌ای: اختصاص چند دقیقه از کلاس علوم یا ورزش به بحث درباره غذاهای سالم و ارتباطشان با یادگیری می‌تواند تأثیرگذار باشد.

مدل‌سازی در کلاس: معلمی که در زنگ تفریح از یک میان‌وعده سالم استفاده می‌کند (مثل میوه یا مغزها)، به‌طور ناخودآگاه به دانش‌آموزان الگویی مثبت نشان می‌دهد.

بحث‌های گروهی کلاسی: پرسش‌هایی مثل «اگر امروز می‌توانستی فقط یک وعده سالم بخوری، کدام را انتخاب می‌کردی و چرا؟» می‌تواند به ایجاد گفت‌وگوی سازنده بین نوجوانان کمک کند.

ایجاد محیط سالم در بوفه مدرسه: همکاری با مدیران برای محدودکردن نوشابه‌ها و خوراکی‌های پرچرب و جایگزینی آن‌ها با آب معدنی، شیر، دوغ، ساندویچ‌های خانگی و میوه‌های آماده.

فعالیت‌های عملی: برگزاری کارگاه‌های کوچک آشپزی سالم یا پروژه‌های تحقیقی درباره غذاهای سنتی مغزی ایران.



تغذیه سالم فقط یک موضوع خانوادگی نیست، بلکه بخشی جدانشدنی از محیط یادگیری و مدرسه است



جایگزینی عالی برای غذاهای فوری پرچرب.
/ نرم‌نوش (اسموتی): انرژی‌بخش: ترکیبی از موز، شیر کم‌چرب، جوی دوسر و کمی کره بادام‌زمینی؛ نوشیدنی‌ای مقوی برای قبل از کلاس‌های سخت.
/ ذرت بوداده خانگی کم‌چرب: جایگزینی جذاب برای برگک (چیپس) و تنقلات شور.

* بازی با رنگ‌ها و شکل‌ها

/ سالاد رنگی میوه (سیب، پرتقال، کیوی و انار) که هم چشم‌نواز است و هم سرشار از پاداکسنده.
/ استفاده از قالب‌های فانتزی برای سبزی‌های بخارپز یا برش پنیر.
/ ترکیب سبزی‌های خردشده با سس ماست و سبزی‌های معطر به‌عنوان چاشنی غلیظ (دیپ) سالم.

* الهام از غذاهای سنتی ایرانی

/ آش جو یا سوپ عدس: سرشار از فیبر و پروتئین گیاهی، گزینه‌ای سبک اما مقوی برای شام.
/ خوراک لوبیاچیتی: منبع عالی آهن و پروتئین، مناسب به‌عنوان شام یا میان‌وعده عصرگاهی.
/ نان و پنیر و گردو: یک ترکیب ساده و کلاسیک که انرژی پایدار و مواد مغذی متنوع را فراهم می‌کند.
/ شیربرنج یا فرنی خانگی با عسل: پی‌غذای (دسر) سنتی خوشمزه و سالم برای تقویت تمرکز.

* نوشیدنی‌های سالم به‌جای نوشابه

/ آب‌میوه طبیعی رقیق‌شده با آب (برای کاهش قند).
/ دوغ کم‌نمک یا کفیر زیست‌یار.
/ آب ساده با برش‌های لیمو، خیار یا توت‌فرنگی برای جذابیت بیشتر.

* مشارکت نوجوانان در آماده‌سازی

/ وقتی نوجوانان خودشان در درست کردن غذا نقش دارند، نسبت به آن احساس تعلق بیشتری پیدا می‌کنند.
/ پیشنهاد: یک روز در هفته «روز آشپز نوجوان» باشد تا او وعده یا میان‌وعده‌ای سالم برای خانواده آماده کند. ☺

منابع

۱. کلیشادی، رؤیا (۱۳۸۹). تغذیه کودک و نوجوان در سلامتی و بیماری. دکتر رؤیا کلیشادی. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. اصفهان

۲. کرک‌سیک، چادام، و فوکس، الیزابت. (۱۴۰۱). تغذیه ورزشی ویژه کودکان و نوجوانان ورزشکار. ترجمه عباسعلی گانینی و حسام‌الدین اکبری. دانشگاه تهران. تهران.

3. Jafari F, Rezaeipor N, Malek V. G, Kholdi N, Aminzadeh M. Association Between Breakfast Consumption and Math Scores of High School Students in Tehran. Biomed Pharmacol J 2013;6(2)

4. Rahmanna M, Poudineh M, Mirzaei R, Aalipour MA, Shahidi Bonjar AH, Goudarzi M, Kheradmand A, Aslani HR, Sadeghian M, Nasiri MJ, Sechi LA. Strain-specific effects of probiotics on depression and anxiety: a meta-analysis. Gut Pathog. 2024 Sep 8;16(1):46. doi: 10.1186/s13099-024-00634-8. PMID: 39245752; PMCID: PMC11382490.

5. Moore Heslin A, McNulty B. Adolescent nutrition and health: characteristics, risk factors and opportunities of an overlooked life stage. Proc Nutr Soc. 2023 May;82(2):142-156. doi: 10.1017/S0029665123002689. Epub 2023 Mar 16. PMID: 36924388.

* همکاری خانه و مدرسه

/ دفترچه غذایی مشترک: دانش‌آموزان می‌توانند در یک دفترچه ثبت کنند که در طول هفته چه خورده‌اند. سپس معلمان و والدین بازخورد مثبت بدهند.
/ چالش‌های گروهی: برگزاری مسابقه «میان‌وعده سالم هفته» بین دانش‌آموزان یا کلاس‌ها می‌تواند انگیزه ایجاد کند.
/ آموزش مهارت تصمیم‌گیری: نوجوانان باید یاد بگیرند در موقعیت‌هایی مثل مهمانی یا خرید از فروشگاه، هوشمندانه انتخاب کنند.

* خلاقیت‌های تغذیه‌ای

ویژه نوجوانان برای حداکثر کارایی

نوجوانان بیش از هر گروه دیگری به غذاهایی نیاز دارند که هم مغذی باشند و هم خوشمزه و جذاب. اگر غذاها فقط علمی و سالم باشند، اما ذائقه نوجوانان را در نظر نگیرند، احتمال پذیرش آن‌ها کم می‌شود. ترکیب خلاقیت با علم تغذیه می‌تواند بهترین نتیجه را داشته باشد.

* میان‌وعده‌های هوشمندانه

/ ماست زیست‌یار با میوه‌های خردشده و عسل: هم شیرین و خوشمزه است، هم منبع زیست‌یار، ویتامین C و کلسیم.
/ ساندویچ کوچک با نان سبوس‌دار و مرغ کبابی:



ترکیب خلاقیت با علم تغذیه می‌تواند بهترین نتیجه را در حداکثر کارایی نوجوانان داشته باشد

وقتی والدین

کنار

خانه سرحسابی
از شد برنامه ریزی درسی

چگونه می‌توان والدین را فعال و
همراه با مدرسه کرد؟

می‌ایستند

* چکیده

در فرایند آموزش و پرورش، مشارکت فعال والدین در امور مدرسه و پیگیری وضعیت تحصیلی فرزندشان در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد. با این حال، گروهی از والدین در این روند غیرفعال و بی‌تفاوت هستند و همین بی‌توجهی ممکن است بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و جو مدرسه تأثیراتی منفی داشته باشد. این مقاله علت‌های بی‌تفاوتی اولیا، اثرات این رفتار را بر فرایند آموزش، و راهکارهای مقابله با آن‌ها پرداخته است. همچنین، تجربه‌های شخصی نگارنده به‌عنوان معلم در مواجهه با این والدین در مقاله گنجانده شده است.

کلیدواژه‌ها:

مشارکت والدین، تعامل مدرسه و خانواده، اولیای غیرفعال، چالش‌های آموزشی

* مقدمه

مشارکت والدین در فرایند تحصیلی دانش‌آموزان یکی از ارکان مهم پیشرفت تحصیلی است. بسیاری از مطالعات علمی نشان می‌دهند که همکاری والدین با مدرسه و پیگیری وضعیت تحصیلی فرزندشان بر انگیزه و بهبود عملکرد آموزشی می‌افزاید (کولی و همکاران، ۱۳۹۷). با این حال، در برخی از مدرسه‌ها، معلمان با والدینی روبه‌رو می‌شوند که هیچ‌گونه همکاری مؤثری با مدرسه ندارند. این والدین که به‌عنوان «اولیای غیرفعال» شناخته می‌شوند، نه تنها در جلسه‌های والدین شرکت نمی‌کنند، بلکه حتی به درخواست‌های ساده مدرسه نیز پاسخ نمی‌دهند. این مقاله دلایل بی‌تفاوتی والدین را نسبت به مدرسه، آثار این بی‌توجهی را بر دانش‌آموزان و مدرسه، و راهکارهای بهبود تعامل با این والدین را بررسی کرده است.

* تعریف اولیای غیرفعال

اولیای غیرفعال والدینی هستند که هیچ‌گونه مشارکت جدی در امور مدرسه ندارند و در مواردی مانند پیگیری وضعیت تحصیلی، حضور در جلسه‌های والدین و تعامل با معلمان غیرفعال‌اند. این والدین معمولاً نسبت به فعالیت‌های مدرسه بی‌توجه هستند و ترجیح می‌دهند مدرسه به‌تنهایی مسئولیت آموزش و تربیت فرزندشان را بر عهده بگیرد. رفتار این گروه از والدین ممکن است از عوامل متعددی ناشی شود که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد:

* علل بی‌تفاوتی والدین نسبت به مدرسه

۱. مشکلات اقتصادی و شغلی

یکی از دلایل اصلی بی‌تفاوتی والدین، فشارهای اقتصادی و شغلی است. والدین شاغل معمولاً زمانی برای حضور در جلسه‌های مدرسه یا پیگیری وضعیت تحصیلی فرزند خود ندارند. این افراد ممکن است به دلیل ساعت طولانی کار یا دغدغه‌های مالی نتوانند به‌صورت فعال در فرایند آموزشی فرزند خود مشارکت کنند (امینی، ۱۳۹۵).



۲. ناآگاهی از اهمیت مشارکت

برخی والدین ممکن است از اهمیت مشارکت خود در فرایند آموزش آگاه نباشند و تصور کنند مسئولیت اصلی آموزش فرزندشان بر عهده معلمان است. این ناآگاهی ممکن است باعث شود والدین برای ارتباط با مدرسه هیچ تلاشی نکنند و در نهایت فرایند یادگیری دانش آموزان تحت تأثیر قرار گیرد (میرزاییگی، ۱۳۹۸).

۳. تجربه‌های منفی از مدرسه

والدینی که خود در دوران تحصیل تجربه‌های نامطلوبی داشته‌اند، ممکن است نسبت به مدرسه دیدگاه منفی داشته باشند و از ارتباط با آن اجتناب کنند. این دیدگاه ممکن است ناشی از تجربه‌های منفی آن‌ها در مدرسه یا احساس بی‌اعتمادی نسبت به نظام آموزشی باشد (یوسفی، ۱۴۰۰).

۴. تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی

در برخی خانواده‌ها، به‌ویژه در خانواده‌های مهاجر یا اقلیت‌های قومی، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی باعث می‌شود که والدین ضمن احساس بیگانگی، نتوانند ارتباط مؤثری با مدرسه برقرار کنند. این والدین ممکن است نتوانند از زبان یا روش‌های رایج در مدرسه استفاده کنند. به همین دلیل از پیگیری وضعیت تحصیلی فرزند خود اجتناب کنند (قربانی، ۱۴۰۱).

* اثر بی‌تفاوتی والدین بر دانش آموزان و مدرسه

۱. کاهش پیشرفت تحصیلی

مشارکت والدین در فرایند تحصیل دانش آموزان بر موفقیت تحصیلی آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. زمانی که والدین بی‌تفاوت هستند و برای پیگیری وضعیت تحصیلی فرزندشان هیچ تلاشی نمی‌کنند، این بی‌توجهی ممکن است به کاهش انگیزه تحصیلی دانش آموز و افت نمره منجر شود (میرزاییگی، ۱۳۹۸).

۲. بروز مشکلات رفتاری در دانش آموز

دانش‌آموزانی که حمایت والدین را ندارند، ممکن است در مدرسه با مشکلات رفتاری مواجه شوند. این مشکلات می‌تواند شامل نافرمانی، بی‌توجهی به معلمان و افت شدید در رفتارهای اجتماعی باشد. نظارت ناکافی والدین می‌تواند به مسئولیت‌ناپذیری در دانش‌آموزان منجر شود.

۳. فشار مضاعف بر معلمان

یکی از مشکلات بزرگ معلمان، فشار اضافی‌ای است که از همکاری نکردن والدین ناشی می‌شود. معلمان مجبورند مشکلات آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان را به‌تنهایی مدیریت کنند و این ممکن است موجب فرسودگی شغلی، کاهش انگیزه و نارضایتی از کار شود (شریعتمداری، ۱۳۹۷).

* راهکارهای تعامل مؤثر با اولیای غیرفعال

۱. برقراری ارتباط منظم و مستمر

اولین گام برای بهبود وضعیت همکاری با اولیای غیرفعال، برقراری ارتباط منظم و مستمر با آن‌هاست. تماس‌های تلفنی ساده، پیام‌های متنی یا رایانامه‌ها می‌توانند به والدین اطلاع دهند که وضعیت تحصیلی فرزندشان تحت نظر است. به جای تماس‌های رسمی و جدی، برقراری ارتباط به روش‌های غیررسمی و دوستانه می‌تواند به ایجاد اعتماد و علاقه‌مندی والدین کمک کند (امینی، ۱۴۰۰).

۲. انعطاف در زمان و نحوه برگزاری جلسه

برای والدین شاغل یا کسانی که مشکلات زمانی دارند، انعطاف‌پذیری در زمان و نحوه برگزاری جلسه می‌تواند راهگشا باشد. برگزاری جلسه‌های برخط یا انتخاب ساعت‌های غیررسمی می‌تواند فرصت‌های بیشتری را برای والدین فراهم کند تا در این جلسه‌ها حضور پیدا کنند.

۳. تأکید بر تأثیر مشارکت والدین بر موفقیت تحصیلی

مهم است که معلمان در جلسه با والدین و از طریق ارتباط‌های متعدد، اهمیت نقش آن‌ها را در موفقیت تحصیلی فرزندشان یادآوری کنند. توضیح اینکه حضور فعال والدین چگونه می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز تأثیر مثبت بگذارد، می‌تواند آن‌ها را به همکاری بیشتر ترغیب کند.

۴. شناخت و رفع موانع فرهنگی و اجتماعی

یکی از چالش‌های مهم در تعامل با والدین، موانع فرهنگی و زبانی است. مدرسه‌ها باید برای آگاه‌سازی والدین از فرایندهای آموزشی برنامه‌هایی داشته باشند و به آن‌ها این امکان را بدهند که به‌راحتی با نظام آموزشی تعامل کنند.





شور و شادمانی در

شعر خوب، روح انسان از جمله دانش‌آموزان را جلا می‌دهد، حس زیبایی‌شناسی آن‌ها را وسعت می‌بخشد، بر واژگان دانش‌آموزان می‌افزاید. باعث می‌شود در سخنوری و نیز نگارش از شعرهایی که یاد گرفته‌اند، استفاده کنند، با ریتم و آهنگ خوب بگردند و به تدریج با صنایع و آرایه‌های ادبی و با آفرینندگان شعرها به مثابه شخصیت‌های ماندگار فرهنگی کشور آشنا شوند. به دلیل وسعت دیدی که شعر در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند، لازم نیست این کار حتماً در کلاس ادبیات و برای کسب نمره صورت پذیرد. اتفاقاً بهتر است بهترین محل برای خوگرفتن با شعر، مدرسه‌ای، انجمن‌های ادبی و کلاس‌هایی به غیر از ادبیات باشد، زیرا حس زیبایی‌شناسی و شعور، جایگاهی فراتر از نمره و ارزشیابی دارد.

اگرچه من دبیر ادبیات نبوده‌ام، به فراخور استفاده‌های فراوانی از شعر می‌کردم. برای مثال سعی می‌کردم در مناسبت‌های خاص مانند عیدها، روزهای خاص مذهبی، جشن‌ها و مناسبت‌های آیینی، کلاس را با خواندن قطعه‌هایی زیبا و مرتبط با موضوع شروع کنم. این خوانش شعر، یکپاره و بدون مقدمه صورت نمی‌گرفت. من سعی

ارائه اطلاعات به زبان‌های گوناگون و برگزاری جلسه‌های آگاهی‌دهی می‌تواند به رفع این موانع کمک کند (قربانی، ۱۴۰۱).

* تجربه شخصی معلم

در یکی از سال‌های تدریس، با دانش‌آموزی روبه‌رو شدم که وضعیت تحصیلی ضعیفی داشت. تلاش‌هایم برای برقراری ارتباط با والدین او بی‌نتیجه بود و نامه‌ها و تماس‌های مکرر من به پدر و مادرش بی‌پاسخ می‌ماند. پس از مدتی، متوجه شدم پدر دانش‌آموز به دلایل شغلی قادر به حضور در جلسه‌های مدرسه نیست و مادرش نیز به دلیل مشکلات خانوادگی تمایلی به برقراری ارتباط نداشت.

برای حل این مشکل تصمیم گرفتم با فرستادن یک پیام متنی ساده، از والدین او دعوت کنم در یک جلسه کوتاه و غیررسمی شرکت کنند. پس از فرستادن پیام، مادر دانش‌آموز تماس گرفت و قرار ملاقات گذاشت. در جلسه، والدین نگرانی‌های خود را مطرح کردند و من توانستم راهکارهایی برای بهبود وضعیت تحصیلی فرزندشان ارائه کنم. این تجربه به من آموخت که گاهی تغییر رویکرد و روش‌های غیررسمی می‌تواند راهگشا باشد.

* نتیجه‌گیری

اولیای غیرفعال چالشی مهم برای مدرسه به شمار می‌روند. این والدین با همکاری نکردن خود، نه تنها به دانش‌آموز آسیب می‌زنند، بلکه باری اضافی بر دوش معلمان و کارکنان مدرسه می‌گذارند. با این حال، معلمان با استفاده از مهارت‌های ارتباطی و انعطاف‌پذیری می‌توانند راه‌هایی برای جلب همکاری والدین پیدا کنند. ایجاد ارتباط مؤثر، آگاه‌سازی والدین از اهمیت مشارکتشان و انعطاف در شیوه‌های برگزاری جلسه می‌تواند به کاهش این مشکلات کمک کند.

منابع

۱. امینی، م (۱۴۰۰). چالش‌های ارتباط خانواده و مدرسه. انتشارات جهاد دانشگاهی. اصفهان.
۲. میرزاییکی، ر (۱۳۹۸). نقش خانواده در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. نشر توس. مشهد.
۳. شریعتمداری، ع (۱۳۹۷). اصول آموزش و پرورش. انتشارات آگاه. تهران.
۴. یوسفی، ن (۱۴۰۰). روانشناسی تربیتی. انتشارات سمت. تهران.
۵. قربانی، ف (۱۴۰۱). فرهنگ و آموزش: تعامل خانواده‌های مهاجر با مدارس. نشر قطره. تهران.



دکتر مرتضی مجدفر
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

کلاس

می‌کردم خوانش شعر را با موضوع درس یا مناسبت روز مرتبط کنم. تا آنجا که به وقت کلاسم لطمه وارد نشود، دوسه جمله‌ای هم درباره آفریننده شعر و جایگاه ادبی و اجتماعی وی توضیح می‌دادم.

همان‌طور که پیش از این نوشتیم، یکی دیگر از کاربردهای خوانش شعر، لحظه‌های پایانی کلاس و در کنار خوانش داستان بود. روزهایی که وقت کمی داشتیم، به جای داستان، شعری را انتخاب می‌کردم که حداکثر بتوان در یک دقیقه آن را خواند. البته برخی از بچه‌ها هم داوطلب خواندن شعری از شاعران یا خودشان می‌شدند که تحت شرایطی به برخی از آن‌ها اجازه می‌دادم.

شاید برخی از معلمان و خوانندگان این نوشته بگویند چگونه می‌توان این فعالیت‌ها را در وقت کم سامان‌دهی کرد؟ باید بگویم، زمان تدریس علوم در زمان ما پنج ساعت (همراه با انشاسش ساعت) بود و وقتی زمان کافی برای فعالیت‌های جنبی در اختیار داشتیم. در ضمن، وقتی معلمی با عشق توأم باشد، در کوتاه‌ترین زمان‌های در اختیار، می‌توان بزرگ‌ترین و ماندگارترین کارها را انجام داد. دانش‌آموزان فراوانی داشته‌ام که سال‌ها بعد، در مواجهه حضوری، به لذت حاصل از شنیدن شعر و قدرت یادگیری بدون نمره و ارزشیابی اشاره کرده‌اند.

نسل‌ها

دکتر محمد نیرو
دکترای برنامه‌ریزی درسی

* مقدمه: دغدغه‌ای آشنا در اتاق معلمان

برای نسل زد باید روش تدریس را عوض کنی! این‌ها نسل زد هستند. حوصله متن‌های طولانی را ندارند. برای ارتباط با نسل زد باید زبان خودشان را بلد باشی. این جمله‌ها برای شما به‌عنوان معلم، استاد یا دانشجو معلم چقدر آشناست؟ در سال‌های اخیر، موجی از محتواها، کارگاه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای درک و مدیریت نسلی به نام نسل زد شکل گرفته است. فشاری پنهان و آشکار بر نظام تعلیم و تربیت وارد می‌شود تا خود را با ویژگی‌های این نسل به‌ظاهر جدید، متفاوت و گاهی عجیب، تطبیق دهد. اما لحظه‌ای درنگ کنیم. آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم این طبقه‌بندی‌ها چقدر علمی و واقعی هستند؟ آیا تمام دانش‌آموزان و دانشجویانی که در بازه زمانی مشخصی متولد شده‌اند، واقعاً ویژگی‌های روان‌شناختی و ارزشی یکسانی دارند؟

این مقاله با الهام از تحلیل‌های عمیق و منتقدانه در حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه مقاله «نسل‌شناسی شبه‌علمی!» نوشته دکتر علی خلخالی، می‌کوشد پرده از این باور رایج بردارد. ما به شما نشان خواهیم داد که چرا اتکا به برچسب‌هایی مانند نسل وای، نسل زد و نسل آلفا می‌تواند بیش از آنکه راهگشا باشند، گمراه‌کننده و حتی آسیب‌زا باشند. مهم‌تر از آن، راهکارهای عملی و مبتنی بر شواهد علمی را پیش روی شما قرار می‌دهیم تا بتوانید فارغ از این مدهای زودگذر، با هر دانش‌آموز و دانشجویی به‌عنوان انسانی منحصر به فرد، ارتباطی مؤثر برقرار کنید.

* چرا تب «نسل‌شناسی» فراگیر شد؟ ریشه‌های یک باور عمومی

نگرانی درباره تفاوت نسل جدید با نسل قدیم، پدیده جدیدی نیست. حدود ۲۵۰۰ سال پیش، فیلسوفان بزرگی چون سقراط و افلاطون نیز از «فاسدشدن جوانان» و تضاد ارزشی آن‌ها با نسل خود گله‌مند بودند. این دغدغه همیشگی، بستری مناسب برای ظهور طبقه‌بندی‌های به‌ظاهر ساده و جذاب فراهم کرده است. برچسب‌هایی مانند نسل خاموش، نسل ایکس، هزاره و حالا نسل زد، راهی آسان برای توضیح تغییرات پیچیده اجتماعی، فرهنگی و فناورانه به نظر می‌رسند. این طبقه‌بندی‌ها یک داستان ساده به ما ارائه می‌دهند: افراد متولدشده بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲ تحت تأثیر اینترنت و گوشی‌های هوشمند قرار گرفته‌اند. پس ویژگی‌های مشترکی دارند. این روایت اگرچه جذاب است، اما ساده‌سازی خطرناکی از واقعیت است.

* تفاوت «هم‌گروهی تولد» با «نسل»: آشفتگی کلیدی در درک ما

در علوم اجتماعی، مفهومی دقیق و علمی به نام «گروه هم‌تولد» وجود دارد. این مفهوم به گروهی از افراد اشاره دارد که در یک بازه زمانی مشخص (مثلاً یک سال) متولد شده‌اند و رویدادهای تاریخی مهمی (مانند یک انقلاب، جنگ، یا ظهور یک فناوری) را در سن مشابهی تجربه کرده‌اند. این یک ابزار تحلیلی معتبر است.

اما «نسل‌گرایی»^۲ که برچسب‌هایی مانند نسل زد را تولید می‌کند، پا را فراتر می‌گذارد. این رویکرد، چندین گروه هم‌تولد را در یک بازه زمانی طولانی (مثلاً ۱۵ ساله) کنار هم قرار می‌دهد و به‌طور فرضی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های یکسان (ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها) را به تمام افراد آن گروه نسبت می‌دهد. اینجاست که شبه‌علم آغاز می‌شود. گویی یک خط نامرئی در انتهای سال ۱۹۹۶ کشیده شده و فردی که در آن سال به دنیا آمده است، با فردی که چند ماه بعد در سال ۱۹۹۷ متولد شده، تفاوت‌های بنیادین دارد!

* شواهد علمی چه می‌گویند؟ دلایلی برای تردید در برچسب‌های نسلی

تحقیقات علمی معتبر، دلایل محکمی برای رد کردن قطعیت این برچسب‌های نسلی ارائه می‌دهند. بیابید

چند مورد کلیدی را بررسی کنیم:

/ تفاوت‌های درون‌نسلی بسیار بیشتر

از تفاوت‌های بین‌نسلی هستند: این

مهم‌ترین یافته علمی است. یعنی تفاوت

بین دو دانش‌آموز که هر دو برچسب نسل

زد خورده‌اند (یکی در یک خانواده فرهنگی

در پایتخت و دیگری در یک خانواده کشاورز

در روستایی مرزی) به مراتب بیشتر از میانگین

تفاوت کل «نسل زد» با کل «نسل ایکس» است.

تفاوت‌های فردی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی

بسیار قدرتمندتر از برچسب نسلی عمل می‌کنند.

/ تأثیر رویدادها بر همه، نه فقط جوانان: آیا ظهور

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فقط بر نوجوانان تأثیر

گذاشت؟ یا معلمان، والدین و مدیران را نیز متحول

کرد؟ یک رویداد بزرگ تاریخی یا فناورانه تمام جامعه

را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ هرچند شکل تأثیر آن بر

گروه‌های سنی متفاوت باشد. نسبت‌دادن کل این

تحول به یک «ذات نسلی» اشتباه است.

/ این برچسب‌ها جهانی نیستند: طبقه‌بندی‌های

رایج نسلی تقریباً به‌طور کامل بر اساس رویدادهای

تاریخی و فرهنگی ایالات متحده آمریکا (مانند جنگ

ویتنام برای نسل پر زادوولد یا واقعه ۱۱ سپتامبر برای

نسل هزاره) ساخته شده‌اند. استفاده بی‌چون‌وچرا از

این برچسب‌ها برای تحلیل جوانان ایرانی که

انسان‌ها،

معلمی جراغی

فرا ترازی برچسب‌ها:

تجربه‌های تاریخی و اجتماعی کاملاً متفاوتی داشته‌اند، از نظر علمی بی‌معناست. / روش‌شناسی متزلزل: با تغییر جزئی در روش تحقیق یا بازه‌های زمانی، مرزهای این نسل‌ها به کلی تغییر می‌کند. این نشان می‌دهد که این مرزبندی‌ها واقعی و عینی نیستند، بلکه برساخت‌های مصنوعی محققان هستند.

* از نظر نا کلاس درس: پیامدهای عملی باور به نسل‌ها، معقول برای معلمان

شاید بگویید این بحث‌ها نظری هستند، اما باور به این برچسب‌ها، پیامدهای بسیار عملی و ملموسی در مدیریت کلاس و روش‌های تدریس شما دارد: / ایجاد و تقویت کلیشه‌های مضر: وقتی معلمی با این پیش‌فرض وارد کلاس می‌شود که «دانش‌آموزان نسل زد کم‌توجه و بی‌انگیزه هستند»، ناخودآگاه رفتارهایی بروز می‌دهد که این پیش‌فرض را تأیید می‌کنند. او ممکن است از ارائه محتوای عمیق خودداری کند و به محتوایی سطحی و سرگرم‌کننده بسنده کند، در حالی که بسیاری از دانش‌آموزان تشنه یادگیری عمیق هستند.

/ نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی: تمرکز بر برچسب «نسل زد» باعث می‌شود شما دانش‌آموز واقعی پیش روی خود را نبینید. در یک کلاس، شما با علی که به

تاریخ علاقه‌مند است، سارا که در برنامه‌نویسی استعداد دارد، و مریم که درون‌گراست و از طریق نوشتن بهتر ارتباط برقرار می‌کند، روبه‌رو هستید؛ نه با یک توده بی‌شکل به نام نسل زد.

/ اتلاف وقت و انرژی در مسیر اشتباه: به جای صرف وقت برای یادگیری اصول بنیادین و پایدار یادگیری (مانند ایجاد انگیزه درونی، بازخورد مؤثر، طراحی تکلیف‌های معنادار)، انرژی معلمان صرف جست‌وجوی ترفندهای آموزش به نسل زد می‌شود که غالباً پایایی علمی ندارند.

/ سیاست‌گذاری‌های آموزشی نادرست: در سطح کلان، مدیران آموزشی ممکن است بر اساس این افسانه‌های نسلی، بودجه‌های هنگفتی را صرف خرید فناوری‌های خاص یا برگزاری دوره‌هایی کنند که اثربخشی واقعی ندارند و از نیازهای اساسی‌تر غافل شوند.

* راهکار جایگزین: چگونه فراتر از برچسب‌ها، دانشجویان و دانش‌آموزان خود را درک کنیم؟

حال که این برچسب‌ها را به چالش کشیدیم، راهکار چیست؟ پاسخ، بازگشت به اصول اساسی تعلیم و تربیت و نگاهی انسانی‌تر و دقیق‌تر است:

/ تمرکز بر فرد به جای گروه: اولین و مهم‌ترین گام، شناخت تک‌تک دانش‌آموزان و دانشجویان است. علاقه‌ها، نقاط قوت، ضعف‌ها و سبک‌های یادگیری آن‌ها را از طریق گفت‌وگو، مشاهده و ارزیابی‌های کلاسی بشناسید.

/ درک زمینه‌های مشترک به جای ذات مشترک: به جای اینکه بگویید «این‌ها نسل زد هستند»، بگویید «این‌ها دانش‌آموزانی هستند که در عصر دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی رشد کرده‌اند.» این تغییر نگاه، بسیار مهم است. حالا می‌توانید پرسید: «این زمینه مشترک (عصر دیجیتال) چه تأثیری (مثبت و منفی) بر یادگیری دارد و من به‌عنوان معلم چه مهارت‌هایی (مانند سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی) را باید تقویت کنم؟»

/ استفاده از اصول پایدار روان‌شناسی و علوم تربیتی: نظریه‌های انگیزش، اصول طراحی آموزشی، روان‌شناسی رشد و روش‌های ارزشیابی معتبر، برای همه انسان‌ها در همه دوران کاربرد دارند. به جای دنبال کردن مدهای روز، دانش خود را در این مبانی عمیق‌تر کنید.

/ گفت‌وگوی مستقیم و مشاهده فعال: همان‌طور که نویسنده مقاله «نسل‌شناسی شبه‌علمی!» اشاره می‌کند، تجربه مستقیم از هر تحقیقی گویاتر است. او که به سه نسل از یک خانواده تدریس کرده، به شباهت‌های ارزشی آن‌ها در سنن یکسان، بیش از

تفاوت‌هایشان پی برده است. از دانش‌آموزان خود بپرسید چه چیزی به آن‌ها انگیزه می‌دهد، چه چیزی آن‌ها را خسته می‌کند و کلاس درس مطلوبشان چگونه است. پاسخ‌هایشان شما را شگفت‌زده خواهد کرد.

* نتیجه‌گیری: معلمی برای انسان‌ها، نه برای برچسب‌ها

دنیای آموزش و پرورش مملو از ایده‌ها و اصطلاح‌های جدید است. برچسب‌هایی مانند نسل زد و نسل آلفا، اگرچه جذاب و پرطرفدار هستند، اما پشتوانه علمی محکم ندارند و می‌توانند ما را از وظیفه اصلی مان، یعنی شناخت و پرورش انسان‌های منحصر به فرد، دور کنند. به‌عنوان معلم، استاد و راهنمای آموزشی، بزرگ‌ترین خدمت شما به شاگردانتان این است که آن‌ها را پشت یک برچسب کلیشه‌ای پنهان نکنید. به جای سیاست‌گذاری و طراحی روش تدریس برای یک «نسل معجول»، برای انسان‌هایی که در کلاستان نفس می‌کشند، برنامه‌ریزی کنید. با این کار نه تنها معلم مؤثرتری خواهید بود، بلکه به گسترش یک شبه‌علم که می‌تواند در بدترین حالت خطرناک باشد، کمک نخواهید کرد. *

پی‌نوشت‌ها

1. Birth Cohort
2. Generationalism

منابع

۱. خلیفانی، علی. (۱۴۰۱). نسل‌شناسی شبه‌علمی! یادداشت تحلیلی در حوزه علوم اجتماعی. تهران: وبسایت شخصی نویسنده / رسانه‌های تحلیلی علوم اجتماعی.
۲. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۸). زندگی روزمره و فرهنگ معاصر ایران. تهران: نشر نی.
۳. سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۹۴). تحلیل نسلی یا تحلیل دوره‌ای؟ نقادی بر مفهوم نسل در جامعه‌شناسی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۲(۶۸)، ۲۶-۱.
۴. یوسفی، محمدرضا. (۱۴۰۰). چالش‌های کاربرد مفهوم نسل در سیاست‌گذاری آموزشی. پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت، ۱۶(۲)، ۶۶-۴۵. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
5. Costanza, D. P., Badger, J. M., Fraser, R. L., Severt, J. B., & Gade, P. A. (2012). Generational differences in work-related attitudes: A meta-analysis. *Journal of Business and Psychology*, 27(4), 375-394. Publisher: Springer, New York.
6. Rudolph, C. W., Rauvola, R. S., & Zacher, H. (2018). Leadership and generations at work: A critical review. *The Leadership Quarterly*, 29(1), 44-57. Publisher: Elsevier, Amsterdam.
7. Twenge, J. M. (2017). iGen: Why today's super-connected kids are growing up less rebellious, more tolerant, less happy—and completely unprepared for adulthood. New York: Atria Books (Simon & Schuster).
8. Mannheim, K. (1952). The problem of generations. In: *Essays on the Sociology of Knowledge*. London: Routledge & Kegan Paul.

✱ مقدمه

عبارت نغز و معروفی با این مضمون وجود دارد که شما به راحتی نمی‌توانید دانش‌آموزان را سوار اسب خودتان کنید، اما خودتان می‌توانید به آسانی سوار اسب دانش‌آموزان شوید. این مثل علمی مؤید این مطلب است که وقتی قرار است مفهومی را به دانش‌آموزان آموزش دهیم، اگر آن‌ها بتوانند برای این مفهوم علمی دلیل و معنایی را در محیط زندگی روزمره بیابند، یادگیری آن برایشان بسیار راحت‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. به سخن دیگر، برای آموزش عمیق مفاهیم علمی کتاب‌های درسی به فراگیرندگان، لازم است ابتدا بافت هر مفهوم در موقعیت‌های واقعی زندگی روزمره شناسایی شود و در ادامه ارتباط این موقعیت با محتوای علمی برای او بیان شود. بر همین اساس، در آموزش بافت‌محور، از ایده‌هایی که مفاهیم و

عبدالرضا شیرکوند
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی
آموزشی

موضوع‌ها را در موقعیت‌های واقعی زندگی روزمره دانش‌آموزان به کار می‌گیرند استفاده شده است تا زمینه رشد و بالندگی علمی دانش‌آموزان فراهم شود. در همین راستا، یکی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به نام هالبروک اظهار می‌کند که فرایند آموزش و یادگیری نمی‌تواند در خلأ اتفاق بیفتد، بلکه آموزش نیازمند بافت و زمینه است تا فراگیرندگان بتوانند برای آن چیزی که به آن‌ها آموخته می‌شود، دلیل و جایی را در زندگی روزمره خود پیدا کنند (رشیدی و مسلمی، ۱۴۰۱). از آنجا که درس علوم تجربی در دوره ابتدایی و متوسطه اول شامل محتوا، موضوع‌ها و مفهومی‌هایی است که دانش‌آموزان در فعالیت‌های گوناگون با آن سروکار دارند، می‌تواند به محیط زندگی دانش‌آموزان انتقال داده شود و برای آن مصداق‌های عینی فراوانی را معرفی کند.

✱ اصول اساسی در طراحی سؤال‌های بافت‌دار

حال اگر در ارزشیابی‌های دانش‌آموزان، برای طراحی سؤال، زمینه و موقعیت‌های واقعی زندگی روزمره یادگیرندگان اساس قرار گیرد، سؤال‌های بافت‌دار طراحی می‌شوند. اصل اساسی در طراحی چنین سؤال‌هایی، شناسایی بافت، زمینه و بستر زندگی دانش‌آموز است تا بتوان بین محتوای

آموزش کاربردی و تجربه‌محور برای یادگیری واقعی

سؤال‌های

بافت‌دار



کتاب درسی و زمینه پُلی برقرار کرد. چنین شناختی نیازمند تأمل عمیق در محیط زندگی دانش‌آموزان است. در طراحی سؤال‌های ارزشیابی‌ها به شیوه سنتی، عموماً بسیاری از مفاهیم علمی کتاب درسی منبع طرح سؤال قرار می‌گیرند. طرح سؤال از محتوای علمی کتاب‌های درسی به معنای پرداختن به مسئله دیگری به جای مسئله دانش‌آموزان است. این اتفاق ارزشیابی‌های لاغر و ناتوانی را سبب خواهد شد که نه تنها نشان‌دهنده میزان تحقق اهداف یادگیری و شایستگی‌های مورد انتظار در فراگیرندگان نیستند، بلکه به یادگیری مطلوب در دانش‌آموزان هم منجر نخواهند شد. اما اگر سؤال‌های ارزشیابی باید به گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموزان با موقعیتی واقعی از دنیایی که در آن زندگی می‌کنند روبه‌رو شده باشند، مسئله به مسئله دانش‌آموز تبدیل شده است و چون فراگیرنده آن را از آن خود کرده است، ارزشیابی برای او دلپذیر و شوق‌انگیز خواهد بود. همچنین، جذاب‌ترین اتفاقی که با طراحی سؤال‌های بافت‌دار برای دانش‌آموزان رقم می‌خورد، این است که دانش‌آموزان هنگام مواجهه با این سؤال‌ها، طعم مطلوب یادگیری همسوزبا زندگی را می‌چشند. دلیل بارز آن این است که معلم در طراحی این قبیل سؤال‌ها، ابتدا به شناسایی مسئله‌های ذهنی یادگیرنده می‌پردازد که مرتبط با محتوایی است که تصمیم دارد به دانش‌آموزان تدریس کند یا از آن ارزشیابی به عمل آورد. سپس به ایجاد پیوند بین محتوا و بافت زندگی دانش‌آموز می‌پردازد که می‌تواند به درگیر کردن ذهن یادگیرنده با چالش مطرح‌شده در سؤال منجر شود و تمنای یادگیری بالایی را در دانش‌آموزان ایجاد کند (صنعتی و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی می‌توان گفت که در طراحی سؤال‌های بافت‌دار:

معلم تلاش می‌کند با برقراری پیوند بین محتوای علمی کتاب‌های درسی و زندگی دانش‌آموزان، سؤال‌های نام‌آشنایی را طرح کند تا فراگیرندگان احساس نزدیکی و قربت بیشتری با سؤال کنند (سلیقه‌دار، ۱۳۹۷).

طرح سؤال به گونه‌ای است که دانش‌آموزان احساس می‌کنند پاسخ‌گویی برایشان ضرورت دارد. لذا برای این کار برانگیخته می‌شوند و علاقه‌مندی آن‌ها تحریک می‌شود.

با اضافه کردن یک ماجرای واقعی از زندگی روزمره، سؤال‌های کاملاً دانشی به سؤال‌های عمل‌کردی تبدیل می‌شوند و دانش فراگیرندگان در سطح عمل‌کرد قرار می‌گیرد.

دانش‌آموزان با قرارگرفتن در موقعیتی واقعی، به تفکر وادار می‌شوند و مهارت به کارگیری دانش آموخته‌شده آن‌ها در آن موقعیت سنجیده می‌شود. جلب توجه فراگیرندگان کمک می‌کند موضوع را بهتر و عمیق‌تر درک کنند. بنابراین، بافت‌های یادگیری از بطن زندگی دانش‌آموزان اخذ می‌شوند (سلیقه‌دار، ۱۳۹۷).

* بحث و نتیجه‌گیری

به‌عنوان مثال تصور کنید معلم در ارزشیابی کتبی یا شفاهی از دانش‌آموزان می‌خواهد به جای پاسخ‌دادن به سؤالی کاملاً دانشی مثل: «آینه محدب را تعریف کنید و

ویژگی‌ها و کاربرد آن در زندگی را بیان کنید»، به حالت بافت‌دار همین سؤال پاسخ دهند: «با توجه به تصویر مقابل، به این سؤال‌ها پاسخ دهید»:

نام آینه نشان‌داده‌شده در شکل را بنویسید؟ با توجه به شواهد داخل تصویر، دلیل خود را بیان کنید.

دو ویژگی این آینه را که در تصویر مشاهده می‌کنید بیان کنید؟

به چه دلیل از این آینه در موقعیت مکانی داخل تصویر استفاده شده است؟

شما در زندگی روزمره خود در چه مکان‌ها و وسایلی استفاده از این آینه را مشاهده کرده‌اید؟

در این سؤال بافت‌دار، معلم موضوع کاربرد آینه‌های محدب یا کوژ را از طریق قراردادن دانش‌آموز در موقعیت‌های معمول زندگی دنبال می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد مفهوم آینه‌های محدب و کاربرد آن را در خانه و محیط زندگی بررسی کنند. به سخن دیگر، معلم در طراحی این سؤال دنیای واقعی را به زبان ساده‌ای که دانش‌آموز می‌فهمد رسم کرده و به تصویر کشیده است.

این معماری واژگانی که معلم ساخته است و دانش‌آموز آن را به‌طور عمیق درک می‌کند، همان بافت یا بیان مسئله است. به این ترتیب، دانش‌آموزان بعد از روبه‌رو شدن با این سؤال، نه تنها کاربرد آینه‌های محدب را در بستر زندگی خود می‌شناسند، بلکه بسیاری از مفاهیم زندگی از جمله علاقه، حل مسئله، تجربه زیسته و تلاش برای تأمل و بازاندیشی و تأثیرگذاری در محیط اطراف را نیز می‌آموزند. همین امر به انسجام و یکپارچگی موضوع یادگیری و کمک به تسهیل یادگیری آن می‌انجامد و این امکان فراهم می‌شود که توجه به اسناد بالادستی و طراحی‌های کلان صورت بگیرد و به‌سادگی در یادگیری و آموزش عملیاتی شوند. چرا که در سؤال بافت‌دار یادشده، وجوه تفکر و تلاقی علم و عمل که هر سه از عناصر برنامه درسی ملی هستند، در فرایند ارزشیابی و یادگیری دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت، دانش‌آموزان هنگام پاسخ‌دادن به این نوع سؤال‌ها، ضمن مراجعه به تجربه‌های زیسته واقعی، بین چالش مطرح‌شده در سؤال و دانش پیشین خود ارتباط برقرار می‌کنند و به همین دلیل برای جواب‌دهی و یادگیری آماده‌تر می‌شوند. بنابراین، استفاده از سؤال‌های بافت‌دار، به این دلیل یادگیری همسوزبا زندگی محسوب می‌شود که دانش‌آموزان با پاسخ‌دادن به این سؤال‌ها احساس می‌کنند در حل مسائل زندگی و پیرامون خود پیشرفت می‌کنند و پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها در داشتن زندگی بهتر به آن‌ها کمک می‌کند. *

پینوشت‌ها

- منظور از بافت، محیط، شرایط یا موقعیتی اصیل و واقعی است که دانش‌آموزان در آن قرار دارند و با آن زندگی می‌کنند.
- یادگیری هنر و علم آموزش و تدریس است و شامل طیف گسترده‌ای از راهبردها و روش‌هایی است که هدف آن‌ها تسهیل یادگیری است.

منابع

- رشیدی، پردیس؛ مسلمی، شهلا (۱۴۰۱). تجزیه و تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی دوره اول ابتدایی بر اساس رویکرد زمینه‌محور (تماتیک). نهمین همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی مثبت. بندرعباس.
- سلیقه‌دار، لیلیا (۱۳۹۷). رویکرد زمینه‌محور در طراحی آموزشی یادگیری جذاب. ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۳۴، شماره ۱، مهر ۱۳۹۷.
- سهرابلو، مصطفی (۱۳۹۸). رویکرد زمینه‌محور. ماهنامه رشد فناوری آموزشی، دوره ۳۵، شماره ۳، آذر ۱۳۹۸.
- صنعتی، ناهید؛ اکبریان، ناهید؛ عیسانی، نفیسه (۱۳۹۴). بررسی رویکرد زمینه‌محور (تماتیک) در کتب علوم دوره اول ابتدایی. همایش ملی آموزش ابتدایی.

فرزانه نوراللهی
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

خلاقیت

همراه

با چشم انداز

ایده‌های معلم برای
طراحی موضوع درسی تا
تدوین و نگارش کامل آن

* شناسنامه طرح

* هدف اصلی (هدف از جنس شایستگی)

* ملاک‌های ارزشیابی

* بخش

هدف	زمان اجرا:
سناریو	مکان اجرا:
انتظارات عملکردی	وسایل لازم:

فرم اولیه طراحی آموزشی

در شماره‌های قبل، چهارده مؤلفه از ضلع طراحی آموزشی را به طور کامل معرفی کردیم. برای سادگی کار، در این شماره یک قالب کاربردی را برای نوشتن طراحی آموزشی معرفی می‌کنیم؛ به همراه ارائه یک موضوع ساده و مرتبط با زندگی. از آنجا که نگارش کامل هر طراحی مراحل متعددی دارد، آن را به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم کردیم تا کار ساده‌تر شود. تصور کنید می‌خواهید برای یک موضوع جذاب یک فیلم‌نامه تهیه کنید. در فیلم‌نامه، غیر از سناریو، که طرح مختصری از روایت داستان است، به عوامل فنی، مشخصات بازیگران، وسایل لازم و... پرداخته می‌شود. لذا به عنوان نمونه، در این شماره یک موضوع جذاب و چندساحتی را در بستر یک فیلم‌نامه آموزشی خلق، طراحی و اجرا می‌کنیم. همچنین، سناریوی کامل آن را با ذکر جزئیات می‌نویسیم تا اگر حتی فردی غیر از طراح و نویسنده آن طرح بخواهد اجراش کند، این کار بدون نیاز به راهنمایی میسر شود.



شناسنامه طرح

موقعیت، شرایط و چشم انداز قبل از طراحی

هدف از جنس شایستگی (برای این واحد یادگیری)

ملک‌های ارزشیابی

درس فیزیک دهم تجربی - ریاضی مبحث گرما عنوان: مفهوم دما و انرژی گرمایی
دبیر (طراح محتوا): فرزانه نوراللهی دبیرستان ستوده تاریخ اجرا: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

این محتوا برای دو جلسه ۹۰ دقیقه‌ای فیزیک و برای ورود به فصل چهارم کتاب (مبحث گرما) تنظیم شده است.
 مفهوم فیزیکی با مباحث کاربردی زندگی و مهارت‌های پایه و عمومی تلفیق شده است تا آموزشی تمام‌ساحتی را رقم بزنند. در واقع، ارزشمندی این طراحی به پررنگ بودن شایستگی‌ها در متن اصلی درس است. حتی می‌توان از آن برای همه درس‌های ابتدایی و متوسطه ایده گرفت.
 انتخاب موضوع بسیار اهمیت دارد. باید آن را خلاقانه برگزید تا در نهایت پس از پایان این جلسه (و جلسه‌های مشابه آن) نگرش دانش‌آموزان به مبحث درسی (گرما) تغییر کند، به آن علاقه‌مند شوند و با آگاهی و رغبت ادامه مباحث فصل (گرما) را دنبال کنند. همچنین، مهارت‌های پایه علوم و پرسشگری در وجودشان نهادینه شود.
 ارتباط عمیق درس فیزیک را با زندگی درک و مصداق‌های مشابهی را در زندگی روزانه دنبال کنند.
 نمونه واقعی مصرف بهینه انرژی در زندگی و خانواده را در کلاس درس بررسی، محاسبه و اندازه‌گیری کنند و نتیجه آن را به خانواده گزارش دهند. پس از پایان این مرحله، بتوانند موضوع را به جمعیت بیشتری (افراد جامعه) تعمیم دهند.
 دانش‌آموزان در طی فعالیت‌های عملی مرتبط با مسائل روزمره زندگی قادر باشند آگاهانه تصمیم بگیرند. (قبل از اینکه در دام تصمیم‌های دیگران بیفتند). در پایان از دانش‌آموزان خواسته می‌شود یک سؤال مرتبط با آزمایش طرح کنند.
 دانش‌آموز در مسئولیت‌هایی که به عهده‌اش گذاشته شده، به خوبی عمل می‌کند و برخورد مسئولانه دارد: (تقسیم وظایف در گروه، انجام دقیق مراحل آزمایش، پاکیزگی محل آزمایش و مرتب‌سازی ابزارهای آزمایشگاه و در نهایت نوشتن طرح تحقیق، انجام دقیق پروژه و تنظیم گزارش در خانه)
 به موضوع طرح‌شده در کلاس علاقه نشان می‌دهد و در بحث گروهی مشارکتی فعال دارد. همچنین، رفتار او نشان می‌دهد به رعایت ضوابط (رعایت نوبت و توجه به صحبت دیگران) تمایل دارد.
 از ابزارهای آزمایش به نحو مطلوب و در جهت تحقق هدف استفاده می‌کند.
 گزارش کامل و مناسبی از فعالیت کلاسی و پروژه خانه تنظیم کرده است و به معلم ارائه می‌دهد. (در جلسه‌های قبل، به کمک دانش‌آموزان، معیارهای گزارش کامل و علمی مشخص شده‌اند).
 پیشنهادی که دانش‌آموز در گزارش داده، با توجه به اطلاعات مطرح‌شده، منطقی به نظر می‌رسد.

بخش اول: شروع خوب و جذاب و درگیر شدن با موضوع

هدف	دانش‌آموزان در پاسخ‌گویی به فعالیت‌ها مشارکتی چشم‌گیر دارند و مسئولیت آوردن وسایل و انجام تکلیف خواسته‌شده را به خوبی و با رغبت به عهده می‌گیرند.	زمان اجرا: ۳۰ دقیقه
سناریو	<p>بعد از ورود به کلاس و مراحل اولیه، به عنوان شروع خوب از دانش‌آموزان می‌پرسیم:</p> <p>آیا خودتان در موضوع‌های گوناگون تصمیم می‌گیرید؟ در موارد مشابه برای انتخاب (می‌توان مثال‌های متفاوت بیان کرد؛ مثل خرید جوراب) چگونه عمل می‌کنید؟ (آیا خودتان انتخاب می‌کنید؟) چقدر ضرورت دارد مهارت انتخاب آگاهانه را کسب کنیم؟ (بحث و گفت‌وگو) حال لیوان‌هایی را که قرار بود هر نفر به کلاس بیاورد روی میز بگذارید. اگر از شما بخواهم بروید آبدارخانه و در یکی از لیوان‌هایی که آورده‌اید برای من جای بیاورید، کدام لیوان را انتخاب می‌کنید؟ (در صورت لزوم می‌توان دو یا سه دانش‌آموز را برای ریختن و آوردن جای برگزید و جای آورده‌شده را خورد و نظر داد). شما جای داغ دوست دارید یا گرم یا ولرم؟ دمای مناسب جای برای خوردن چقدر است؟ (آیا این موضوع سلیقه‌ای است یا علمی؟) در این مرحله، دانش‌آموزان را گروه‌بندی می‌کنیم و از ایشان می‌خواهیم آزمایشی طراحی و بررسی کنند در کدام لیوان گروه، جای زودتر سرد می‌شود؟</p>	<p>مکان اجرا: کلاس درس</p>
انتظارات عملکردی	<p>۱. اشتیاق و مشارکت فعال و دقیق در پاسخ‌گویی فعالانه، دقیق و با علاقه در پاسخ‌گویی مشارکت دارد. در بعضی موارد در پاسخ‌گویی شرکت می‌کند، اما رغبت چندانی به موضوع ندارد. در کلاس حضور چندان فعالی ندارد.</p> <p>۲. آوردن وسایل به کلاس دو لیوان از جنس‌های متفاوت را با خود به کلاس آورده است. فراموش کرده است.</p> <p>۳. همکاری و مشارکت در گروه با هم‌گروهی‌ها تعامل مناسبی دارد و با تقسیم وظایف به آن‌ها فرصت فکر و عمل می‌دهد. در بعضی موارد نیاز به مداخله معلم هست. توانایی همکاری در گروه را ندارد. توانایی نوشتن طرح آزمایش را ندارد.</p> <p>۴. توانایی نوشتن طرح آزمایش با در نظر گرفتن وسایل لازم و اهداف تعیین‌شده و تعیین متغیرها، به صورت کامل طرح آزمایش را نوشته است. در تعیین متغیرهای آزمایش و نوشتن طرح نیاز به کمک دارد.</p>	<p>وسایل لازم: لیوان‌های متعددی که دانش‌آموزان با خود به کلاس می‌آورند.</p>



* بخش دوم: انجام آزمایش

<p>هدف</p> <p>زمان اجرا: ۵۰ دقیقه</p>	<p>دانش آموزان در گروه‌های خود با تقسیم مناسب کار و رعایت نظم و نوبت و با در نظر گرفتن مسائل ایمنی، مطابق آزمایشی که طراحی کرده‌اند، دمای اولیه چای و دمای مناسب برای خوردن در لیوان‌ها را اندازه می‌گیرند. در این بخش، جدول داده‌های آزمایش را به‌طور مناسب رسم می‌کنند. در پایان خوردن چای، جای‌های اضافه را داخل سطل می‌ریزند و لیوان‌های خود را می‌شویند.</p>
<p>سناریو</p> <p>مکان اجرا: آزمایشگاه مدرسه</p>	<p>هر گروه به‌سرعت در جای خود مستقر می‌شود. نکات ایمنی و استفاده دقیق از وسایل اندازه‌گیری دما و حجم یادآوری می‌شود. دانش آموزان با نظم و احتیاط، طبق طرحی که قبلاً بازبینی شده و اشکال‌های احتمالی به آن‌ها بازخورد داده شده است، دمای چای را در لیوان‌های متفاوت اندازه می‌گیرند. برای رسیدن به نمودار مناسب دمایی، لازم است حدود پنج نقطه با فاصله‌های یکسان زمانی معین و دمای چای در آن زمان اندازه‌گیری می‌شود. در این مرحله، دقت در به‌دست آوردن داده‌های دقیق، رسم جدول و نمودار بسیار مهم است و در صورتی که گروهی به کمک نیاز داشته باشد، باید به ایشان توجه مناسب معطوف شود. شاید حتی نیاز به تکرار آزمایش باشد. در پایان اندازه‌گیری و رسم نمودار، جای اضافه به سطل ریخته می‌شود، لیوان‌ها شسته و میز آزمایش مرتب و تمیز می‌شود.</p>
<p>انتظارات عملکردی</p> <p>وسایل لازم: لیوان‌های متعدد که دانش آموزان با خود به کلاس می‌آورند. دما بان بزرگ برقی (یا سماور بزرگ)، قوری چای دم‌شده، دماسنج به تعداد گروه‌ها، زمان‌سنج، نوشت افزار و برگه برای یادداشت برداری و رسم جدول و نمودار، سطل بزرگ تمیز برای ریختن چای باقی مانده.</p>	<p>۱. اشتیاق و مشارکت فعال و دقیق در انجام آزمایش / فعالانه، دقیق و با علاقه در آزمایش مشارکت دارد. / در آزمایش شرکت می‌کند، اما به انجام آن رغبت چندانی ندارد. / در آزمایشگاه حضور فعالی ندارد.</p> <p>۲. استفاده مناسب از ابزار / از وسایل اندازه‌گیری و ابزار به‌صورت صحیح استفاده می‌کند. / برای استفاده از ابزار به کمک نیاز دارد. / برای کار مناسب و صحیح با ابزار توجه لازم را ندارد.</p> <p>۳. همکاری و مشارکت گروهی در رسم جدول و نمودار / با هم گروهی‌ها تعامل مناسبی دارد و از روش صحیح برای رسم نمودار و جدول استفاده می‌کند. / در بعضی موارد به مداخله معلم نیاز است، اما امکان اصلاح و بازنگری در کار خود را دارد. / توجه لازم برای یادگیری ندارد.</p> <p>۴. تمیز و مرتب کردن میز و آزمایشگاه / مسئولانه و با تقسیم وظیفه به تمیز و مرتب کردن میز و آزمایشگاه می‌پردازد. / در تمیز کردن نیاز به تذکر و تکرار دارد. / زیر بار تمیز کردن نمی‌رود.</p>

* بخش سوم: تحلیل داده‌ها و نوشتن گزارش کار

<p>هدف</p> <p>زمان اجرا: ۵۰ دقیقه</p>	<p>دانش آموزان در گروه‌های خود با هم‌فکری و بررسی داده‌ها، بهترین لیوان برای صرف چای را با معیارهای خود انتخاب می‌کنند. با نتایج به‌دست آمده، گزارش کامل و دقیق آزمایش را می‌نویسند. (قبلاً با هم‌فکری و مشارکت بچه‌ها، معیارهای نوشتن گزارش کار خوب تعیین شده است.)</p>
<p>سناریو</p> <p>مکان اجرا: آزمایشگاه مدرسه</p>	<p>از گروه‌ها پرسیده می‌شود، اگر بخواهید برای صرف چای یک لیوان انتخاب کنید، کدام لیوان را برمی‌گزینید؟ معیارهای انتخاب را فهرست کنید. این آزمایش در این انتخاب به شما چه کمکی کرد. (برای اینکه فرصت برابر به همه داده شود، از دانش آموزان می‌خواهیم پس از هم‌فکری، نتایج را یادداشت کنند.)</p> <p>آیا دمای خوردن نوشیدنی داغ سلیقه‌ای است؟ اصلاً پرداختن به این موضوع چه اهمیتی دارد؟</p> <p>با پرسش و بحث کلاسی، دانسته‌های بچه‌ها را پیرامون مسائل زیستی آن و حتی ارتباط آن با طراحی فنجان و نعلبکی در طول تاریخ، احصا می‌کنیم. می‌توانیم فرصتی هم برای تحقیق درباره این موضوع به دانش آموزان بدهیم.</p> <p>می‌توان نوع سؤال‌ها را در این راستا و ارتباط دما با سلامت بسط داد تا افراد بیشتری در بحث و گفت‌وگو شرکت کنند.</p> <p>در پایان، اعضای گروه نتیجه تحلیل‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شده و جدول و نمودار را در یک گزارش کار تنظیم می‌کنند و می‌نویسند.</p>
<p>انتظارات عملکردی</p> <p>وسایل لازم: نوشت افزار و برگه برای نوشتن گزارش کار</p>	<p>۱. اشتیاق و مشارکت فعال و دقیق در بحث و گفت‌وگو / فعالانه، دقیق و با علاقه در گفت‌وگو مشارکت دارد. / در گفت‌وگو شرکت می‌کند، اما رغبت چندانی به موضوع آن ندارد. / در گفت‌وگو حضور فعالی ندارد.</p> <p>۲. داشتن معیارهای مناسب و منطقی / با معیار صحیح و منطقی لیوان مناسب چای را انتخاب می‌کند. / برای داشتن معیار به کمک نیاز دارد. / برای داشتن معیار صحیح توجه لازم ندارد.</p> <p>۳. همکاری و مشارکت گروهی در نگارش گزارش کار / با هم گروهی‌ها تعامل مناسبی دارد و از روش تعیین شده برای نگارش گزارش استفاده می‌کند. / در بعضی موارد به مداخله معلم نیاز دارد، اما امکان اصلاح و بازنگری در کار خود را دارد. / برای نگارش گزارش کار توجه لازم را ندارد.</p>

بخش چهارم: نقد و بررسی مواد مصرفی و دورریز و توسعه طرح

هدف	دانش آموزان در گروه‌های خود با هم‌فکری به این سؤال پاسخ می‌دهند که در انجام این آزمایش چه مقدار آب، چای و انرژی دور ریخته شد؟ با انجام آزمایش طراحی شده، پاسخ این پرسش را به دست می‌آورند و مکان آزمایش را نظافت می‌کنند.	زمان اجرا: ۳۰ دقیقه
مکان اجرا:	هر گروه ابتدا یک طرح می‌نویسد که ضمن آن میزان هدررفت مواد اولیه و انرژی را تخمین و محاسبه می‌کند. در ادامه و موازی با نوشتن طرح اولیه، به گروه‌ها فرصت داده می‌شود تا حجم آب و چای ریخته شده در سطل را با بشر یا وسیله مناسب اندازه‌گیری حجم، که خود پیشنهاد داده‌اند، اندازه بگیرند. بعد از این اندازه‌گیری باید طرح اولیه خود را کامل کنند و گزارش این قسمت را تحویل دهند.	مکان اجرا: آزمایشگاه مدرسه
انتظارات عملکردی	<p>۱. توانایی نگارش طرح تخمین و اندازه‌گیری میزان هدررفت مواد</p> <p>طرح خود را دقیق و با علاقه و منطقی تنظیم کرده است.</p> <p>در نوشتن طرح شرکت می‌کند، اما رغبت چندانی به انجام آن ندارد.</p> <p>در این بخش حضور فعالی ندارد.</p> <p>۲. استفاده مناسب از ابزار</p> <p>از وسایل اندازه‌گیری و ابزار به صورت صحیح استفاده می‌کند.</p> <p>برای استفاده از ابزار به کمک نیاز دارد.</p> <p>برای کار مناسب و صحیح با ابزار توجه لازم را ندارد.</p> <p>۳. همکاری و مشارکت گروهی</p> <p>با هم‌گروهی‌ها تعامل مناسبی دارد.</p> <p>در بعضی موارد به مداخله معلم نیاز است، اما امکان اصلاح در کار خود را دارد.</p> <p>به یادگیری در گروه علاقه مند نیست.</p> <p>۴. تمیز و مرتب کردن میز و آزمایشگاه</p> <p>مسئولانه و با تقسیم وظیفه به تمیز و مرتب کردن میز و آزمایشگاه می‌پردازد.</p> <p>در تمیز کردن به تذکر و تکرار نیاز دارد.</p> <p>زیر بار تمیز کردن نمی‌رود.</p>	<p>وسایل لازم:</p> <p>نوشت افزار و برگه</p> <p>برای یادداشت برداری و محاسبه، دو سطل</p> <p>بزرگ تمیز برای ریختن چای باقی مانده، بشر</p> <p>با چند حجم متفاوت برای اندازه‌گیری حجم چای دورریز</p>

بخش ششم، بخش هفتم و همچنین فرم اولیه طراحی آموزشی را می‌توانید از طریق رمز پنه سریع پاسخ زیر پویش کنید.



این طراحی آموزشی در کلاس دهم دبیرستان ستوده، منطقه ۳ شهر تهران، زمانی که معلم فیزیک مدرسه بودم، تدوین و اجرا شده است.

بخش پنجم: طراحی تحقیق (بهتر است این کار به صورت فردی و در خانه نوشته شود و اعضای گروه در کلاس آن را بازبینی و نقد کنند.)

هدف	دانش آموزان در گروه‌های خود با تعامل و دقت، طرح اولیه یکدیگر را نقد می‌کنند و به طرحی قابل اجرا و کامل می‌رسند.	زمان اجرا: ۳۰ دقیقه
مکان اجرا:	هر دانش آموز با توجه به عادت غذایی خانواده، یک وعده چای را که به صورت خانوادگی مصرف می‌کنند، مدنظر قرار می‌دهد و به صورت کامل مستند و گزارش می‌کند و به گروه ارائه می‌دهد. سپس اعضای گروه روش نوشتن این گزارش را نقد و بازبینی می‌کنند. در نهایت، با توجه به مراحل قبلی که در کلاس انجام شده، تحقیقی با این سؤال مطرح و نوشته می‌شود:	خانه و کلاس درس
انتظارات عملکردی	<p>۱. اشتیاق و مشارکت دقیق دانش آموزان در نقد طرح‌های یکدیگر</p> <p>فعالانه، دقیق و با علاقه در نقد و بازبینی مشارکت دارد.</p> <p>در نقد شرکت می‌کند اما به انجام آن رغبت چندانی ندارد.</p> <p>در این بخش حضور فعالی ندارد.</p> <p>۲. توانایی نوشتن طرح تحقیق</p> <p>به تنهایی می‌تواند طرح تحقیق علمی بنویسد.</p> <p>برای نوشتن طرح تحقیق به کمک نیاز دارد.</p> <p>به نوشتن طرح تحقیق علاقه مند نیست.</p>	<p>وسایل لازم:</p> <p>نوشت افزار و برگه برای نوشتن طرح تحقیق</p>

❖ مقدمه

در دنیای آموزش امروز، جایی که دانش‌آموزان با حجم عظیمی از اطلاعات روبه‌رو هستند، ابزارهایی بصری مانند نقشه‌های ذهنی و نمودارها می‌توانند یادگیری را متحول کنند. معلمان درس‌های گوناگون که غالباً با رویدادهای پیچیده و روابط زمانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، می‌توانند از این ابزار هوش مصنوعی بهره ببرند. این ابزار متن ساده را به نقشه ذهنی جذاب تبدیل می‌کند و به دانش‌آموزان کمک می‌کند مفاهیم را بهتر درک کنند و به‌خاطر بسپارند. در این مقاله، ابتدا تحقیقات مرتبط با تأثیر نقشه‌های ذهنی بر یادگیری دانش‌آموزان را بررسی و سپس ابزار «مپفای»^۱ را معرفی می‌کنیم و کار با آن را آموزش می‌دهیم. در نهایت هم یک نمونه از کاربرد آن را در درس تاریخ نشان می‌دهیم.

❖ تأثیر نقشه‌های ذهنی و نمودارها بر یادگیری دانش‌آموزان

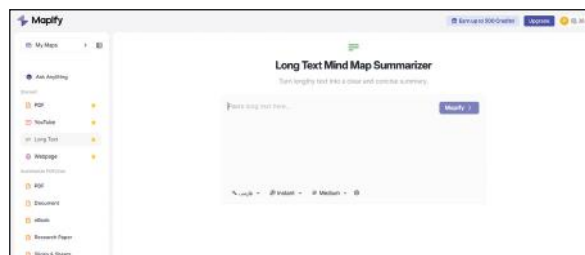
استفاده از نقشه‌های ذهنی^۲ و انواع نمودارها (مانند روندنماها و اطلاع‌نگاشت‌ها) بر یادگیری مثبت تأثیر دارد. یک متاآنالیز در سال ۲۰۲۲ روی ۲۱ مطالعه نشان داد که آموزش مبتنی بر نقشه ذهنی، نسبت به آموزش سنتی، در بهبود نتایج یادگیری فردی در موضوع‌های گوناگون، به‌خصوص در درس‌های استم^۳، تأثیر مثبت بیشتری دارد (Shi et al., 2022). مطالعه‌ای دیگر نشان می‌دهد، وقتی دانش‌آموزان نقشه ذهنی ترسیم یا با کمک آن یادداشت می‌کنند، سازمان‌دهی اطلاعات بهتر صورت می‌گیرد، درک عمیق‌تر می‌شود و حافظه بهبود می‌یابد (Jones et al., 2012). مقاله دیگری در سال ۲۰۲۲ روی دانشجویان پرستاری، یادگیری بازتابی مبتنی بر نقشه ذهنی را با روزنامه‌نویسی سنتی مقایسه کرد و دریافت که گروه اول، خودکارآمدی خلاق و یادگیری‌شان بیشتر افزایش داشت (Yang et al., 2022). همچنین، تحقیقی در سال ۲۰۲۲ روی زبان‌آموزان «ای‌اف‌ال»^۴ نشان داد که با استفاده از نقشه ذهنی، واژگان را ۲۵ درصد بهتر حفظ می‌کنند، زیرا ساختار درختی آن، روابط مفهومی را برجسته می‌کند (Feng et al., 2023). خلاصه، این ابزارها نه تنها یادگیری را سرگرم‌کننده‌تر می‌کنند، بلکه بر انگیزه و به‌یادسپاری تأثیر مثبت دارند.

❖ ابزار مپفای

مپفای ابزاری مبتنی بر هوش مصنوعی است که از سال ۲۰۲۴ محبوب شده و انواع محتوا مانند فایل پی‌دی‌اف، ویدئو یا متن را به نقشه ذهنی تبدیل می‌کند.

❖ آموزش گام‌به‌گام کار با مپفای

۱. ورود به وبگاه از طریق نشانی mapify.so
۲. روی گزینه Start For Free کلیک کنید.
۳. با حساب کاربری گوگل یا رایانامه دیگری وارد شوید.
۴. بعد از ورود، با صفحه‌ای به‌صورت شکل ۱ مواجه می‌شوید. از بخش سمت چپ می‌توان انواع محتوا را برای تبدیل به نقشه ذهنی را انتخاب کرد. از بخش وسط صفحه هم حتماً باید زبان را فارسی انتخاب کنیم.



شکل ۱

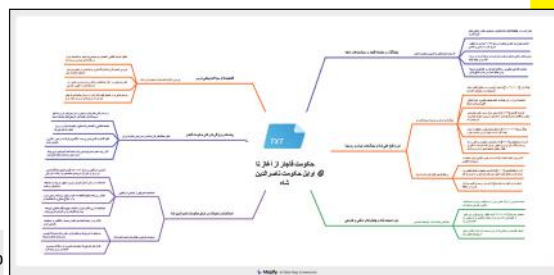
معصومه دانیالی
کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر

نقشه

ذهنی

محتوای درسی
ساخت نقشه ذهنی از
مصنوعی پرکاربر برای
معرفی یک ابزار هوش

۵. بعد از انتخاب چگونگی محتوا، مثلاً انتخاب Long Text، محتوای متنی خود را رونویسی (کپی) می‌کنیم و در کادر وسط صفحه قرار می‌دهیم.
 ۶. در مرحله آخر گزینه میپفای را کلیک می‌کنیم تا نقشه ذهنی ما تولید شود. برای مثال، در اینجا بخشی از کتاب تاریخ پایه ۱۱ را به عنوان محتوا به آن داده‌ایم. نقشه ذهنی آن را مطابق شکل ۲ (فایل با کیفیت را از طریق رمزیننه سریع پاسخ پویش کنید.) تولید کرده است.



فایل با کیفیت شکل ۲ را پویش کنید.

۷. بعد از تولید نقشه ذهنی، روی نماد Share در بالای صفحه کلیک و در بخش Export گزینه Image یا Pdf را برای بارگیری انتخاب می‌کنیم. همچنین می‌توان نقشه ذهنی را در قالب Xmind File بارگیری و با نرم افزار Xmind در دستگاه رایانه‌ای و پرایش کرد. در ضمن، مشابه سایر ابزارهای هوش مصنوعی، برای کاربران رایگان محدودیت استفاده وجود دارد که با رایانامه‌های متعدد می‌توانید به دفعات از آن استفاده کنید.

نتیجه‌گیری

ابزار میپفای فرصتی منحصر به فرد برای ارتقای یادگیری در اختیار می‌گذارد، زیرا محتوایی پیچیده را به نقشه‌های ذهنی جذابی تبدیل می‌کند که بر مشارکت دانش آموزان و انگیزه آن‌ها می‌افزاید. تحقیقات نشان می‌دهند، نقشه‌های ذهنی با سازمان‌دهی بصری اطلاعات، حفظ مطالب را بهبود می‌بخشند و درک عمیق‌تری از مفاهیم، به ویژه در موضوع‌های پیچیده ایجاد می‌کنند. برای موفقیت در استفاده از این ابزار، معلمان باید محتوای مناسب انتخاب کنند، فعالیت‌های گروهی و تعاملی طراحی کنند، بر فرایند کار نظارت داشته باشند، از بصری‌سازی اولیه بهره ببرند و با آزمون پرسش و پاسخ، یادگیری دانش آموزان را ارزیابی کنند. با رعایت این نکات، میپفای می‌تواند یادگیری را به تجربه‌ای پویا و مؤثر تبدیل کند، دانش آموزان را فعال‌تر و توانایی آن‌ها را در تحلیل و سازمان‌دهی اطلاعات تقویت کند.

پیشنهادات

1. Mapify
2. mind maps
3. Science, technology, engineering, and mathematics
4. EFL

منابع

1. Feng, R., Alsager, H. N., Azizi, Z., & Sarabani, L. (2023). Impact of mind-mapping technique on EFL learners' vocabulary recall and retention, learning motivation, and willingness to communicate. *Heliyon*, 9(6), e16560. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e16560>
2. Jones, B., Ruff, C., Snyder, J., Petrich, B., & Koonce, C. (2012). The Effects of Mind Mapping Activities on Students' Motivation. *International Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, 6. <https://doi.org/10.20429/ijstol.2012.060105>
3. Shi, Y., Yang, H., Dou, Y., & Zeng, Y. (2022). Effects of mind mapping-based instruction on student cognitive learning outcomes: a meta-analysis. *Asia Pacific Education Review*, 24, 1-15. <https://doi.org/10.1007/s12564-022-09746-9>
4. Yang, K.-H., Chen, H., Liu, C.-J., Zhang, F.-F., & Jiang, X.-L. (2022). Effects of reflective learning based on visual mind mapping in the fundamentals of nursing course: A quasi-experimental study. *Nurse Education Today*, 119, 105566. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2022.105566>



بدخلفی‌های

* چکیده

این پژوهش تأثیر بدخلفی معلمان را بر تجربه عاطفی و تحصیلی دانش‌آموزان بررسی می‌کند. بدخلفی معلمان، شامل رفتارهایی همچون فریاد زدن، تحقیر و بی‌توجهی، می‌تواند بر روان و یادگیری دانش‌آموزان تأثیرات منفی عمیقی بگذارد. این مطالعه با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با ۲۰ دانش‌آموز دختر دوره متوسطه اول در کرج انجام شد. یافته‌ها نشان دادند، بدخلفی معلمان به تجربه‌های عاطفی منفی همچون احساس بی‌ارزشی، اضطراب، ترس از اشتباه، فاصله‌گیری از معلم و مدرسه، و بروز رفتارهای مقابله‌ای در دانش‌آموزان منجر می‌شود. نتایج پژوهش تأکید می‌کنند که معلمان باید از تأثیر رفتارهای هیجانی خود آگاه باشند و برای حفظ محیطی مثبت در کلاس، مهارت‌های ارتباطی و خودآگاهی هیجانی را در خود تقویت کنند. این مطالعه، علاوه بر تأکید بر تغییرات فردی معلمان، به سیاست‌گذاران آموزشی نیز توصیه می‌کند آموزش مهارت‌های هیجانی را در برنامه‌های تربیت معلم بگنجانند و شرایط حمایتی مناسبی برای معلمان فراهم آورند.

کلیدواژه‌ها:

بدخلفی معلم، تجربه عاطفی، نظریه داده‌بنیاد، رابطه معلم - دانش‌آموز، اضطراب تحصیلی

* مقدمه

روابط انسانی در محیط آموزشی بر کیفیت یادگیری و سلامت روان دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارند. در این میان، خلق و خوی معلم به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر جو کلاس درس شناخته می‌شود (Hargreaves, 2000). بدخلفی معلمان شامل رفتارهایی مانند داد زدن، بی‌توجهی، تحقیر یا طعنه، می‌تواند به احساس طرد، ترس یا خشم در دانش‌آموزان منجر شود. اگرچه پژوهش‌های بسیاری به تأثیر رفتار مثبت معلمان بر عملکرد تحصیلی پرداخته‌اند (Pianta, La Paro & Hamre, 2003)، اما کمتر پژوهشی تجربه‌های عاطفی دانش‌آموزان را در مواجهه با رفتارهای منفی معلمان بررسی کرده است. هیچ معلمی، از صبح که وارد مدرسه می‌شود، با تصمیم قبلی برای بدخلف بودن به کلاس نمی‌رود. اما فشارهای کاری، تعداد زیاد دانش‌آموزان، جلسه‌های پی‌درپی، تکلیف‌های فراوان برای تصحیح و حتی مسائل شخصی، گاهی بدون اینکه خودمان متوجه شویم، روی لحن، حالت چهره یا شیوه رفتارمان اثر می‌گذارند. ما ممکن است فقط احمی کوتاه کرده باشیم یا در یک لحظه صدایمان را کمی بالاتر برده باشیم، ولی برای دانش‌آموز، همین چند ثانیه می‌تواند

* احساس بی‌ارزشی

یکی از موضوع‌هایی که دانش‌آموزان بارها به آن اشاره کردند، این بود که بدخلفی معلم باعث می‌شود احساس کنند حرف و تلاششان بی‌ارزش است. دختری تعریف می‌کرد، روزی که پرسشی از معلم داشت، قبل از آنکه جمله‌اش تمام شود، معلم بالحن تند گفته بود «اینکه واضحه، چرا وقت کلاس رو می‌گیری؟» و صدای خنده هم کلاسی‌ها، برای همیشه او را از پرسیدن سؤال بازداشت. دیگری یادآوری می‌کرد که در یک جلسه انشا، معلم وسط خواندن متنش پرسیده بود «این رو خودت نوشتی یا از اینترنت رونویسی کردی؟» و

* اضطراب و ترس در کلاس

عامل دیگری که بارها در صحبت‌ها شنیده شد، احساس ترس و اضطراب هنگام حضور در کلاس بود. بعضی دانش‌آموزان می‌گفتند، حتی وقتی جواب سؤال را بلدند، از ترس واکنش تند معلم دست بلند نمی‌کنند. یکی از آن‌ها توصیف کرد، وقتی معلمش با صدای بلند اشتباه او را به همه نشان داد، قلبش تند زد و دیگر بقیه درس را نفهمید. این نوع اضطراب، تمرکز و انرژی ذهنی را می‌بلعد و مانع یادگیری عمیق می‌شود. برای جلوگیری از چنین فضایی، ایجاد «کلاس اشتباه



همین جمله اعتمادبه‌نفس او را نابود کرده بود.

این تجربه‌ها به ما یادآوری می‌کنند که حتی در صورت اشتباه یا تکراری بودن پرسش، پاسخ محترمانه و شنیدن فعال، پایه‌های اعتماد را حفظ می‌کنند. یک نگاه مستقیم، کمی صبر برای کامل شدن حرف دانش‌آموز، و جمله‌هایی مثل «سؤال خوبی پرسیدی» یا «خوشحالم گفتی تا روشن‌تر توضیح بدم» می‌تواند فضای پرسشگری را زنده نگه دارند. اگر هم پاسخ اشتباه است، تأیید تلاش دانش‌آموز به جای تمرکز صرف بر نتیجه، پیامی قوی درباره ارزشمندی او منتقل می‌کند.

کوچک،

خدیجه فتح‌اله
کارشناس ارشد مشاوره

مثل نفس عمیق سه مرحله‌ای برای خود معلم، کمک می‌کند پیش از واکنش از شدت تنش کاسته شود.

* نتیجه‌گیری

همه ما به‌عنوان معلم، روزهایی داریم که صبرمان کمتر است و ذهنمان شلوغ‌تر. مهم این است که نشانه‌های خستگی یا عصبانیت را در خود بشناسیم و پیش از آنکه به رفتارمان راه پیدا کند، مهارش کنیم. بدخلقی‌های کوچک وقتی تکرار شوند، می‌توانند سال‌ها در ذهن دانش‌آموزان باقی بمانند و حتی مسیر تحصیلی یا شخصی آن‌ها را تغییر دهند. آگاهی، همدلی و چند تغییر کوچک در رفتار روزمره، می‌تواند محیطی بسازد که حتی در سخت‌ترین روزها امن، حمایتگر و الهام‌بخش باقی بماند. این پیام فقط خطاب به معلمان نیست. مدیران مدرسه باید با فراهم کردن کارگاه‌های مدیریت هیجان، زمان‌های استراحت معلمان و فضایی برای تبادل تجربه، از معلمان پشتیبانی کنند. سیاست‌گذاران آموزشی نیز باید آموزش مهارت‌های ارتباطی و عاطفی را بخش جدایی‌ناپذیر برنامه‌های تربیت معلم قرار دهند. به یاد داشته باشیم، دانش‌آموزان بیشتر از محتوای درس، لحن و رفتار ما را به‌خاطر می‌سپارند. برای کمک به حفظ فضای مثبت در کلاس، بازبینی (چک‌لیست) روزانه می‌تواند مفید باشد: قبل از ورود به کلاس، چند نفس عمیق بکشید، جمله‌ای مثبت برای شروع آماده کنید، در طول درس حداقل یک بازخورد مثبت بدهید و در پایان از تلاش دانش‌آموزان تشکر کنید. همچنین، به جای جمله‌های تند، می‌توان از عبارات‌های جایگزین استفاده کرد؛ مثلاً به جای «اشتباه» بگوییم «یک راه دیگه هم هست»، یا به جای «ساکت شو» بگوییم «یک دقیقه سکوت کنیم تا ادامه بدیم».

این تغییرات کوچک، در جمع‌آوری اثرات بزرگی را می‌سازند که آینده یادگیری را روشن‌تر می‌کنند.

زخم‌های بزرگ

روایتی از نگاه دانش‌آموزان و چند راهکار عملی برای معلم‌ها

کوچکشان یا حتی اشاره‌ای به موفقیت‌های روزمره، حس نزدیکی و تعلق را زنده نگه می‌دارد. استفاده از نام دانش‌آموز در مکالمه، و گاهی انجام فعالیت‌های مشترک غیردرسی، مانند درست کردن پوستر یا مسابقه‌های ساده کلاسی، این ارتباط را تقویت می‌کند.

* واکنش‌های مقابله‌ای

یکی از پیامدهای کمتر دیده‌شده بدخلقی، بروز رفتارهای مقابله‌ای در دانش‌آموزان است. برخی شروع به شوخی‌های بی‌موقع می‌کنند، بعضی بی‌تفاوت می‌شوند و گروهی حتی پرخاشگری می‌کنند یا به‌عمد تکلیفشان را انجام نمی‌دهند. یک دختر تعریف می‌کرد، وقتی معلم مدام به او گیر می‌داد، سعی می‌کرد با شوخی کردن فضای کلاس را تغییر دهد، اما در نهایت همین کار به‌عنوان بی‌انضباطی در نظر گرفته می‌شد. دیگری می‌گفت، یک روز آن‌قدر از انتقادات خسته شده بود که به معلم گفت «اصلاً نمره نده، مهم نیست». این رفتارها غالباً فریاد خاموش کمک هستند، نه بی‌احترامی واقعی. نگاه کردن به ریشه رفتار، گفت‌وگوی فردی بعد از کلاس و تعیین مرزها با احترام، به جای برجسب‌زدن به شخصیت، می‌تواند این چرخه را متوقف کند. حتی تمرین‌های ساده‌ای

امن) ضروری است؛ جایی که دانش‌آموز بداند خطا بخشی طبیعی از مسیر یادگیری است. تغییر واکنش به پاسخ‌های غلط، استفاده از لحن ملایم و زبان بدن آرام، و برگزاری جلسه‌های مرور اشتباه، بدون نام‌بردن از کسی، می‌تواند از اضطراب بکاهد و بر مشارکت بیفزاید.

* فاصله گرفتن از معلم و مدرسه

وقتی بدخلقی به عادت تکرار شونده تبدیل می‌شود، رشته‌های ارتباط عاطفی میان معلم و دانش‌آموز پاره می‌شوند. برخی از دختران می‌گفتند که حتی درس‌های مورد علاقه‌شان را به‌خاطر برخوردهای سرد یا عصبی معلم رها کرده‌اند. یکی توضیح می‌داد، ریاضی را همیشه دوست داشت، اما وقتی معلمش مدام با اخم و بی‌حوصلگی کلاس را اداره کرد، دیگر برایش مهم نبود که تکلیف‌ها را کامل کند. حتی بعضی به‌عمد دیر وارد کلاس می‌شدند تا زمان کمتری را در آن فضا سپری کنند.

برای پیشگیری از این فاصله‌گیری، ایجاد لحظه‌هایی خارج از موضوع درس می‌تواند معجزه کند؛ چند دقیقه گفت‌وگو دربارهٔ علاقه‌های دانش‌آموزان، یادآوری پیشرفت‌های

منابع

1. Corbin, J., & Strauss, A. (2015). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (4th ed.). Sage Publications.
2. Hargreaves, A. (2000). Mixed emotions: Teachers' perceptions of their interactions with students. Teaching and Teacher Education, 16(8), 811-826. [https://doi.org/10.1016/S0742-051X\(00\)00028-7](https://doi.org/10.1016/S0742-051X(00)00028-7)
3. Pianta, R. C., LaParo, K. M., & Hamre, B. K. (2003). The Classroom Assessment Scoring System (CLASS). Paul H. Brookes Publishing.
4. Jennings, P. A., & Greenberg, M. T. (2009). The prosocial classroom: Teacher social and emotional competence in relation to student and classroom outcomes. Review of Educational Research, 79(1), 491-525. <https://doi.org/10.3102/0034654308325693>

* میلاد امام حسین (ع)، روز شکوفایی ایثار و آزادگی و روز پاسدار، حافظان اسلام و انقلاب مبارک

امام حسین (ع)، سومین امام شیعیان، در سوم شعبان سال چهارم هجری قمری در مدینه متولد شدند. ولادت ایشان موجب شادی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) شد. در منابع تاریخی آمده است، پیامبر اکرم (ص) هنگام تولد ایشان، نام «حسین» را به فرمان الهی انتخاب کردند و او را بسیار مورد محبت و نوازش قرار می‌دادند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۶).

امام حسین (ع) نه تنها در زمان حیات خود، بلکه در طول تاریخ، الگویی از فضایل اخلاقی، بندگی، شجاعت و آزادگی بوده‌اند.

* تولد حضرت ابوالفضل العباس (س)، سردار وفاداری و روز جانبازان عزیز، ستارگان ایثار، مبارک

حضرت ابوالفضل العباس (س) با شخصیت الهی و اخلاقی خویش، الگویی برای وفاداری، ایثار و شجاعت در راه حق است. تولد او در چهارم شعبان را باید آغازگر حماسه‌ای دانست که در کربلا به اوج رسید و تا ابد در تاریخ اسلام به عنوان نماد وفاداری و آزادگی ثبت شد.

حضرت ابوالفضل العباس (س)، فرزند امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت ام‌البنین (س)، در چهارم شعبان سال ۲۶ هجری قمری در مدینه منوره متولد شدند. امام علی (ع) از همان آغاز نام عباس را برای ایشان برگزیدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۹۰).

* میلاد امام سجاد (ع) را تبریک عرض می‌کنیم

امام علی بن الحسین، مشهور به زین العابدین و سجاد (ع)، چهارمین امام شیعیان است. بنا بر گزارش بیشتر منابع تاریخی و حدیثی، ایشان در سال ۳۸ هجری قمری در شهر مدینه چشم به جهان گشودند. بسیاری از منابع تاریخی ولادت آن حضرت را روز پنجم شعبان ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۵). مجموعه دعاهای برجای مانده از ایشان در کتابی ارزشمند به نام «صحیفه سجادیه» گرد آمده است. (شریف قرشی، ۱۳۸۲: ۵۹).

* جوانی با میلادت معنا گرفت

در پنجم شعبان، تاریخ دوباره جوانی را معنا کرد. جهان به تماشای ولادت جوانی ایستاد که سیمایش آینه جمال پیامبر (ص) و سیره‌اش آینه شجاعت پدر بود. روز میلاد او، روز جوان نام گرفت؛ روزی که به ما یادآوری می‌کند، جوانی نه صرفاً سال‌های سبز عمر، بلکه فرصتی برای شکوفایی فضیلت، حقیقت و خدمت است. جوانی با علی اکبر معنا می‌گیرد، آنگاه که در میدان ایمان، دل را به خدا می‌سپارد و جان را نثار حقیقت می‌کند.

* دهه فجر انقلاب اسلامی ایران،

روزهای روشن رهایی

دهه فجر یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است که هر ساله از ۱۲ تا ۲۲ بهمن‌ماه برگزار می‌شود. این دهه یادآور بازگشت امام خمینی (ره) به میهن اسلامی در سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن همان سال است (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۲).

دکتر لیلا میرزایی
دانش آموخته فلسفه
تعلیم و تربیت

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نتیجه هم‌بستگی ملت، رهبری الهی امام خمینی (ره) و پافشاری بر ارزش‌های دینی و انسانی بود. این پیروزی نه تنها یک تحول سیاسی، بلکه نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام به شمار می‌آید.

* روز ملی فناوری فضایی

۱۴ بهمن ماه در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران به عنوان «روز ملی فناوری فضایی» نام‌گذاری شده است. این نام‌گذاری به مناسبت پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره «امید» در سال ۱۳۸۷ انجام گرفت. این روز نمادی از توان علمی، خودباوری ملی و عزم ایران در دستیابی به فناوری‌های پیشرفته به شمار می‌رود (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۱).

* نیمه شعبان، طلوع عدل جهانی بر همگان مبارک

نیمه شعبان شب باران نور است؛ این شب، وعده خداوند به دل‌های منتظر است؛ شبی که امید جامعه ولادت پوشید و عدالت در گهواره آرام گرفت. این عید جشن شکوفایی عدالت و آزادی است؛ روزی که زمین و زمان، به بهانه تولدش آذین می‌بندند و فرشتگان بر پیشانی خاک بال‌های نور می‌گسترانند.

* سلام بر مادر رحمت و برکت خدا

سلام بر رمضان

خوش آمدنی ای ماه دعا و آمرزش

ماه رمضان، نهمین ماه قمری، یکی از مهم‌ترین مناسبت‌های دینی در جهان اسلام است. آغاز این ماه بر اساس رؤیت هلال ماه نو مشخص می‌شود و مسلمانان با شوق و آمادگی معنوی آن را آغاز می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۸).

آغاز این ماه فرصتی برای بازسازی معنوی و تربیتی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۱).



منابع

۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. داراحیاء التراث العربی. بیروت.
۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴). بحارالانوار. ترجمه محمدجواد نجفی. کتابفروشی اسلامیه. تهران.
۳. شریف قرشی، باقر (۱۳۸۲). زندگی امام زین‌العابدین (ع). ترجمه سید حمیدرضا جعفری. دارالکتب الاسلامیه. قم.
۴. صحیفه امام خمینی (ره) (۱۳۷۸). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران.
۵. شریعتی‌نیا، محمود (۱۳۹۶). چالش‌ها و فرصت‌های سیاست فضایی ایران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). تهران.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. قم.
۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۶). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. تهران.

۳ بهمن / ولادت امام حسین (ع) و روز پاسدار

۴ بهمن / ولادت حضرت ابوالفضل (ع) و روز جانباز

۵ بهمن / ولادت امام زین‌العابدین (ع) و روز صحیفه سجادیه

۶ بهمن / روز حماسه مردم آمل

۱۱ بهمن / ولادت حضرت علی‌اکبر (ع) و روز جوان

۱۲ بهمن / بازگشت حضرت امام خمینی (ره) و آغاز دهه مبارک فجر

۱۴ بهمن / روز فناوری فضایی

۱۵ بهمن / ولادت حضرت قائم (عج) - روز جهانی مستضعفان و روز سربازان گمنام امام زمان (عج)

۱۹ بهمن / روز نیروی هوایی

۲۰ بهمن / روز چهارمحال و بختیاری

۲۲ بهمن / پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۲۵ بهمن / صدور حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر ارتداد سلمان رشدی

۲۹ بهمن / قیام مردم تبریز - روز اقتصاد مقاومتی

۳۰ بهمن / آغاز ماه مبارک رمضان



آنچه

یک جوان

باید بداند:

ویژه

دختران و

پسران



برای شنیدن معرفی این کتاب
رمز QR را پخش کنید.

به کوشش: رضا فرهادیان
ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
سال انتشار: نهم ۱۳۹۴

مجموعه‌ای جامع که به نیازها و چالش‌های دوران حساس نوجوانی و جوانی برای هر دو جنس می‌پردازد. این اثر با رویکردی جامع، به دغدغه‌های مشترک و همچنین تفاوت‌های ظریف رشدی در دختران و پسران توجه کرده و راهنمایی‌های کاربردی برای عبور موفقیت‌آمیز از این مرحله عرضه می‌کند.

موضوع‌های محوری و رویکرد کتاب: این کتاب با تأکید بر اهمیت حیاتی دوران جوانی، به عنوان پلی میان کودکی و بزرگسالی، به جوانان کمک می‌کند با آگاهی و آمادگی بیشتری وارد این مرحله شوند. نویسنده با درک عمیق تحولات جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی این دوران، این تغییرات را در هر دو جنس به‌طور کامل شرح می‌دهد.

* جنبه‌های مشترک برای دختران و پسران

بلوغ و تحول جسمی: کتاب به‌طور مفصل به پدیده‌های جسمی بلوغ می‌پردازد و تغییرات هورمونی، رشد فیزیکی و مسائل بهداشتی مرتبط را برای هر دو گروه توضیح می‌دهد. هدف، افزایش آگاهی و کاهش نگرانی‌های رایج در این زمینه است.

تحول روحی و روانی: بخش مهمی از کتاب به شکل‌گیری هویت، احساس، روابط عاطفی و چالش‌های اعتماد به نفس اختصاص دارد. پرسش‌های اساسی من کیستم، کجا، و کجا باید بروم، به‌عنوان محور اصلی رشد روانی مطرح می‌شود. راهکارهایی برای خودشناسی و خودباوری و خودنگهداری نیز ارائه می‌شود.

اهمیت هدایت و تربیت: نویسنده بر نقش کلیدی خانواده، مربیان و مشاوران در هدایت صحیح جوانان تأکید می‌کند. این راهنمایی‌ها شامل آموزش مهارت‌های زندگی، تصمیم‌گیری و مواجهه با مسائل اجتماعی است.

انتخاب‌های سرنوشت‌ساز: این کتاب به جوانان کمک می‌کند با درک پیامدهای انتخاب‌هایشان در زمینه‌های گوناگون مانند تحصیل، دوستان و ازدواج و سبک زندگی، گام‌های درستی در مسیر آینده بردارند.

اشاره به تفاوت‌های جنسیتی: اگرچه کتاب به مسائل مشترک می‌پردازد، اما در بخش‌هایی به ظرافت‌های رشدی و اجتماعی خاص دختران و پسران نیز توجه نشان می‌دهد. برای مثال، ممکن است در مورد نحوه شکل‌گیری روابط اجتماعی، ابراز احساس یا درک نقش‌های جنسیتی، توضیح‌هایی متناسب با هر گروه ارائه شود. این رویکرد به جوانان کمک می‌کند ضمن درک شباهت‌ها، تفاوت‌های طبیعی را نیز بپذیرند و به‌درستی مدیریت کنند.

در نهایت، «آنچه یک جوان باید بداند: ویژه دختران و پسران»، با ارائه دانش جامع و کاربردی، به جوانان کمک می‌کند دوران نوجوانی و جوانی را با دید باز و نگرش مثبت پشت سر بگذارند و به‌سوی ساختن فردایی روشن و مسئولانه گام بردارند. این کتاب منبعی ارزشمند برای خودسازی، خودنگهداری، درک متقابل و رشد همه‌جانبه است.

در فراق

حضرت

یار

لحظه‌ها تب‌زده، ماتم‌زده و جانکاه‌اند
ملتهب از تن سوزان هزاران آه‌اند
در فرار از دل غم‌خانه تشویش و جنون
سست و با این همه تردید چرا همراه‌اند؟
چشم‌هایم شب باران‌زده‌ای طوفانی است
پلک را بر همه جا بسته تو را می‌خواهند
تو به دانشکده عشق علی استادی
بی‌قراران شما در صف دانشگاه‌اند
من خریدار نه، بیمار توأم یوسف دل
چه نظرها به هوای تو بین بر چاه‌اند
جمعه‌ها اهل زمین بغض عجیبی دارند
چشم‌ها منتظر دیدن روی ماه‌اند
تو که سرچشمه نوری، شرری، شب‌شکنی
رخ نما، مست تمنای تو خلق الله‌اند
تو نباشی همه عالم فلک و جن و بشر
غرق تاریکی محض‌اند و بسی گمراه‌اند

نویسنده نام‌جو فر

عکال الله تعالی
فوجاه الشریف
صلى الله عليه وسلم

